

فرماندهای که با امکانات کم کارهای زیادی کرد



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۶ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷ | ۱۴ جولای ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه



علی قاسمی

۲
سرمقاله



رضا صابری

۲
نگاه

فرصت تازه پیش روی دیپلماسی!

۸
پرونده

مروری بر ماجرای اسنپ بک و تبعات فعال شدن آن

بازمانده برجام

صبح صادق مواضع تفرقه‌افکن برخی چهره‌های سیاسی را واکاوی می‌کند

وحدت شکن



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

به اعتراف دوست و دشمن و همه کارشناسان عرصه جنگ، یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب شد تا تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار به ملت ایران ناکام بماند، وحدت و انسجامی بود که برای دفاع از وطن و با حمایت از مسئولان کشور و تبعیت از رهبر معظم انقلاب اسلامی شکل گرفت. دشمنان نادان گمان کرده بودند که خواهند توانست با فروپاشی انسجام ملی، کشور را چند روزه مال خود کنند و جمهوری اسلامی را از موضع انفعال و ضعف پای میز مذاکره بنشانند، تا برگه تسلیم خود را امضا کند! اما آنچه رخ داد همه محاسبات را برهم زد و ملت نه تنها نترسیدند، بلکه همچون مجاهدین صدر اسلامی ایمان‌شان روزافزون شد و فریاد برآوردند که «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

با توقف موقت جنگ، دشمن درصدد شناخت عوامل ناکامی‌اش برآمده است و در صدر آن عامل وحدت و همدلی را مشاهده می‌کند که موجب تجمیع قدرت یک ملت شد و اینجاست که ایجاد اختلاف و تفرقه‌افکنی را در دستور کار خود قرار داده است تا کار را برای ادامه تجاوز هموار سازد. اینک دو جریان از دو سو به‌مثابه لبه تیز یک قیچی در نقشه‌ای طراحی شده، در

حال بردن حبل‌اللهی هستند که موجب عزت و اقتدار این ملت شده است. یک جریان به ظاهر پرچم انقلابی‌گری و ارزش‌مداری را بالا برده است و بخشی از مسئولان کشور را متهم به سازش‌کاری و... می‌کند، عملکرد مسئولان دیپلماسی کشور را تخریب می‌کند و کارزار استیضاح و... به‌راه می‌اندازد! در فضای مجازی شروع به اتهام‌زنی کرده و با سوءاستفاده از عواطف و احساسات جامعه، همه‌آنها را که با این رادیکالیسم همراهی نمی‌کنند و عقلانیت و بصیرت را پیشه خود کرده‌اند، متهم به خیانت و وادادگی می‌کنند! مروری بر مواضع برخی از این افراد شناخته شده، متأسفانه روزهای تلخ مواجهه جبهه امیرالمؤمنین (ع) با خوارچ را یادآور می‌شود که حاصل اقدام‌شان تضعیف جبهه علوی و قدرت گرفتن جبهه اموی است!

در آن سو، جریانی مشکوک‌آزور شکستان سیاسی، فعال شده‌اند تا با عقده‌گشایی نظم اجتماعی ایجاد شده را برهم ریخته و بستر ساز حمله مجدد دشمن به این سرزمین شوند. آخرین اقدام در این زمینه توسط ورشکسته‌ای سیاسی که روزگاری رأی این ملت را به آتش کشید و در رأس فتنه ۸۸ قرار گرفت، صورت گرفته است. وی با انتشار بیانیه‌ای احمقانه و دشمن‌شادکن در حالی که کشور درگیر جنگ است، خواستار «برگزاری referendum برای تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی» شده است! این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که معلوم نیست نویسنده در این معرکه آتش و

خون به دنبال چیست و چگونه دور از ملت و شرایط کشور، حرف‌های بی‌اعتبار خود را فریاد می‌زند. عقده‌گشایی این شکست‌خورده انتخاب و مرده سیاسی تا به آنجاست که ساختار سیاسی کشور را در این میان زیر سؤال برده است. این در حالی است که امروز برای بسیاری از منتقدان منصف آشکار شده است، اتفاقاً آنچه موجب اقتدار ایران اسلامی در شرایط سخت و دشوار جنگ ۱۲ روزه شده است، ساختاری نظیر جمهوری اسلامی است که مبتنی بر نظریه مردم‌سالاری دینی و با محوریت ولایت فقیه فصل‌بندی شده است و همین جایگاه الهی بود که توانست در حالی که فرماندهان نظامی عالی‌رتبه کشور در همان ساعات اولیه جنگ به شهادت رسیده بودند و همین می‌توانست به آشتی در نیروهای مسلح و کشور بینجامد، ورق را برگرداند و در کمتر از ۲۴ ساعت آنچنان ضرباتی برپیکره دشمن وارد ساخت که در همان روز اول تصویر ناکامی تجاوز دشمن برای آگاهان عرصه نبرد شکل گرفت.

در این میان برخی بی‌خردانی هم هستند که هر چند نمی‌توان آنها را به جایی منسوب کرد، اما با کلام نابخردانه خود، آتشی می‌افکنند بر خرمن وحدت این ملت! اینان بدون آگاهی سخن می‌گویند و مسئولان نظام را به گناهی متهم می‌کنند که دروغ بودن آن بارها و بارها آشکار شده است! اما با این حرف نابخردانه و اشتباه، خوراک مناسب برای رسانه‌های ضدانقلاب فراهم

می‌کنند تا کشور را درگیر اختلافات کنند! و ضمن بی‌اعتبار کردن و جاهت خود، تریبونی که رسانه ملی در اختیار آنان قرار داده را نیز ضایع می‌کنند!

در این معرکه آنچه می‌تواند مانع از تضعیف مهم‌ترین قدرت ملی این سرزمین که همدلی و وحدت حول محور منافع ملی و رهبری جامعه اسلامی باشد، هوشیاری و بصیرت ملت ایران است. این روزها باید مواظب فتنه‌گران بود. امروز هر صدایی که از تفرق و تشتت سخن می‌گوید بدون شک بلندگوی دشمن است، چه گوینده ظاهری انقلابی داشته باشد، چه ژستی روشنفکرانه و جامعه‌اصلاح‌طلبانه بر تن کرده باشد! چه تعبیر قشنگی دارد شاعری خوش فکر و انقلابی، آنجا که سروده است:

فتنه شاید، در صَفِ صِفِّین می‌جنگیده
روزی / فتنه شاید، در زمانِ شاه، زندان بوده
باشد!

فتنه شاید، با امام از کودکی همسایه بوده /
یا که در طیاره پاریس-تهران بوده باشد

ملت ایران این روزها در اوج بصیرت و هوشیاری به‌سرمی‌برد و خیلی از تریبون‌های فتنه‌گر برایشان رنگ باخته است. برای پیروزی قاطع و کامل بر دشمن باید بر تداوم این مسیر تأکید کرد و بر کیفیت این بصیرت افزود تاحنای فتنه‌گران داخلی و خارجی در این جنگ شناختی و جدال روایت‌ها رنگ بازد، باذن‌الله!

۱۳
فرهنگ

سرود ایران بر مدار ایمان

تأملی بر بازخوانی ترانه‌های ملی
در قالب نوحه و مداحی

پایان اعتبار غرب!

نگاهی به پیامدهای فعال شدن اسنپ‌بک

۸
پرونده

| سرمقاله |

یک بیانیه، چند نکته!

علی قاسمی

تحلیل‌گر ارشد اقتصادی



پس از حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران و برقراری آتش‌بس، ۱۸۰ اقتصاددان، استاد دانشگاه با انتشار بیانیه‌ای خطاب به مردم ایران و رئیس‌جمهور «مسعود پزشکیان»، ضمن محکوم کردن تجاوز رژیم جنایتکار صهیونیستی به ایران و حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای کشورمان، خواستار اصلاحاتی در پارادایم حاکم بر نظام حکمرانی کشور شدند. ابتدای بیانیه معقول و منطقی است، همان‌گونه که انتظار می‌رفت از مردم و نیروهای مسلح در این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی تمجید و تعریف صورت گرفته است، اما در ادامه بیانیه چند درخواست مطرح می‌شود که جای نقد و بررسی جدی دارد.

اولاً؛ این نامه که کاملاً با نگاه سیاسی و جریانی نگارش شده است و آدم را به یاد نامه این ۱۶۳ (مثلاً) اقتصاددان در سال ۱۳۹۶ می‌اندازد که نوشته بودند: «اگر به روحانی رأی ندهید کشور دچار رکود عمیق، تورم، فقر و فساد گسترده می‌شود!»؛ اما نتیجه‌ای که در دور دوم آقای روحانی رخ داد برابر چشم مردم قرار دارد. پس عملکرد این عده با همان ادبیات از قبل مسبوق به سابقه بوده است.

ثانیاً؛ وقتی نگاهی به اسامی امضاکنندگان بیانیه بیندازیم از «عباس آخوندی» که سال‌ها در این مملکت، وزیر بوده تا «موسی غنی‌نژاد»، «مسعود نبلی» که سال‌هاست اقتصاد مملکت بر مدار تئوری‌های آنها اداره می‌شود. از «ولی‌الله سیف» رئیس بانک مرکزی تا «روغنی زنجانی» و «سناری‌فر» رئیس سازمان برنامه‌بودجه تا «حسین عبده تبریزی» رئیس سازمان بورس تا دیگران همه سکانداران مملکت در حوزه‌های گوناگون اقتصادی و برنامه‌ریزی و سیاست و فرهنگ و... در ۴۰ سال گذشته بودند. پارادایم‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و سیاست خارجی مملکت در دولت‌های مختلف بر اساس امیال و نظرات این افراد اجرا شده که به وضع موجود رسیده‌ایم. بیشترین افزایش میزان تورم، ارز، افزایش قیمت ملک و مسکن در دوره‌ای بوده که با پارادایم مذاکره و تعامل در کشور اتفاق افتاده است. اینها دیگر نباید از نظام طلبکار باشند و نسخه تجویزی بدهند که پارادایم را تغییر دهیم. به‌نوعی باید گفت، وقت پاسخگویی همان‌هایی است که کشور را با همان پارادایم مذاکره و تعامل با غرب از جمله با کدخدا بدون حصول به نتیجه معطل گذاشتند.

ثالثاً؛ مگر در وسط پارادایم مورد نظر تان که مذاکره بود، نبودیم؟ که به ما حمله نظامی کردند به قول رئیس‌جمهور محترم وسط میز مذاکره بمب انداختند.

رابعاً؛ شما که به‌نوعی نخبه هستید و کارهای اجرایی در سطوح عالی را در همین مملکت انجام داده‌اید، نباید در بیان دیدگاه جریانی و سیاسی خودتان از لفظ بی‌ارتباط مرتجل استفاده کنید. مانند آزادی زندانیان سیاسی و پالایش در صداوسیما، کانه کار شما مانند کسی است که وسط دعوا نرخ تعیین می‌کند.

خامساً؛ برخی از بخش‌های بیانیه دغدغه نظام هم است و هرگونه اصلاح آنها مطلوب بوده و بسیاری از دلسوزان نظام به آن واقفند و تلاش می‌کنند به هر نحوی آنها را عملیاتی کنند. اما این کار به‌دست افراد آزمون پس داده و با چهره‌های قدیمی جریان مذکور نگارنده بیانیه بعید است، اجرایی شود و در پایان باید گفت؛ تغییر واقعی زمانی رخ می‌دهد که فضای تصمیم‌گیری به نسل جدیدی از اقتصاددانان دلسوز و دغدغه‌مند، سیاست‌گذاران و نخبگانی که باور به ساخت درونی قدرت دارند و یأس و ناامیدی در آنها نیست، عملی خواهد شد.

| نیم نگاه |

فرصت تازه
پیش روی دیپلماسی!

فضای بعد از حمله رژیم به رویکرد کشورهای اروپایی، چین و روسیه که چهار کشور از اعضای دائم شورای امنیت در بین این کشورها هستند، می‌پردازیم. در مورد کشورهای اروپایی هیچ کدام از این کشورها موضع رسمی و به‌نفع ایران نگرفتند، ولی رویکرد کشورهای اروپایی یکسان نبوده است. یک دسته از کشورها شامل؛ آلمان، بریتانیا، فرانسه، مقدونیه شمالی، آلبانی و جمهوری چک که نه‌تنها اقدام رژیم صهیونیستی را محکوم نکردند، بلکه از این اقدام حمایت کردند؛ البته این حمایت در همه کشورها یکسان نبود، انگلستان و فرانسه به‌صورت ضمنی حمایت کردند. ولی آلمان به‌صورت شفاف از رژیم صهیونی حمایت کرد و صدراعظم آلمان گفت: «اسرائیل در حال انجام کار کثیفی به نمایندگی از غرب است.»

گروه دیگر؛ کشورهای اروپایی شامل لهستان، فنلاند، مجارستان، سوئد، صربستان، اتریش، ایتالیا، بلغارستان و بلژیک بود که موضعی خنثی اتخاذ کردند و اقدامات رژیم صهیونیستی را محکوم نکردند و دو طرف را به خویشستن‌داری دعوت کردند. این دسته از کشورها روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با دو طرف دارند و در تلاش بودند که این روابط دچار آسیب نشود و اعلام کردند که برای کنترل بحران، بهترین راه اقدامات

دیپلماتیک است. گروه سوم؛ کشورهای ایرلند، اسپانیا، نروژ، لوکزامبورگ، اسلونی و بوسنی و هرزگوین هستند که با وجود عدم حمایت رسمی از ایران حملات رژیم صهیونیستی را به‌شدت محکوم کردند. دولت اسپانیا حملات رژیم صهیونی را محکوم کرد و ایرلند آن را بی‌ثبات‌کننده خاورمیانه خواند. وزیر خارجه لوکزامبورگ گفت: «حملات زمانی رخ داد که ایران در حال مذاکره با آمریکا بود.» رئیس‌جمهور اسلوانی هم هشدار داد که این حملات تنش‌ها را در منطقه به‌شدت افزایش داده است. مردم این کشورها اصولاً مواضع ضدصهیونیستی دارند و همواره طرفدار فلسطین بودند. در نتیجه دولت‌ها هم این سیاست‌ها را دنبال می‌کنند. در ارتباط با روسیه این کشور در شورای امنیت حملات رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و به‌همراه چین و پاکستان طرحی را برای توقف هرچه سریع‌تر جنگ دادند؛ البته توقع بر این بود که روسیه در حوزه بین‌الملل فعال‌تر ظاهر شود و تلاش‌های گسترده‌تری انجام دهد. در مورد کمک‌های نظامی روسیه هم عده‌ای معتقدند که در توافقنامه راهبردی ایران و روسیه اشاره‌ای به پیمان دفاعی متقابل نشده است، ولی در بخش کمک‌های نظامی هم روسیه حداقل به‌صورت رسمی به ایران کمکی نکرده در مورد چین هم

تقریباً عملکرد مانند روسیه بوده است. البته در حوزه بین‌الملل چین فعال‌تر بوده است. البته تصور کارشناسان حوزه بین‌الملل این بود که چین به‌دنبال بازتعریف نقش ژئوپلیتیک خود در دنیا است و منافع امنیتی را برای خود به‌خصوص در غرب آسیا تعریف کرده است. در نتیجه باید در این جنگ خیلی فعال‌تر ظاهر می‌شد. این جنگ نشان داد که برای چین کماکان منافع اقتصادی حرف اول را می‌زند و حتی زمانی که صحبت از بسته شدن تنگه هرمز شد، این کشور تلاش کرد که فروشندگان نفت به خود را متنوع‌تر کند و میزان خرید خود را افزایش دهد. به‌نظر می‌رسد که محور روسیه، چین و ایران حداقل در بعد دفاعی امنیتی خیلی مستحکم نیست. هر چند بعد از آتش‌بس، روسیه و چین در صحنه بین‌الملل فعال‌تر ظاهر شدند و روسیه به‌دنبال ارائه کارهایی برای ادامه آتش‌بس بین ایران و رژیم صهیونی و حل مشکل برنامه هسته‌ای ارائه داده است. چین هم اعلام کرده است، به‌دنبال فروش تسلیحات نظامی به کشورهای دوست خود است. در مجموع می‌توان جنگ تحمیلی دوازده روزه رژیم صهیونیستی را بایاد فرصت خوبی دانست که ایران به یک بازتعریف جدید از سیاست خارجی خود بپردازد.

حامیان و منتقدان گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با خبرنگار آمریکایی چه گفتند؟

حاشیه‌های یک مصاحبه!

که دشمن مجدداً امیدوار شود.» (محمدجواد لاریجانی) تحلیلگر مسائل بین‌الملل نیز اظهار کرد: «ما در جنگ ۱۲ روزه، پیروز واقعی میدان بودیم و آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانانشان بازندگان قطعی بودند. این پیروزی را نباید با فهم آمریکایی یا تحلیل صهیونیستی تباه کرد، بلکه باید از آن هوشمندانه صیانت کرد و دیپلماسی متناسب با این دستاورد طراحی کرد.»

البته «دانی دانون» سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد نیز در واکنش به مصاحبه کارلسون با رئیس‌جمهور ایران گفت: «من نمی‌فهمم چرا باید به چنین مسئولی، فضایی برای گفت‌وگو داده شود. باید از خود بپرسید آیا به‌خاطر روزنامه‌نگاری باید با هر کسی مصاحبه کرد؟ مقامات ایرانی دروغ می‌گویند.»

همین‌طور رسانه‌های انگلیسی‌زبان جهان نیز با بازتاب گسترده این مصاحبه، آمادگی ایران برای مذاکره و نیز اقدام تل‌آویو برای ترور مقامات کشورمان به‌ویژه تلاش ناکام برای ترور شخص رئیس‌جمهور ایران را در صدر اخبار خود قرار دادند؛ خبرگزاری بین‌المللی «بلومبرگ» نوشت: «رئیس‌جمهوری ایران اعلام کرد که برای مذاکره با آمریکا آماده است.» نشریه آمریکایی «نیوزویک» نیز اظهارات رئیس‌جمهور ایران مبنی بر تلاش برای ترور وی توسط رژیم صهیونیستی را فاش‌کننده ابعاد جدید تنش‌ها بین اسررائیل و ایران دانست. روزنامه انگلیسی «گاردین» نیز با اشاره به سخنان پزشکیان در زمینه دستور کار رژیم صهیونیستی برای ترور مقامات سیاسی ایران از جمله رئیس‌جمهوری، نوشت: «این موضوع نشان می‌دهد که اسررائیل فقط دنبال ترور مقامات نظامی یا دانشمندان هسته‌ای نیست، بلکه به‌دنبال ترور مسئولان بلندپایه سیاسی این کشور نیز است.»

فارغ از آنچه منتقدان و حامیان گفت‌وگوی مسعود پزشکیان با تاکر کارلسون بر زبان آوردند، آنچه باید خط قرمز همه جریان‌ات سیاسی و همه مسئولان و مردم باشد، حفظ وحدت ملی و اجماع بر سر منافع ملی ایران است، منافع که مسیر تحقق آن را به‌هم‌دوها و سخنان رهبر معظم مشخص می‌شود.



نسبت به ایران یک ضرورت است، ضرورتی که به آن کمتر اندیشیده شده و کمتر به آن عمل شده است.»

از سویی دیگر، منتقدان مواضع رئیس‌جمهور در این گفت‌وگو، به مواردی مانند انفعال وی در حمایت از فتاوی‌ مراجع، تفسیر به رأی «شعار مرگ بر آمریکا» و چرایی بی‌ان اعلام آمادگی ایران برای بازگشت به مذاکرات هسته‌ای، اشاره کردند.

در یکی از این موارد، ۲۴ نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور بیان داشتند که مواضع ایراد شده در این مصاحبه، خلاف وحدت در جامعه بوده است؛ در این نامه قید شده بود که: «ای کاش در این گفت‌وگو به‌جای تلاش برای تفکیک میان شیطان بزرگ و پیمانکارش، به محکومیت جنایتکار اصلی، یعنی آمریکا پرداخته و تأکید می‌شد که در چنین شرایطی حتی سخن از مذاکره با آمریکا نیز سراب است.»

«گودرزی» سخنگوی هیئت رئیسه مجلس نیز در واکنش به اظهارات پزشکیان عنوان کرد: «چالش با آمریکا هزینه دارد، اما قطعاً هزینه آن از سازش با آمریکا کمتر است؛ اجازه ندهید

داشتند که رئیس‌جمهور در این گفت‌وگو مستقیماً پایگاه اجتماعی ترامپ که ضدجنگ و عمیقاً ملی‌گراست را هدف قرار داده و توانسته است فاصله میان وعده‌ها و عملکرد ترامپ را آشکار و تصورات نادرست جامعه آمریکا درباره دشمنی ایرانیان با مردم این کشور را خنثی کند. این طیف از تحلیلگران معتقد بودند که پزشکیان در این گفت‌وگو به‌خوبی جامعه آمریکا را که به وعده «پایان جنگ» ترامپ رأی داده بودند، خطاب قرار داده تا جنایتکاری چون نتانیاهو پای کشورشان را به جنگی پرهزینه باز نکند. در نگاه این کارشناسان، رئیس‌جمهور ضمن وفاداری به اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌ویژه در حوزه‌های مقاومت، استقلال و حق دفاع مشروع، دارای لحن و ادبیاتی متعهد، غیربرانگیزاننده و صریح بود.

«امیرعلی ابوالفتح» کارشناس مسائل آمریکا این‌گونه مصاحبه پزشکیان و کارلسون را تحلیل کرد: «مسعود پزشکیان در این گفت‌وگو کارلسون همانی را گفت که باید برای جامعه آمریکا می‌گفت، به‌ویژه برای حامیان جنبش MAGA تلاش برای تغییر نگرش مردم آمریکا

رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل

سفر چند روزه «نتانیاهو» به آمریکا خاتمه یافت. در مورد نتایج این سفر می‌توان گفت، حداقل مذاکرات «ترامپ» و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در برقراری آتش‌بس در غزه بی‌نتیجه به پایان رسید؛ البته در مورد حمله رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی به جز لفاظی‌های ترامپ و مسئولان آمریکایی که نتانیاهو هم آنها را همراهی می‌کرد، نتانیاهو تلاش کرد که ترامپ آمریکا را در ادامه مقابله با ایران با خود همراه کند که معلوم نیست تا چه حد در این موضوع موفق بوده است. ولی می‌توان گفت، در ایجاد انگیزه برای آمریکایی‌ها برای اقدام نظامی بر علیه جمهوری اسلامی حداقل در کوتاه‌مدت موفق نبوده است. آمریکایی‌ها هم از کانال‌های مختلف به‌دنبال برقراری مذاکرات با جمهوری اسلامی هستند.

ترامپ در تلاش است که اعلام کند بعد از بمباران سایت «فردو» برنامه هسته‌ای ایران پایان یافته است و به همین دلیل در حال حاضر مایل به اقدام نظامی نیست. در اینجا برای روشن شدن

حسین چخماقی

خبرنگار



هفته گذشته، انتشار گفت‌وگوی نیم ساعته «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور کشورمان با «تاکر کارلسون» مجری روزنامه‌نگار آمریکایی منتشر شد و واکنش‌های مثبت و منفی فراوانی را برانگیخت.

این گفت‌وگو به‌صورت تصویری و در بستر اینترنت انجام شد و با توجه به اینکه کارلسون، چهره‌ای تأثیرگذار بر افکار عمومی آمریکا به‌خصوص جریان جمهوری‌خواه حامی «ترامپ» محسوب می‌شود، تحلیلگران این گفت‌وگو را بسیار مهم توصیف کردند.

رئیس‌جمهور در این مصاحبه مطالبی را بیان کرد که برخی از آنها با واکنش‌های بیشتری مواجه شد؛ از جمله اینکه «ما با مذاکره مشکلی نداریم، اما فجایی که رژیم صهیونیستی در منطقه و کشور ما رقم زده وضعیت را بحرانی کرده است»، «نبايد در میانه گفت‌وگو، مجدداً به رژیم صهیونیستی اجازه حمله داده شود و آتش جنگ آغاز گردد»، «اسرائیل برای ترور من هم تلاش کرد و اقدام انجام داد و جلسه‌ای که در آن حضور داشتیم را بمباران کرد. ولی وقتی خدا نخواهد، حادثه‌ای رخ نمی‌دهد»، «رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند با شرایط را به‌سمت صلح و امنیت هدایت کند و رژیم صهیونیستی را مهار کند یا در دام نتانیاهو و جنگ بی‌پایانش بیفتد، این تصمیمی است که رئیس‌جمهور آمریکا باید بگیرد»، «مراجع شیعه علیه هیچ فرد خاصی فتوا صادر نکرده‌اند و فتاوی‌ اخیر صادره اعلام می‌کند که توهین به مذهب یا شخصیت‌های مذهبی، از نظر اعتقادی، محکوم و غیرقابل قبول است و این مسئله مشخصاً مربوط به رئیس‌جمهور آمریکا یا اشخاص دیگر نیست»، «شعار مرگ بر آمریکا به‌هیچ‌وجه به‌معنای مرگ بر مردم یا حتی مسئولان آمریکا نیست. این شعار یعنی، مرگ بر جنایت و قتل و حمایت از کشتار و سیاست‌هایی که منطقه را ناامن می‌کنند.»

عده‌ای از کارشناسان و تحلیلگران بیان

روایت خبرنگار صبح صادق از قطعه ۴۲ بهشت زهرا(س)

اینجا ایران حسین است..

ز هرا ظهر وند

خبرنگار

قطعه ۴۲ گلزار شهدای بهشت زهرا(س) را می‌توان جزء خاص‌ترین قطعات گلزار شهدا نامید، چراکه از هر گروه و قشر و جنس و تفکر مذهبی و سیاسی، امانتی در این قطعه به‌دست خاک سپرده شده‌است، اصلا می‌توان گفت خداوند در این قطعه انسان‌هایی با سلاقی مختلف را دور هم جمع کرده و یک دورهمی ملی به‌راه انداخته‌ است.

در این قطعه پیکرهای اربا اربا شده، صورت‌های زیبایی له شده در زیر آوار، سوخته شده، پیکرهایی که شاید از آنها فقط بخشی از بدن مطهر به‌جا مانده باشد، مانند شهیدی که فقط یک دست از او به‌جا ماند و مادر بعد از یک هفته رضایت داد تا همان یک دست را تشییع کنند و به خاک بسپرنند و چه بهتر بگویم به امانت گذاشته‌اند.

در این قطعه، از سردار و فرمانده گرفته تا سرباز وظیفه، از پیر و جوان گرفته تا رایان دو ماهه سوخته و دفن شده روی سینه‌های گل‌پسرها و گل‌دخترهای خردسال و کودک که کنار خانواده پری‌شدند، به جرم داشتن پدری دانشمند، از خانواده‌هایی که با هم شهید شدند، از خلبان گرفته تا سرنگ ارتش که مدافع وطن شد و با شجاعت در حالی‌که شیف‌ت او نبود پای پدافند رفت، از خلبان و راننده تا امدادگر و پزشک، از پاسدار و بسیجی گرفته تا تازه دامادها و تازه‌نامزد کرده‌ها و نوعروسان، از راست قامتان جانباز دفاع مقدس گرفته تا مدافع هم‌همه‌همه در این جنگ تحمیلی، خونشان به عرش خدا رسید و خلعت زیبایی شهادت را بر تن‌های مجروح و سوخته شده کردند.

اصلا روایت قطعه ۴۲ بهشت‌زهر(س) در این

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



این روزها جریان غربگر ا سعی دارد با تطبیق وضعیت امروز با سالال ۱۳۶۶ این‌گونه القاء کند که عدم ورود به مذاکره شبیه نپذیرفتن قطعه‌نامه ۵۹۸ در هشت سال دفاع مقدس است. مسئله‌ای که به ادعای این جریان منجر شد تا چند ماه بعد؛ ایران که دست برتر را در جنگ داشت؛ این‌بار شکست خورده به پذیرش قطعه‌نامه متوسل شود! برای تشریح و صحت‌وسقم این دیدگاه به گفت‌وگو با «فواد ایزدی» تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا پرداخته‌ایم که در ادامه مشروح این گفت‌وگو آورده می‌شود.

آقای ایزدی نکته‌ای که جریان غربگرا این روزها به آن تکیه کرده شباهت امروز با سال ۱۳۶۶ و ماجرای قطعه‌نامه است، چقدر این تطابق صحت دارد؟

در زمان هشت سال دفاع مقدس هم می‌خواستند ایران را تجزیه کنند، جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، سپس قسمت‌هایی از ایران را صدام تسلط پیدا کند. چند سال جنگیدند، اما موفق نشدند. در نهایت، چون پیشرفت ایران در جبهه خیلی زیاد نبود، کشور آتش‌بس را پذیرفت.
بله، شاید پذیرش آتش‌بس بهتر یا بدتر بود؛ این نیاز به تحلیل دارد. اما شرایط فرق می‌کند. آن موقع خواستند ایران را تجزیه کنند، اما نتوانستند. برای همین به‌سازمان ملل رفتند و قطعنامه ۵۹۸ را ارائه دادند، چون غربی‌ها در جبهه شکست خورده بودند و به نتایجی که می‌خواستند نرسیدند. غربی‌ها این را ارائه دادند. آن موقع کارشان تمام نشده بود، یعنی هنوز شکست را نپذیرفته‌اند. در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ معلوم بود که به هدفشان نمی‌رسند. اما حالا، تازه شروع کرده‌اند. یک عملیات انجام داده‌اند و چند سال وقت دارند. دولت «ترامپ» و عملیات‌های بعدی باید انجام شود.

پس جریان غربگرا چگونه بین این دو بازه

روزها از زبان قاصر است، گویی کربلا را در این قطعه می‌بینی. رنج درد و غمی که حضرت سجاد(ع) در تکفین و تدفین شهدای کربلا کشیده بر پرده چشم دل نمایان می‌شود.

نمی‌دانی از کدام شهید بنویسی، از کدام داغ بگویی. برای که گریه کنی؟ یا رشادت کدام سردار و دانشمند را به رخ جهان بکشی؛ در اینجا صورت عزیز به خاک سپرده را لازم نیست از کفن باز کنی، چون خبری از صورت نیست.

این قطعه هر روز کربلاست، آری به‌درستی که اینجا ایران حسین است؛ بنا به رسالتم مانند هر روز پای در این قطعه‌ای که از بهشت است، می‌گذارم تا بتوانم روایت‌هایی صحیح و ماندگار از این همه شکوه و شکوه به‌جای بگذارم؛ نواهای آشنای عاشورایی نوحه‌خوان که می‌گفت: «سلام شهید پرِ پَرَم ... سلام عزیز برادرم...» بشارت آمدن و تشییع شهیدی دیگر را به من می‌دهد. صدایی که در اینجا ماندگار است، ذکر بلند «یا حسین» است که از هر گوشه این قطعه به گوش می‌رسد. هر طرف می‌نگرم با صحنه‌ای خاص رویه‌رو می‌شوم، خانم جوانی را می‌بینم که در این چند روز بر سر مزاری از صبح تا ظهر می‌نشیند. چهره‌اش از روز اول در خاطرم هست و نحیف شدنش را در این چند روز شاهدم، ولی از بیرون سعی می‌کند محکم و با صلابت باشد تا دشمن شاد نشویم. تازه عروسی است که همسر پاسدار خود را از دست داده.

این‌بار تعداد زیاد گل‌هایی که بر سر مزار دسته‌گل‌های آرمیده در این خاک گذاشته شده، برنها و عکس‌های شهدای افزوده شده در کنار سبدهای میوه و خرما نoid از شوک در آمدن برخی از خانواده‌های شهدا را به من می‌دهد، اما در این میان می‌شوم پدری که بعد از خبر شهادت تک‌فرزندش تاب نمی‌آورد و از این دنیا

در جست‌وجوی عزیزش به دیار باقی سفر می‌کند. نگاهم به مزار شهیدی افتاد که هم‌رزمانش عکس او را با چغیه‌ای که نشان از بسیجی بودن او دارد را بر روی سنگ مزارش چسبانده‌اند. عکس متعلق به بسیجی شهید «سجاد شاه محمدی» است. یکی از هم‌راهان شهید به زائران شهدا، میوه تعارف می‌کرد، سلام و علیکی کردم و تبریک و تسلیت گفتم. از بستگان شهید بود؛ اشاره‌ای به صندلی کنار مزار کرد و گفت مادرش روی صندلی نشست.

مادری از جنس واقعی مادران شهدا، صبور و آرام، اما مـا خبری از احوالات درونی آنها نداریم. مادر را راضی به گفت‌وگو کردم تا چند دقیقه‌ای از پسر دلاورش برای ما بگوید.

مسافر که خود را «زهرا یحیایی» معرفی می‌کند، از پسر شهیدش چنین می‌گوید: «پسرم ۲۷ ساله بود و پاسدار؛ شغلش را خیلی خیلی دوست داشت؛ خودش راهش را انتخاب کرد و آرزوی شهادت، بزرگ‌ترین آرزویش بود.»

شهید شاه محمدی تنها فرزند خانواده بود، مادر می‌گوید: «تک فرزندم بود و همین یکی را داشتیم، اما وقتی خواست راه و شغل پاسداری را انتخاب کند، گفتم خدا پشت و پناهت باشد مادر و هر راهی را که دوست داری برو.»

سجاد اهل پشت میز نشینی نبود و دوست داشت به اسلام و نظام اسلامی خدمت و از حرم کشور و اسلام دفاع کند، برای همین پاسدار شد. مادرش می‌گوید: «سجاد دوست نداشت دانشگاه برود که بعد از آن مجبور باشد کار پشت میزی را انتخاب کند و می‌گفت من این مدل کارها را دوست ندارم و پاسداری را بیشتر از همه شغل‌های دیگر دوست دارم.»

به مادر گفتم چرا اسم او را سجاد گذاشتید، گفت:

فواد ایزدی، تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد



«باردار که بودم در خواب آقایی را دیدم که گفت فرزند ی که به شما داده می‌شود، پسر است و اسم او را سجاد بگذار.»

وقتی از مادر خواستم کمی بیشتر از آقا سجاد برایمان بگو، دیگر صبرش را از دست داد و حق‌حق کنان گفت: «سجاد تمام داروندار و تمام زندگیم بود که او را تقدیم اسلام و آقا و صاحب الزمان(عج) کردم و ان‌شاءالله که این هدیه را از من قبول کنند و سجادم من را شفاعت کند.»

مادر شهید شاه محمدی از ساعت‌های قبل از شهادت تک‌فرزندش می‌گوید: «صبح روزی که به شهادت رسید، چند ساعت قبل از آن با من تماس گرفت و گفت مامان برای نهار به خانه می‌آیم، اما هر چه منتظر شدم و تماس گرفتم، نیامد و تلفنش هم خاموش بود.» مادر ادامه می‌دهد: «صبح روز بعد خواهرزاده‌هایم به منزل‌مان آمدند و گفتند، سجاد تصادف کرده که گفتم برویم بیمارستان؛ در راه کلی برای من زمینه‌چینی کردند و در نهایت گفتند، سجاد شهید شده‌است. در حالی‌که حدس می‌زدم شهید شده چراکه آخر آخر راه سجاد، شهادت بود. راهی که خودش انتخاب کرده و در این راه برگزیده شده بود.»

به مادر گفتم وقتی پیکر آقا سجاد را دیدید چه درودلی با او کردید که گفت: «فقط گفتم مامان حلالم کن و من را هم شفاعت کن.»

از اینجا به بعد مادر دیگر نتوانست ادامه دهد و سر روی شانه‌هایم گذاشت و شروع به گریه کرد. مادران شهدا هر چقدر هم صبور اما از دوری و دل‌تنگی فرزند خود، داغدار هستند و این روزها بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به تسلی دارند.

بنابراین نظر شما بر این است که مذاکره راه‌حل نیست؟

مذاکره این مشکلاتی که گفتم را حل نمی‌کند. چـرا؟ چون دفعه قبل مذاکره، ابزار فریب و تجاوز به خاک ایران شد. این‌بار هم ملاک حمله، مذاکره کردن یا نکردن نیست؛ بلکه هزینه‌ای است که برای آمریکا دارد. برای همین هم دارند طراح می‌کنند. این دو، سه دلیل اصلی که گفته می‌شود مذاکره خوب است، هیچ‌کدام دلیل منطقی ندارند و حتی می‌تواند منفی باشد برای موضوع حمله. یعنی چی؟ یعنی اگر شما همان حرف‌هایی را تکرار کنید که قبل از حمله تکرار می‌کردید، یعنی هیچ درسی از مذاکره قبلی نگرفته‌اند. زمانی که فلان مسئول قوم‌مجریه گفت: «مذاکره کنیم، آمریکا می‌تواند صلح را در منطقه ایجاد کند.» برداشت آمریکایی‌ها و ترامپ این است که ایرانی‌ها اهل جنگ نیستند، یعنی توانی برای جنگیدن ندارند. به همین دلیل، زیاد درباره مذاکره صحبت کردن نه‌تنها نتیجه‌مثبتی ندارد، بلکه نتیجه منفی خواهد داشت.

در پایان اگر نکته‌ای مانده توضیح بدهید.
حالا ببینید، مـا کار کارشناسی در این حوزه انجام می‌دهیم. سیاست‌گذار آخر باید تصمیم بگیرد. امیدی که ما داریم این است که اگر تصمیم به مذاکره گرفتند، با چشم باز باشد، نه مثل دفعه قبل که حرف‌های نامربوط زدند، مانند همان هزار میلیارد سرمایه و این حرف‌ها. بنابراین اگر تصمیم به مذاکره گرفتند، یعنی توانی برای جنگیدن ندارند. به همین دلیل، زیاد درباره مذاکره صحبت کردن نه‌تنها نتیجه‌مثبتی ندارد، بلکه نتیجه منفی خواهد داشت.

در پایان اگر نکته‌ای مانده توضیح بدهید.
حالا ببینید، مـا کار کارشناسی در این حوزه انجام می‌دهیم. سیاست‌گذار آخر باید تصمیم بگیرد. امیدی که ما داریم این است که اگر تصمیم به مذاکره گرفتند، با چشم باز باشد، نه مثل دفعه قبل که حرف‌های نامربوط زدند، مانند همان هزار میلیارد سرمایه و این حرف‌ها. بنابراین اگر تصمیم به مذاکره گرفتند، یعنی توانی برای جنگیدن ندارند. به همین دلیل، زیاد درباره مذاکره صحبت کردن نه‌تنها نتیجه‌مثبتی ندارد، بلکه نتیجه منفی خواهد داشت.

۳

دیدگاه

شماره ۱۱۹۶ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴

صبح صادق

روزنه

سپاه چگونه ایران را در جنگ ۱۲ روزه حفظ کرد؟

سعید پور ملانی هریس

کارشناس سیاسی

در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایت‌کار علیه ملت بزرگ ایران، واقعیات فراوانی روشن شد که شاید در وضعیت عادی صدها هزار ساعت برنامه تلویزیونی و تبلیغی هم نمی‌توانست آن را به این وضوح به تصویر بکشد؛ در وضعیتی که تمام محور عبـری عربی به سرکردگی رژیم صهیونیستی و با پشتیبانی آمریکا قصد داشتند تا با ایجاد شوک‌های سنگین روانی نظام جمهوری اسلامی ایران را به‌سمت فروپاشی ببرند، مقاومت سپاه با حمایت و پشتیبانی ملت قهرمان ایران سبب شد تا تمام نقشه‌های آنان با شکست روبه‌رو شود.

کمتر کسی شک دارد که رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۱۲ روزه پیکان خود را به‌سمت سپاه گرفته بود. نهادهای که مهم‌ترین ظرفیت دفاعی در مقابل این رژیم محسوب می‌شد. در تمام این مدت با وجود هدف قرار گرفتن برخی از مهم‌ترین فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیروهای جان بر کف این نهاد انقلابی به‌سرعت و در قالب عملیات «وعده صادق ۳» حملات مداوم توانست تا حملات هوایی رژیم صهیونیستی را خنثی کند.

در درون کشور نیز نیروهای جان بر کف بسیج و سپاه، همراه با نیروهای مردمی، نیروهای مقتدر فراجا و همکاری گسترده و بی‌نظیر آحاد مردم ایران عزیز با برقراری گشت‌های ایست و بازرسی نقش مهمی در دستگیری نیروهای نفوذی و جلوگیری از ادامه حملات تروریستی به مواضع حساس در داخل کشور داشت. تمام اینها در حالی بود که یک نبرد اطلاعاتی پنهان هم در جریان بود تا اطلاعات دقیق‌تری برای ضربه به کشور کشف شود؛ با وجود این و با تمام این فشارها نه‌تنها برنامه‌های رژیم صهیونیستی در داخل ایران محقق نشد، بلکه عملاً نظام جمهوری اسلامی و به معنای دقیق کلمه ملت شریف ایران توانست به یک پیروزی درخشان دست پیدا کند. نکته مهم اینجاست که باوجود تمام تبلیغات مسموم درباره هزینه‌های بیش از اندازه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا نقش مخرب علیه آزادی این نهاد توانست شاکله کشور را در مقابل این حمله نظامی مستحکم نگاه دارد.

حمله‌ای که شاید سال‌های باید بگذرد تا تمام ابعاد و توطئه‌های خطرناک آن افشا شود. با در نظر گرفتن تمام این توطئه‌های خطرناک می‌توان گفت که بنا بر گفته امام عزیزمان، این سپاه است که کشور را نگه داشته، چراکه در صورت وقوع هر واقعه نامطلوبی علیه نظام جمهوری اسلامی، این ماهیت ایران بود که با خطر مواجه می‌شد. خطری که حتی تجزیه ایران را به‌دنبال داشت.

امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جدی‌تر و شایسته‌تر از هر زمان دیگری با پشتیبانی قاطع ملت بزرگ ایران، دوشادوش دیگر بازوان قدرتمند نیروهای مسلح در ارتش جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی انتظامی کشور، تحت زعامت هوشمندان، مقتدرانه و حکیمانه فرمانده معظم کل قوا، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای حامی ایران و پاسدار انقلاب اسلامی و مدافع نظام جمهوری اسلامی است؛ رژیم صهیونیستی و همپیمانانش نیز با این تجربه تازه به خوبی دریافته‌اند امکان گذر از این مانع قدرتمند را ندارند، همانگونه که در گذشته نیز بر اثر سبزه‌پوشان سپاه پاسداران انقلابی اسلامی شکست خورده بود، این بار و در این کارزار نیز به موقعیتی دست نیافتند و نخواهند یافت.

دیگران

رژیم صهیونیستی و آسمان ایران!

مارک بوودن

نشریه آتلانتیک

صبح صادق، این مقاله صرفاً جهت اطلاع مخاطبین منتشر می‌کند. / صرف‌نظر از اینکه حملات اخیر تا چه حد اصولی یا مؤثر بوده‌اند، یک واقعیت بنیادین و روشن وجود دارد؛ برتری هوایی کامل، چندروز پیش از برخاستن هواپیماهای آمریکایی علیه ایران، به‌دست آمده بود. پرسش اصلی این است که این موفقیت چگونه حاصل شد و چه درسی درباره سرنوشت منطقه یا ماهیت جنگ‌های هوایی در قرن بیست‌ویکم به ما می‌آموزد؟ در زمانی‌که بحث‌های نظامی حول محور پهپادها، ماهواره‌ها و موشک‌های مافوق صوت می‌چرخد، این رویداد بیش از هر چیز یادآور اهمیت شیوه‌های کلاسیک و زمینه‌سازی‌های بلندمدت است. مسیر این موفقیت در وهله نخست بسا گام‌هایی برای جلوگیری از یک واکنش شدید آغاز شد؛ خنثی‌سازی ظرفیت نیروهای نیابتی ایران و ایجاد یک سپر دفاعی مؤثر در برابر موشک‌ها و پهپادها بسا همکاری ایالات متحده. این اقدامات، فضا را برای اجرای مراحل بعدی عملیات آماده کرد.

ستاره این عملیات‌ها، «جنگنده اف-۳۵» بود؛ هواپیمایی که همواره به‌دلیل هزینه‌های هنگفت توسعه، مورد انتقاد بوده و اخیراً با ظهور فناوری‌های پیشرفته‌تر و ارزان‌تر بدون سرنشین، کارآیی آن زیر سؤال رفته بود تا جایی که «ایلان ماسک» آن را «منسوخ» خواند، با این حال، همین جنگنده‌ها بودند که در مراحل اولیه با نفوذ پنهانی به عمق آسمان ایران، توانایی این کشور برای ردیابی و انهدام هواپیماهای مهاجم را از بین بردند. طبق ادعای رژیم صهیونی در جریان حملات، حتی یک فروند از این جنگنده‌ها از دست نرفته، هرچند طرف ایرانی اخباری مبنی بر سرنگونی چهار فروند از آنها را مطرح کرده است. در هر صورت، این جنگنده‌ها مأموریت خود را به انجام رساندند و بسا هدف قرار دادن سامانه‌های ضدهوایی و مهم‌تر از آن، شبکه‌های حیاتی فرماندهی و کنترلی که این سامانه‌ها را هماهنگ می‌کنند، عملاً سبب «کور شدن» سیستم دفاعی در برابر موج‌های بعدی حملات شدند. به‌نظر می‌رسد همین واحدهای مخفی در شناسایی پرتابگرهای متحرک موشکی، که یافتن‌شان از هوا دشوار است، نقشی کلیدی ایفا کرده باشند.

اما حملات هوایی تنها زبانی مؤثر واقع می‌شوند که بر پایه اطلاعات دقیق استوار باشند و شباید این مهم‌ترین دستاورد کل عملیات باشد. طی چهار دهه گذشته، تمرکزی بی‌وقفه بر ایران و برنامه‌های راهبردی آن وجود داشته و با نفوذ به سطوح بالای دولتی و نظامی و جذب جاسوس در بخش‌های گوناگون، شبکه‌ای عمیق از خبرچین‌های باارزش شکل گرفته است. علاوه بر این، همکاری مشترک و طولانی‌مدت در زمینه اطلاعات سیگنالی (SIGINT)، که شامل رهگیری و پایش ارتباطات است، ساختارهای دفاعی و دولتی ایران را کاملاً افشا کرده بود. یکی از ژنرال‌های بازنشسته آمریکایی این وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «آنچه اسرائیلی‌ها و ما در آن فوق‌العاده‌ایم، تلفیق حوزه‌های مختلف اطلاعاتی است... نه فقط تصاویر ماهواره‌ای، بلکه اطلاعات الکترونیکی و تمرکز مداوم سال‌ها تحلیل تحرکات... چیزی که می‌بینید، سطحی از شفافیت است که با ابزارهای در دست ممکن می‌شود.» این «شفافیت» اطلاعاتی به طراحان رژیم صهیونیستی و آمریکایی عملیات اجازه داد تا گره‌های کلیدی شبکه پدافند هوایی را شناسایی کنند. همان‌طور که ژنرال آمریکایی بازنشسته دیگری می‌گوید: «از طریق تحلیل اطلاعات، می‌فهمی گره‌های کلیدی شبکه پدافند هوایی کجاست. وقتی آنها را بزنی، کل سیستم آسیب‌پذیر می‌شود.»

الزامات راهبردی آماده‌سازی کشور برای فصل جدید تهدیدات دشمن

صیانت از وحدت، آزمون کارآمدی

و هدف اصلی تهاجم بعدی تعریف کرده است.

ایران، به‌مثابه پادگفتمان

در همین چارچوب، هوشمندی و درایت رهبر معظم انقلاب در برجسته‌سازی سرود «ای ایران» در یک مراسم مذهبی مهم، یک پادگفتمان راهبردی و اقدامی پیش‌دستانه بود. این اقدام ظریف اما پر معنا، دشمن را در تحلیل و برنامه‌ریزی خود دچار سردرگمی کرد. ایشان با این کار، به همه جریان‌های سیاسی و فکری در داخل و خارج از کشور این پیام را ارسال کردند که «ایران» به‌منزله یک مفهوم فراجنبی و یک حقیقت تاریخی انکارناپذیر، محور وحدت و نقطه اشتراک همه فرزندان این آب‌وخاک است. این همان «ملی‌گرایی اصیل» است که در تضاد با ناسیونالیسم وارداتی و دین‌ستیز قرار دارد؛ ملی‌گرایی که ریشه در فرهنگ، تاریخ و ایمان این مردم داشته و هویت دینی و هویت ملی را دو بال یک پرندۀ برای اوج‌گیری و عزت می‌داند. این تدبیر، زمین بازی را از دوقطبی‌های کاذبی که دشمن به‌دنبال آن است، خارج کرد و نشان داد که در منظومه فکری جمهوری اسلامی، دفاع از ایران، امری مقدس و جزء لاینفک دفاع از آرمان‌هاست.

بازی در بازل دشمن

با این وجود، متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی جریانات و تریبون‌های داخلی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در بازل طراح‌شدۀ از سوی دشمن بازی می‌کنند. در حالی که کشورمان هنوز در وضعیت حساس «آتش‌بس تاکتیکی» قرار دارد، عده‌ای با طرح مسائل حاشیه‌ای، دامن زدن به اختلافات سیاسی و حتی طرح گزاره‌های هولناکی چون درخواست ترور مقامات ارشد نظام و خاسه رئیس‌جمهور توسط دشمن خارجی، عملاً به بلندگوی فارسی‌زبان استراتژی ضدانسجام رژیم صهیونیستی تبدیل شده‌اند. افکار عمومی هوشیار کشورمان، فارغ از دسته‌بندی‌های سیاسی، این

تحرکات را با دقت رصد می‌کند. مردم انتظار دارند نظامی که توانسته است یک تهدید بزرگ خارجی را بسا اقتدار دفع کند، در برابر ستون پنجم داخلی و عناصری که امنیت روانی و وحدت ملی را هدف گرفته‌اند، با همان قاطعیت و بدون هیچ‌گونه تسامح و تعارفی برخورد کند و نگذارد برخورد نکردن با این دست افراد، زمینه را برای ترویج اقدامات مشابه فراهم کند. بدون شک تداوم انفعال در برابر این افراد و پدیده‌ها، می‌تواند این پیام خطرناک را به جامعه منتقل کند که امنیت ملی با همان «ایران» در برابر ملاحظات جناحی و قبیله‌ای در اولویت دوم قرار دارد؛ امری که به فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف انگیزه عمومی برای کنشگری در بزنگاه‌های آینده منجر خواهد شد!

ناکارآمدی به‌مثابه تهدید امنیتی

علاوه بر این، تجربه جنگ اخیر همچون یک «آزمون عملکرد» برای دستگاه‌های اجرایی و مدیران کشور بود. در وضعیت بحران، مشخص شد که کدام ساختارها کارآمد و کدام‌یک ناکارآمدند؛ کدام مدیران در میدان حضور دارند و کدام‌یک در حاشیه امن خود نظاره‌گر وقایع هستند. بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از ضعف‌ها، ناکارآمدی‌ها و گزارش‌های غیر واقعی در وضعیت عادی در پس بروکراسی پیچیده اداری و سازمانی پنهان می‌ماند. اما امروز، افکار عمومی انتظار یک «خانه‌تکانی مدیریتی» را دارد. مشاهده مدیر یا مسئولی که در تمام طول جنگ در سکوت کامل خبری بود و پس از پایان آن، با حضور روزمره در رسانه‌ها، از عملکرد درخشان خود می‌گوید و مانند برخی مسئولان شعار ما خوبیم سر می‌دهند و تمام آسیب‌ها و خسارات وارد شده به کشور را به گردن یک پیام‌رسان خارجی می‌اندازد؛ برای مردم قابل پذیرش نیست! تداوم حضور چنین افرادی در مناصب مسئولیت، به‌مثابه یک ضدتبلیغ مستمر علیه کارآمدی نظام عمل کرده و خوراک رسانه‌ای برای شبکه‌های معاند فراهم می‌آورد.

تحلیلگران رژیم صهیونیستی نیز پس از اعلام آتش‌بس، به‌صراحت اذعان کردند که رژیم صهیونی «از وحدت مردم ایران شکست خورد.» این سرمایه گران‌بها که در کوران تهدید، خود را بازیافت و به نمایش گذاشت، امروز به اصلی‌ترین مرکز ثقل امنیت ملی کشورمان بدل شده است

هدف نهایی دشمن، القای این گزاره دروغین است که وحدت دوران جنگ، امری هیجانی و موقتی بوده و با بازگشت به وضعیت عادی، جامعه ایرانی مجدداً دچار تفرقه و ازهم‌گسیختگی خواهد شد. این رویکرد، به روشنی نشان می‌دهد که دشمن، نقطه قوت ما، یعنی همان «انسجام ملی» را به‌درستی شناسایی کرده و آن را به‌منزله پاشنه آشیل خود و هدف اصلی تهاجم بعدی تعریف کرده است.

عده‌ای با طرح مسائل حاشیه‌ای، دامن زدن به اختلافات سیاسی و حتی طرح گزاره‌های هولناکی چون درخواست ترور مقامات ارشد نظام و خاصه رئیس‌جمهور توسط دشمن خارجی، عملاً به بلندگوی فارسی‌زبان استراتژی ضدانسجام رژیم صهیونیستی تبدیل شده‌اند.

مطالبه عمومی برای تغییر و اصلاح، نه یک خواسته سیاسی، بلکه یک ضرورت امنیتی است. اگر قرار است تاب‌آوری ملت در برابر تهدیدات دنباله‌دار دشمن حفظ شود، باید این احساس در جامعه تقویت شود

اندیشکده

مرز تسامح در برابر ستون پنجم!

تحلیل راهبردی رفتار دشمن نشان می‌دهد که او به‌دنبال «فرسایش از درون» است و زمین بازی مطلوب او، گسل‌های اجتماعی و روانی در داخل کشورمان است. از منظر حقوقی، این هم‌سویی عملیاتی می‌تواند مصداق عناوین مجرمانه‌ای چون «تبلیغ علیه نظام» یا حتی «همکاری با دول متخاصم» باشد. دستگاه قضایی نمی‌تواند و نباید نسبت به «نتیجه مجرمانه» این اقدامات بی‌تفاوت باشد، چراکه ایسن بی‌تفاوتی، دشمن را برای اقدامات جسورانه‌تر در آینده، گستاخ‌تر خواهد کرد.

بررسی تطبیقی نیز این رویکرد را تأیید می‌کند. از ایالات متحده آمریکا با «قانون میهن‌پرستی» یا همان Patriot Act پس از ۱۱ سپتامبر تا کشورهای اروپایی در مواجهه با تهدیداتی از جمله تروریسم، همواره در شرایط تهدید، امنیت ملی را بر تفاسیر موسع از آزادی‌های فردی ارجح دانسته‌اند. هیچ

این مطالبه عمومی برای تغییر و اصلاح، نه یک خواسته سیاسی، بلکه یک ضرورت امنیتی است. اگر قرار است تاب‌آوری ملت در برابر تهدیدات دنباله‌دار دشمن حفظ شود، باید این احساس در جامعه تقویت شود که نظام با هیچ‌کس، به‌ویژه با مدیران ناکارآمدی که از منافع آن بهره‌مند بوده اما در روز سخت، ضعف خود را به نمایش گذاشته‌اند، تعارف ندارد.

توصیه‌های بی‌تعارف

در پاسخ به مسئله محوری این نوشتار، نگارنده معتقد است که دوران آتش‌بس کنونی، یک بزنگاه راهبردی برای تبدیل «وحدت واکتشی» دوران جنگ به «انسجام نهادینه‌شده» و پایدار است. دشمن با درک صحیح از نقش بی‌بدیل مردم در خنثی‌سازی تهدیدات، استراتژی خود را بر فرسایش این سرمایه عظیم متمرکز کرده است. بنابراین، مهم‌ترین اولویت کشورمان در ماه‌های پیش رو، در عرصه سیاست‌گذاری داخلی، مدیریت اجتماعی و ارتباط با افکار عمومی تعریف می‌شود. برای صیانت از این دستاورد بزرگ و آمادگی برای آینده، اتخاذ رویکردهای زیر حیاتی است:

نخست، اجرای یک «سیاست قاطع ملی در قبال ناکارآمدی» نظام یابد بدون ملاحظات سیاسی و جناحی، فرآیند شناسایی و کنار گذاشتن مدیرانی را که در آزمون اخیر ضعیف ظاهر شده یا مردود شده‌اند، آغاز کند. این اقدام، یک پیام روشن به جامعه خواهد بود مبنی بر اینکه شایسته‌سالاری و کارآمدی، خط قرمز نظام است و این امر به بازسازی اعتماد عمومی و تقویت امید به اصلاح امور از درون منجر خواهد شد. دوم، «نهادینه‌سازی گفتمان وحدت‌بخش ایران» تدبیر حکیمانه رهبری در برجسته‌سازی مفهوم «ایران» باید به یک راهبرد کلان فرهنگی، رسانه‌ای و آموزشی تبدیل شود. دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشورمان موظفند با تولید محتوای جذاب و عمیق، بر مشترکات ملی، مفاخر تاریخی و نمادهای وحدت‌آفرین تأکید ورزند و در مقابل هرگونه رویکرد تجزیه‌طلبانه یا تفرقه‌افکنانه، یک‌سد گفتمانی مستحکم ایجاد کنند.

و سوم، «برخورد بدون تعارف بسا برهم‌زنندگان امنیت ملی» دستگاه‌های امنیتی و قضایی باید با رصد هوشمندانه و اقدام به‌موقع، با عناصری که آگاهانه در راستای استراتژی دشمن برای ایجاد بحران سیاسی و اجتماعی در داخل حرکت می‌کنند، برخوردی قاطع، شفاف و بازدارنده داشته باشند و آنها را از تمام موابهات اقتصادی و اجتماعی که بیشتر ذیل سایه نظام به آن دسترسی داشتند، محروم سازند. این اقدام ضمن مصون‌سازی فضای داخلی، به افکار عمومی اطمینان می‌بخشد که نظام از اصلی‌ترین سرمایه خود، یعنی وحدت و امنیت مردم، با جدیت حراست می‌کند.

در نهایت، باید بذیرفت که مهم‌ترین حفاظ و ضامن یکپارچگی کشورمان و اقتدار نظام، مردم هستند. هر تصمیمی که به تقویت این سرمایه بینجامد، یک اقدام راهبردی در راستای امنیت ملی است و هر رویکردی که آن را تضعیف کند، ولو با نیات به‌ظاهر خیرخواهانه، بازی در زمین دشمن خواهد بود. آینده از آن ملتی است که بتواند در عین کثرت سلایق، در بزنگاه‌های تاریخی، «یسد واحد» باشد و این مهم، جز بسا حکمروایی عادلانه، کارآمد و پاسخگو محقق نخواهد شد.

دولت عاقلی، موجودیت خود را فدای تسامح در برابر عناصری نمی‌کند که در زمین بازی مطلوب دشمن بازی می‌کنند. چگونه می‌توان از نظام جمهوری اسلامی که در معرض تهدیدات ترکیبی مستمر قرار دارد، انتظاری جز قاطعیت در برابر چنین پدیده‌هایی داشت؟

در جمع‌بندی باید تصریح کرد که اقتدار قضایی در این برهه، خود بخشی از راهبرد بازدارندگی ملی است. پاسخ قاطع و بدون تسامح به جرایم علیه امنیت ملی، نه یک اقدام محدودکننده، بلکه یک «کنش حفاظتی» برای صیانت از حقوق عامه و تضمین حیات عزتمندانه ملت ایران است. این رویکرد مستلزم برخوردی قاطع، شفاف و بدون ملاحظات سیاسی با جناحی باستون پنجم داخلی است تا هم بازدارندگی لازم ایجاد شود و هم به افکار عمومی اطمینان داده شود که نظام بر سرر امنیت و وحدت ملی با هیچ‌کس تعارف ندارد.



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

تجربه مواجهه اخیر کشورمان با تهدید مستقیم دشمن خارجی و تجاویز که هدفش خلع سلاح و تجزیه ایران عزیزمان بود، بیش از آنکه یک آزمون نظامی باشد، یک همه‌پرسی تمام‌عیار در باب انسجام ملی و سرمایه اجتماعی بود. در شرایطی که محاسبات دشمن بر پایه شکاف‌های داخلی و گسست میان ملت و حاکمیت استوار بود، آنچه در عمل اتفاق افتاد، غافلگیری راهبردی طرف متخاصم بود. وحدت کم‌نظیر اقشار گوناگون مردم، از منتقدان دلسوز تا حامیان همیشگی نظام، ذیل پرچم «ایران» و برای دفاع از تمامیت ارضی و کیان ملی، معادله را بر هم زد. تحلیلگران رژیم صهیونیستی نیز پس از اعلام آتش‌بس، به‌صراحت اذعان کردند که رژیم صهیونی «از وحدت مردم ایران شکست خورد.» این سرمایه گران‌بها که در کوران تهدید، خود را بازیافت و به نمایش گذاشت، امروز به اصلی‌ترین مرکز ثقل امنیت ملی کشورمان بدل شده است. با این حال، آتش‌بس کنونی را نباید پایان تخاصم، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید و پیچیده‌تر از جنگ ترکیبی دانست؛ مرحله‌ای که در آن، دشمن تمام توان خود را برای فرسایش و تخریب همین وحدت ملی به‌کار خواهد بست. پرسش محوری این است که در این دوران گذار و در برابر استراتژی جدید دشمن، الزامات راهبردی نظام برای صیانت، تعمیق و نهادینه‌سازی این انسجام ملی چیست و چگونه می‌توان از این فرصت تاریخی برای تقویت تاب‌آوری ملی در برابر تهدیدات آینده بهره جست؟

شرطی‌سازی روانی و تهاجم به وحدت

تحلیل رفتار دشمن پس از ناکامی در دستیابی به اهداف خود در تقابل اخیر، نشانگر یک چرخش راهبردی از تمرکز بر گزینه سخت به‌سوی تشدید جنگ شناختی و روانی است. سفر نمایشی و سراسیمه «بنیامین نتانیاها» به واشنگتن و دیدارش با «دونالد ترامپ» که هم‌زمان با تلفات غیرمنتظره ارتش این رژیم در غزه همراه شد، بیش از آنکه نمایش قدرت باشد، تلاشی برای ترمیم وجهه شکست‌خورده و مدیریت بحران در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی بود. دشمن که در میدان عمل به بن‌بست رسیده، اکنون جبهه جدیدی را در اذهان و قلوب ملت ایران گشوده است. استراتژی اصلی در این جبهه، «شرطی‌سازی روانی» جامعه از طریق پمپاژ تهدیدات موهوم و بزرگ‌نمایی توانمندی‌های خود از یک‌سو، و از سوی دیگر، تمرکز بر گسل‌های داخلی و دامن زدن به اختلافات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. هدف نهایی، القای این گزاره دروغین است که وحدت دوران جنگ، امری هیجانی و موقتی بوده و با بازگشت به وضعیت عادی، جامعه ایرانی مجدداً دچار تفرقه و ازهم‌گسیختگی خواهد شد. این رویکرد، به روشنی نشان می‌دهد که دشمن، نقطه قوت ما، یعنی همان «انسجام ملی» را به‌درستی شناسایی کرده و آن را به‌منزله پاشنه آشیل خود

سید علی حسینی

پژوهشگر امنیت ملی

«امنیت ملی» سنگ بنای حاکمیت و پیش شرط بقای هر ملتی است. تجربه اخیر کشورمان در برابر تهدید مستقیم خارجی، این اصل بنیادین را اثبات کرد. اما اکنون که دشمن، استراتژی خود را از تقابل سخت به تهاجم به «انسجام ملی» معطوف کرده، شاهد بروز پدیده‌هایی هستیم که از منظر حقوقی و قضایی، نیازمند اقدام قاطع است. این وضعیت، دستگاه قضا را در برابر یک پرسش حیاتی قرار می‌دهد: مرز تسامح حقوقی در برابر اقداماتی که امنیت وجودی کشور را هدف می‌گیرند، کجاست و آیا انفعال در برابر آن، فضیلتی اخلاقی است یا یک غفلت راهبردی مهلک علیه موجودیت نظام و کشور؟

در هیچ نظام حقوقی معتبری، «آزادی بیان»

پیشخوان

عملیات روانی ایران علیه صهیونیستها



روزنامه «هاآرتص» با اشاره به سطح سواد رسانه‌ای پایین صهیونیست‌ها نوشت: «پس از ۷ اکتبر، درصد اسرائیلی‌هایی که تلگرام را روی دستگاه‌های خود نصب کردند، از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش یافت. در روزهای اول پس از حمله (رژیم) اسرائیل به ایران، ده‌ها هزار اسرائیلی به کانال‌های خبری تلگرام پیوستند و برخی از کانال‌ها از آنها از مرز نیم میلیون مشترک گذشتند، ارقامی که با تلویزیون و وبسایت‌های رسانه‌ای اصلی در اسرائیل رقابت می‌کند یا حتی از آن پیشی می‌گیرد.» به‌نوشته این رسانه صهیونیستی، «میلیون‌ها تن از صهیونیست‌ها به‌دلیل پناه‌گرفتن طولانی‌مدت در پناهگاه به‌دنبال حملات موشکی ایران، اضطراب شدید و سانسور نظامی، برای دریافت اطلاعات به تلگرام روی آوردند. آنها در اتاق‌های امن جمع می‌شدند و به‌صورت وسواس‌گونه تلگرام را رفرش می‌کردند و سعی می‌کردند بفهمند موشک‌ها کجا اصابت کرده‌اند. این روزنامه افزود: «مهاجرت گسترده اسرائیلی‌ها به تلگرام، شکنندگی محیط اطلاعاتی اسرائیل را نیز آشکار می‌کند. این مهاجرت به تلگرام ناشی از بی‌اعتمادی عمیق (صهیونیست‌ها) به رسانه‌ها، کانال‌های رسمی و روزنامه‌نگاری سنتی اسرائیلی باشد. در زمان تشدید بی‌سابقه نظامی و درگیری، تلگرام همچنین به معدن طلای اطلاعات منبع‌باز برای ایران تبدیل شده است و مقامات اسرائیلی در تلاش هستند تا با این تهدید جدید مقابله‌کنند.»

زندان‌های اجاره‌ای در اروپا



نشریه «اکنومیست» نوشت: «اروپا با یک مشکل مواجه شده: دادگاه‌ها مجرمان بیشتری را به زندان محکوم می‌کنند، اما پیدا کردن محل مناسب برای نگهداری آنها چالش‌برانگیز شده است. زندان‌های اروپا تا حد انفجار پر شده‌اند و ظرفیت‌شان تا ۹۵ درصد پر شده است. در نزدیک به نیمی از کشورهای عضو، به‌ویژه در اروپای غربی، این میزان از ۱۰۰ درصد فراتر رفته است. حتی سوئیس و ایسلند که به داشتن کمترین میزان جرم و جنایت در جهان افتخار می‌کنند، زندان‌هایشان به‌طور ناخوشایندی پر شده‌اند.» به نوشته این نشریه، دولت‌های اروپایی به‌دنبال راه‌حل‌های غیرمرسوم هستند؛ فرانسه از برنامه ساخت زندان در گویان، سرزمین فرادریایی‌اش در آمریکای جنوبی، خبر داده است. برخی دیگر نیز به اجاره زندان روی آورده‌اند، مثلاً، کوزوو موافقت کرده که ۳۰۰ زندانی از دانمارک را در زندان خود اسکان دهد. اکنومیست با اشاره به نقض حقوق بشر در چنین سیاستی افزود: «اما مسائل دیگری نیز مطرح است، مثلاً قوانین سازمان ملل و شورای اروپا به زندانیان حق ملاقات حضوری با خانواده را می‌دهند و مسافت‌های طولانی در برخی قراردادهای اجاره، این حق را زیر سؤال می‌برد. برای نمونه، خانواده‌های زندانیان دانمارکی برای ملاقات در زندان کوزوو باید ۲۱۰۰ کیلومتر سفر کنند که عملاً غیرممکن است.»

افشاگری دیپلمات سابق انگلیس از حمله رژیم صهیونیستی

معجونی از بلوف و التماس



زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

«آلکستر کروک» دیپلمات پیشین انگلیسی و از اعضای سابق سرویس مخفی بریتانیا، در ارزیابی از جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران گفت: «(رژیم) اسرائیل و بسیاری در آمریکا تبلیغ می‌کنند که آسمان ایران باز بود و اسرائیل توانست دفاع هوایی ایران را نابود کند که درست نیست. حتی یک ویدئو از هواپیمای اسرائیلی بر فراز تهران یا ایران وجود ندارد.»

وی افزود: «تنها مزیت اسرائیل این بود که پیش از این حمله، مוסاد و نیروهای ویژه اسرائیل سلاح‌های ضدتانک را از منطقه کردستان عراق به داخل ایران منتقل کردند که حملاتی را در داخل ایران انجام داد. اما نیروهای ویژه اسرائیل از موشک‌های بالستیک هدایت‌شده توسط نرم‌افزار آمریکایی سیستم Bat-tleCAP برای هدف‌گیری استفاده کردند. هیچ هواپیمایی وارد حریم هوایی ایران نشد، به‌جز چند فروند که از مرز شمالی ایران، یعنی منطقه کوهستانی و خالی از سکنه وارد حریم هوایی آذربایجان شدند. اسرائیل از آذربایجان پهپادهای تهاجمی پرتاب کرد که به‌سمت تهران حرکت کردند.»

تحلیل

جان تازه‌ا ایران

اعتراف فارن افرز به انسجام مردم و قدرت سپاه

نشریه آمریکایی «فارن افرز» در تحلیلی از اتحاد ملی در ایران به‌دنبال جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه دانشمندان و تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران نوشت: «حمله ۲۳ خرداد اسرائیل به ایران با هدف از بین بردن برنامه نظامی و هسته‌ای تهران طراحی شد. در کمتر از ۲ هفته، نیروهای نظامی اسرائیل ده‌ها فرمانده ارشد و دانشمند هسته‌ای ایران را ترور کردند. با این همه، به‌نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به‌جای فروپاشی زیر این ضربات، جان تازه‌ای گرفته است.»

این نشریه آمریکایی افزود: «این حملات باعث اتحاد حول پرچم ایران شد، ایرانیان آن را محکوم کرده و از واکنش دولت تحلیل کردند. حکومت ایران برای مقام‌های از دست رفته خود سوگواری کرد؛ اما به‌سرعت جانشین آنها منصوب شدند؛ بنابراین، این کارزار نظامی ملت ایران را منسجم‌تر و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را قدرتمندتر کرده است.»

به ادعای فسان افرز، با تشدید حملات و

و مدام از دیگران می‌پرسید: «آیا این برنامه جواب می‌دهد؟ آیا پیروز می‌شویم؟ من می‌خواهم تیر این باشد: ما برنده شدیم.» به‌گفته وولف، چنین اظهاراتی نشان‌دهنده کمبود اعتمادبه‌نفس در کاخ سفید و اتاق عملیات است.

وی در ادامه به هوشمندی ایران اشاره کرده و افزود: «ایران هم هوشمندانه ادعای نابودی تمام تأسیسات هسته‌ای را به چالش نمی‌کشد؛ چراکه در پاسخ به اصرار کشورهای اروپایی برای بازرسی می‌گویند که به‌گفته خودتان تأسیسات هسته‌ای ما نابود شده پس چیزی برای بازرسی وجود ندارد.»

مأمور سابق سرویس جاسوسی انگلیس حملات ایران به رژیم صهیونیستی را شوکه کننده خواند و تصریح کرد: «اسرائیلی‌ها هرگز این‌گونه مورد حمله قرار نگرفته بودند. در اسرائیل، کاملاً سانسور خبری در این زمینه وجود دارد، اما تصاویر ماهواره‌ای نشان داده حداقل پنج پایگاه نظامی نابود شده‌است؛ علاوه بر ساختمانی معادل پنتاگون، مقر مוסاد در هلیا نیز آسیب دیده است. دیگر خسارات مهم، اول، حمله به حیفا و نابودی پالایشگاه حیفاست که به‌گفته اسرائیل حداقل برای یک‌ماه قادر به فعالیت نیست. دوم، حمله به نیروگاه برق اشدود که منجر به قطعی برق حدود یک‌سوم اسرائیل شد. سوم، دو بندر

پنجره

بازگشت به جنگ

پشت‌پرده ازسرگیری کمک نظامی به اوکراین

به گزارش آکسیوس، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم گرفت ارسال تسلیحات دفاعی به اوکراین را از سر بگیرد؛ تصمیمی که پس از چند روز مشورت با مشاوران و برخی رهبران جهان درباره منشأ تأمین این تسلیحات اتخاذ شد. اهمیت موضوع از آن جهت است که دولت ترامپ به‌تازگی ارسال برخی تسلیحات به اوکراین از جمله سامانه‌های رهگیر «پاتریوت» را متوقف کرده بود. با این حال، با دستور جدید رئیس‌جمهور، این تسلیحات ضروری اکنون در مسیر ارسال به اوکراین قرار گرفته‌اند. در همین حال، ترامپ به‌دنبال راه‌حل‌های جایگزین نیز هست؛ از جمله فشار بر آلمان برای واگذاری یکی از آتش‌بارهای پاتریوت خود به اوکراین.

نقطه عطف این چرخش در سیاست ترامپ، در جریان تماس تلفنی او با «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین اتفاق افتاد؛ تماسی که به‌گفته منابع هر دو طرف، بهترین گفت‌وگوی آنها از زمان آغاز دوره جدید ریاست‌جمهوری ترامپ

بازیابی توان هسته‌ای

«ژان نوتل بارو» وزیر امور خارجه فرانسه، در پاسخ به این سؤال که آیا ایران واقعا درآستانه دستیابی به سلاح اتمی است، مدعی شد: «حملات اسرائیل و آمریکا که مطابق قوانین بین‌المللی نبود، موجب به تعویق افتادن فعالیت‌ها در برنامه هسته‌ای ایران شده، اما مانع از بازیابی این توانمندی در آینده نخواهد شد.» وی با اشاره به ضرورت حل‌وفصل دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران با مطرح کردن ادعاهایی درباره گستره فعالیت‌های هسته‌ای آن گفت: «ما باید از طریق کانال‌های دیپلماتیک برنامه هسته‌ای آنها را در چارچوبی بادوام و مستحکمانه قرار دهیم، همان‌طور که ۱۰ سال پیش این کار را کردیم.»



جنایتکار جنگی

«مایک والاس» نماینده سابق پارلمان اروپا، در واکنش به سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به آمریکا، با انتشار ویدیویی از لحظه ورود نتانیاهو، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «آمریکا برای ادای احترام به یک جنایتکار جنگی صف کشیده است.» در این ویدیو که ابتدا توسط یک کاربر دیگر با این عنوان کنایه‌آمیز که «رئیس‌جمهور آمریکا به خانه بازمی‌گردد» منتشر شده بود، نتانیاهو و همسرش در حال پایین آمدن از پله‌های هواپیما در آمریکا هستند. والاس که تاکنون بارها رژیم صهیونیستی را به نسل‌کشی در غزه محکوم کرده است، پیش از این اسرائیل را «تروریست» خوانده بود.



یادداشت

نمره قبولی
به مدیریت اقتصادی جنگ

میثم مهرپور

کارشناس اقتصادی

«جنگ» یکی از اتفاقات و حوادثی است که چه در زمان درگیری و چه پس از پایان آن چالش‌هایی را برای کسب‌وکارها و تولید و توزیع کالا و خدمات و... ایجاد می‌کند. چالش‌ها و آسیب‌هایی که دولت‌ها موظفند در راستای حمایت از آنها تدابیری اندیشیده و بسته‌هایی را تدوین و ارائه کنند. بر اساس صحبت‌هایی که در روزهای گذشته از سوی مسئولان کشور مطرح شده است، حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده از جنگ در اولویت برنامه‌های راهبردی دولت قرار گرفته و کارگروه بررسی میزان خسارات وارده بر مشاغل آسیب‌دیده، پیگیری تأمین مواد اولیه و نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌ها، مقابله با تورم و تسهیل از سرگیری فعالیت کسب‌وکارها، از جمله اقدامات حمایتی از مشاغل آسیب‌دیده در دوران پساجنگ از سوی دولت است. اما فارغ از اقداماتی که دولت باید پس از پایان جنگ و در راستای حمایت از مشاغل و افرادی که با خسارت‌های مالی مواجه شده‌اند، انجام دهد. موضوع مدیریت اقتصاد در طول روزهای جنگ نیز مسئله مهمی بود که طی جنگ ۱۲ روزه به‌خوبی انجام شد. برای نمونه معروف است که بعد از آغاز جنگ‌ها در دنیا، مردم به‌سمت فروشگاه‌ها هجوم برده و از ترس قطعی و کمبود کالا دست به خرید و جمع‌آوری کالا‌های مورد نیازشان می‌زنند. چیزی که تقریباً همه تجربه‌های جهانی از جنگ مؤید این‌ موضوع بوده و مدیریت این وضعیت را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در حین جنگ دانست. چنانچه جنگ ۱۲ روزه اخیر در اراضی اشغالی سبب افزایش قابل توجه قیمت موادغذایی ضروری شد. علاوه بر آسیب‌ها و خسارات شدیدی که این جنگ به زیرساخت‌ها و منافع اقتصادی رژیم صهیونیستی وارد کرد، قیمت برخی اقلام اساسی غذایی مانند آب معدنی به‌طور میانگین تا ۲۰۰ درصد افزایش یافت که این رشد شدید قیمت‌ها فشار بسیاری بر سبد خرید شهرکنشین‌ها وارد کرد. این تغییرات قیمتی ناشی از وضعیت جنگ و مشکلات تأمین کالا‌ها در بازار است که تنها در کمتر از دو هفته بر اقتصاد اراضی اشغالی اثرات قابل توجهی گذاشت. به‌نحوی که بر اساس گزارش رسانه‌های صهیونیستی هم‌زمان با آغاز درگیری‌ها و حملات ایران، بسیاری از مراکز خرید سرزمین‌های اشغالی به‌دلیل تهدیدات امنیتی بسته شدند. از سوی دیگر، طبق داده‌های شرکت پرداخت «شیبا»، حجم خریدهای کارت اعتباری طی روزهای ابتدایی جنگ ۱۲ روزه حدود ۱۲ درصد کاهش داشت و خریدهای آنلاین نیز به‌دلیل بسته شدن حریم هوایی و توقف پروازهای تجاری دچار افت شدید شدند، به‌نحوی که رسانه‌های صهیونیستی اذعان کردند که در مقابل، میزان خریدهای مربوط به خواربار و موادغذایی ۵۰ درصد افزایش یافته، به‌طوری که قفسه‌های آب معدنی تنها ظرف چند دقیقه خالی می‌شوند.

در نقطه مقابل، وضعیت در ایران کاملاً متفاوت بود. نه‌تنها هیچ فروشگاه و مرکز پخش موادغذایی در ایران بسته و تعطیل نبود، بلکه به گواه اتحادیه‌های صنفی مربوط به پخش و توزیع کالا، عملکرد شرکت‌های پخش ایرانی در این ۱۲ روز به‌نوعی رکوردشکنی محسوب می‌شد و این شرکت‌ها به‌واسطه فعالیت ۲۴ ساعته در این ایام ۳ برابر رقم استاندارد کالا توزیع کردند، موضوعی که سبب شد کوچک‌ترین کمبود کالا یا هجوم به فروشگاه‌ها مشاهده نشود.

کامران ندری، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق

اعتماد سرمایه‌گذار را جلب کنیم!



بلاتکلیفی به‌سر برود.

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی تأکید کرد: «متأسفانه قبل از درگیری نظامی با رژیم صهیونیستی، اقتصاد ایران از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برد. نمی‌توان این موضوع را کتمان کرد که پیش از این نیز در اقتصاد ضعف‌های بسیار بزرگی بود که مردم را آزار می‌داد. اما پرواضح و روشن است با حمله رژیم صهیونیستی و حمایت آمریکا فشارها و نیازهای مالی مردم بیشتر شده، بنابراین اقتصاد ایران و معیشت مردم در وضعیت مناسبی به‌سر نمی‌برد که نیازمند توجه و دقت بیشتر دولت بر حوزه اقتصاد است.»

وی معتقد است: «در وضعیتی که دورنمای روشنی از سرمایه‌گذاری در تولید و رونق تولید در سالی که به این عنوان نامگذاری شده، دیده نمی‌شود باید به‌سمت خروج از بلاتکلیفی و سیاست‌گذاری‌ها و اصلاحات عمیق و اساسی اقتصاد حرکت کرد. از این‌رو اولین گامی که مسئولان باید بردارند، این است که نگذارند دوره بلاتکلیفی طولانی شود. لذا درباره بسیاری از مسائل اعم از سیاسی تا اقتصادی باید تصمیمات مهمی بگیرند.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه تأکید کرد: «در این موضوع شکی نیست که تصمیم‌گیری در شرایط کنونی بسیار سخت است. اما مسئولان برای همین مواقع خطیر مسئول شده‌اند. بنابراین وظیفه آنها این است که با تصمیمات درست کشور و اقتصاد را در سریع‌ترین زمان ممکن از بلاتکلیفی خلاص کنند تا بیش از این فشار بر اقتصاد از درون مارا متزلزل نکند.»

این استاد اقتصاد در ادامه خاطرنشان کرد: «اقدام ضروری و فوری اولیه برای خروج از بحران‌ها و بن‌بست‌هایی که در این وضعیت می‌تواند ما را گرفتار کند، این است که در وهله بعدی مسئولان باید حواس‌شان به ذخیره کالا‌های اساسی و پایه برای اقتصاد ایران باشد، یعنی به این موضوع به‌منزله یک مسئله بسیار مهم باید توجه

دهه‌هاست در اقتصاد ایران داریم، از قبل نیز میزان سرمایه‌گذاری در ایران به‌شدت کاهش یافته است.» عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی تصریح کرد: «در شرایط تحریم و جنگ مردم به‌دنبال دارایی‌هایی هستند که در وضعیت بحرانی به آن‌ها کمک کند، یعنی اگر نیازمند پول باشند هر چه سریع‌تر بتوانند آن را تبدیل به پول کنند، یعنی دارایی‌هایی که نقدشوندگی بالایی داشته باشند.»

ندری خاطرنشان کرد: «در وضعیت کنونی نوسانات قیمت ارز و طلا افزایش می‌یابد. از این‌رو نیازمند مدیریت در بازار ارز و طلا برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی هستیم. در بخش دیگر، شرایط جنگی نگرانی‌های مردم نسبت به تأمین ارزاق و مایحتاج را افزایش می‌دهد. بنابراین تقاضا برای کالا‌های اساسی به‌خصوص کالا‌هایی که ماندگاری بیشتری دارند و قابلیت نگهداری و ذخیره کردن در انبار دارند، افزایش می‌یابد.»

وی تأکید کرد: «حتی اگر مسئولان از قبل هم کالا‌های اساسی را ذخیره کرده باشند چون به‌طور طبیعی در این وضعیت تقاضا برای کالا‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین به‌واسطه افزایش تقاضا طبیعی است که شاهد موجی از گران شدن کالا‌های اساسی باشیم. آنچه مسلم است در شرایط جنگی نمی‌توان صحبت از سیاست‌های اقتصادی و توسعه کرد، زیرا باید دو کار انجام شود: اول

حالت بلاتکلیفی بیرون بیاید، این مسئله بسیار مهم است، زیرا در شرایط بلاتکلیفی اقتصادی و جنگ هیچ سرمایه‌گذاری وارد میدان سرمایه‌گذاری نمی‌شود.»

ندری افزود: «ایران مانند دشمن خود از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار نیست، برای نمونه رژیم صهیونیستی تحت حمایت آمریکا و کشورهای غربی است. بنابراین از سوی آمریکا-احیا می‌شود در حالی که ایران تحت حمایت اقتصادی هیچ کشوری نیست. بنابراین، این موضوع برای اقتصاد بسیار خطرناک و نگران‌کننده است که در

ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) گفت: «به‌طور طبیعی در وضعیت جنگی تقاضا برای کالا‌ها افزایش می‌یابد و شاهد موجی از گران شدن کالا‌های اساسی خواهیم بود. آنچه مسلم است در این موقعیت نمی‌توان صحبت از سیاست‌های اقتصادی و توسعه کرد، زیرا باید دو کار انجام شود؛ اول تلاش شود کشور و اقتصادش هر چه زودتر از حالت بلاتکلیفی بیرون بیاید، این مسئله بسیار مهم است، زیرا در شرایط بلاتکلیفی اقتصادی و جنگ هیچ سرمایه‌گذاری، وارد میدان سرمایه‌گذاری نمی‌شود.»

«کامران ندری» کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «صبح صادق» در خصوص ویژگی‌های مدیریت اقتصاد در شرایط جنگی و آتش‌بس و توجه به نکاتی درباره رسیدگی معیشتی و حمایت اقتصادی از احاد مختلف مردم به‌خصوص تولیدکنندگان گفت: «با توجه به اینکه همچنان در وضعیت جنگی به‌سر می‌بریم و براساس آنچه مسئولین اعلام کرده‌اند در آتش‌بس هستیم و معنای آتش‌بس این است که جنگ متوقف شده اما به پایان نرسیده است. بنابراین باید ملاحظاتی در اقتصاد داشته باشیم که این ملاحظات بر اساس آتش‌بس و وضعیت جنگی باشد.»

وی در این‌باره خاطر نشان کرد: «در این موضوع شکی نیست که فعالیت‌های اقتصادی در موقعیت غیرعادی مانند جنگ نیازمند مدیریتی متفاوت و ویژه‌تر است، زیرا نمی‌توان انتظار داشت اقتصاد دوران جنگ شبیه به وضعیت عادی مدیریت شود.»

ندری در این‌باره بیشتر توضیح داد و گفت: «متأسفانه در شرایط جنگی نمی‌توان انتظار زیادی بابت سرمایه‌گذاری در اقتصاد داشت، ضمن اینکه به‌دلیل تحریم و سوءمدیریت‌هایی که سال‌ها و

شاخص

تراکم علیه بریکس

«دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا طی اظهاراتی هشدار داد که دولت وی «به‌زودی» تعرفه ۱۰ درصدی علیه واردات از کشورهای عضو بریکس وضع خواهد کرد. این اظهارات با واکنش دوباره «لوئیز داسیلوا»، رئیس‌جمهور برزیل، روبرو شد؛ کسی که به‌تازگی میزبان نشست سالانه این بلوک اقتصادی بود. ترامپ که به‌تازگی این تهدید تعرفه‌ای را مطرح کرده، در جلسه کابینه‌روز سه‌شنبه در کاخ سفید گفت که این تعرفه در راه است. وی گفته است هر کسی که در بریکس باشد، به‌زودی با تعرفه ۱۰ درصدی روبرو می‌شود... اگر عضو بریکس باشد، باید ۱۰ درصد تعرفه بدهد... و خیلی زود دیگر عضو نخواهد بود.



افزوده

سرمایه فکری

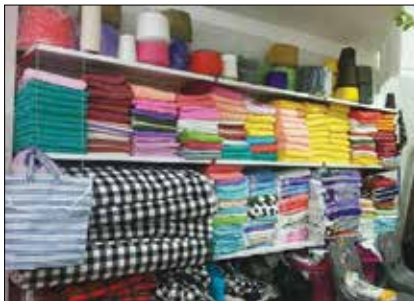
سرمایه فکری به مجموعه دارایی‌های نامشهود یک سازمان اشاره دارد که شامل دانش، مهارت‌ها، تجربه کارکنان، نوآوری‌ها، فناوری‌ها، روابط با مشتریان و فرآیندهای داخلی است. این مفهوم در اقتصاد دانش‌بنیان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا برخلاف دارایی‌های فیزیکی، سرمایه فکری قابلیت خلق ارزش پایدار و رقابتی را دارد. سرمایه فکری به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: سرمایه انسانی (دانش و مهارت کارکنان)، سرمایه ساختاری (فرآیندها و زیرساخت‌های سازمانی) و سرمایه رابطه‌ای (ارتباطات با مشتریان و شرکا). مدیریت مؤثر سرمایه فکری می‌تواند بهره‌وری، نوآوری و جایگاه رقابتی سازمان را تقویت کند، اما اندازه‌گیری ارزش‌گذاری آن به دلیل ماهیت غیر ملموس چالش‌برانگیز است.



منهای نفت

صنعت نساجی

حوله روئین اسفراین، در سال گذشته نقش مهمی در صادرات غیرنفتی ایفا کرد. بر اساس آمار، این برند در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۰۰ تن حوله به کشورهای همسایه از جمله عراق، ترکیه و افغانستان صادر کرد که ارزش‌آوری بالغ بر ۱۰ میلیون دلار را به همراه داشت. کیفیت برتر و قیمت رقابتی این محصول، تقاضای خارجی را افزایش داده و جایگاه اسفراین را در بازارهای جهانی تقویت کرده است. هم اکنون ماهانه ۴۰ کیلوگرم حوله روئین به مقصد کشورهای مانند انگلیس صادر می‌شود. حمایت از تولید داخلی می‌تواند این صنعت را به یکی از ستون‌های ارزش‌آوری کشور تبدیل کند.



تمام مصیبت ما از منم هاست

گفتاری از **حجت الاسلام مؤیدی**



بی‌جان است که به‌سرعت رو به تلاشی، پراکندگی و اضمحلال می‌رود.

امام نور، جان امت الهی و اسلامی است. اگر امام‌نور انتخاب نکنیم، گرفتار امام‌های نار می‌شویم و پیوسته به تشدد و پراکندگی دچار می‌شویم. خداوند فرمود: «يُنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ یعنی عهد ولایت من تنها به کسانی می‌رسد که از ابتدا تا انتها پاک بوده‌اند و دامن‌شان آلوده به کفر، نفاق، شرک و معصیت نشده است. این آیات روشن قرآن است. بینی و بین‌الله، آیا این عاقلانه و حکیمانه است که بیابید تفسیر کنید که: اولی‌الامر، بن سلمان است، اولی‌الامر سیسی

همه انبیا آمدند تا با فراعنه و طواغیت زمان خودشان دست‌وپنجه نرم کنند. آیا این منطق قرآنی است که راه را برای زمامداران فاسد، عیاش و پلھوس دوران اسلامی صاف کنند؟ بینی و بین‌الله آیا این پذیرفتنی است؟ چرا جهان اسلام قفل شده؟ این همه امکانات و منابع را چه کسانی قفل کردند؟ این زمام‌داران پلھوس یزید صفت، شمر صفت، عیاش، نادان، بی‌دین و بی‌ایمان بر تخت حکومت نشسته‌اند و شما(برخی مذاهب اسلامی) به مردم مظلوم مسلمان می‌گویید: اینها اولی‌الامر هستند و اطاعت از آنها واجب است؟ یعنی تمام انبیا آمدند، این همه خون دل خوردند، با طواغیت و فراعنه زمان خودشان مبارزه کردند و نبی اکرم(ص) آن همه زحمت کشیدند تا بعد چه شود؟ حضراتی که از خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس تا حال حاکم می‌شوند، اینها اولی‌الامر باشند و راه برای آنها هموار شود؟! آیا عقل سلیم رحمانی این را می‌پذیرد؟ درخواست می‌کنم بر روی آیه «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ تجدید نظری کنید. مرحوم علامه می‌فرماید: حضرت ابراهیم(ع) درخواست کردند که از ذریه‌اش نیز امام قرار دهد. امتی که امام نور ندارد، عین جسد

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف

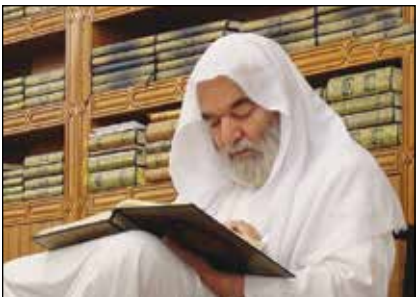


انسان مؤمن، مسئول است و این مسئولیت، فراتر از منافع شخصی، قومی یا حتی ملی است. مسئولیتی است که از نفس روح‌اللهی در وجود آدمی آغاز می‌شود و تا لحظه وصال به خدای متعال امتداد می‌یابد. پرچم حق، تنها با شعار برافراشته نمی‌ماند، بلکه در سایه عمل به ارزش‌هاست که شکوه و جلال آن در میدان‌های زندگی و جهاد تجلی می‌یابد. در این مسیر، آنکه جهاد می‌کند، در واقع ببر دوش خود بار امانتی الهی را حمل می‌کند و وظیفه او عمل کردن است، نه سنجش نتیجه به میل شخصی. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَيَسِّرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَزُسِّلَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...»؛ بگو عمل کنید، خداوند و پیامبر و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید. (توبه/۱۰۵) به‌عبارتی این عمل است که معیار ارزش‌گذاری انسان‌هاست، نه ادعا و آرزو. وظیفه ما بندگی است و بندگی یعنی امتثال امر الهی، حتی اگر ظاهر امر سخت و نتیجه ظاهری آن نامطلوب به‌نظر برسد. امام‌صادق(ع) می‌فرماید: «مردم را به غیر از زبان خود، دعوت کنید، تا پرهیزکاری و کوشش در عبادت و نماز و خوبی

سلوک

مخالفت اول!

آیت‌الله عز‌یزالله خوشوقت: آنجایی‌که شیطان می‌آید مخالفت کنیم، آنجایی‌که نفس آثاره تقاضا دارد آنجا هم باید مخالفت کنیم. هر چه با این دو مخالفت کنیم به‌تدریج راه هموارتر و آسان‌تر می‌شود. اما اگر مخالفت نکنیم هر کار که بخواهیم بکنیم ترک آن سخت می‌شود. ترک عادت می‌شود. امام عسکری(ع) فرمودند: «ترک عادت مثل معجزه می‌ماند.» سخت است، عادت ریشه‌دار می‌شود. هر چه ما مخالفت نکنیم این عدم مخالفت عادت می‌شود و ریشه‌دار، به‌جایی می‌رسد که آدم دیگر نمی‌تواند با این دو مخالفت کند، مثل این وسواسی‌ها که می‌گویند آقا نمی‌شود. نمی‌توانم، چرا نمی‌توانی؟ چطور از اول توانستی؟ ولی ریشه‌دارش کردی.



مکتب

عمل بدون توجه به نتیجه

او باید بداند که پیروزی تنها آن نیست که خودش فکر می‌کند یا با معیارهای مادی سنجیده شود. چه بسا شکست ظاهری، پیروزی واقعی باشد. آن‌گاه که اخلاق، انسانیت و توحید در دل صحنه باقی می‌ماند. قرآن می‌فرماید: «كَمْ مِّن فِتْنَةٍ قَبِلْتَهُ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره/۲۴۹) چه بسیار گروه‌های اندکی که به اذن خدا بر گروه‌های زیادی غلبه یافتند. آری، این غلبه، لزوماً به‌معنای نظامی و سیاسی نیست. بلکه به‌معنای ماندگاری پیام، قدرت اخلاق، پاکی نیت و استمرار بر حق است. هر زمان که گروهی اندک یا زیاد، با دست خالی یا با سلاح قوی اما بادی پر از ایمان در برابر دشمنی تا دندان مسلح ایستاده‌اند، پیروز هستند، زیرا برای خدا تا رسیدن به خدا می‌جنگند. اصولی که از دین و اخلاق برمی‌خیزند به کسی اجازه نمی‌دهد وسوسه پیروزی به هر قیمت، او را از مرز اخلاق و انسانیت عبور دهد. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: (من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از هوای نفس و طولانی بودن آرزو، پیروی از هوای نفس شما را از حق باز می‌دارد و طولانی بودن آرزو آخرت را از یاد می‌برد.) (کافی، ج ۲، ص ۳۳۵) انسان‌هایی بوده و هستند که در آرزوی پیروزی مادی، ارزش‌های‌شان را فروختند، چراکه بندگی را فرو نهادند. اینجاست که باید وسعت دید داشت و به کمال حقیقی فکر کرد که بندگی خداوند است. نباید تنها به نتیجه نگرست، بلکه

عمر مبارک‌شان خون دل خوردند تا این حقیقت را جفا بیندازند. دوراه برای شناخت مذهب حق وجود دارد: نخست، آثار و میراث معنوی بزرگان این مکتب است. سخنان گهربار امیرالمؤمنین علی(ع) که حتی دشمنان ایشان از سر کینه کوشیدند تا فضائل ایشان را پنهان کنند، اما فضائل او شرق و غرب عالم را فراگرفته است. آن حضرت که فرمود: «وَ اِهْلِلْ بَلَدُ اعْطِيَتْ اَلْاَقْلَامُ السَّبْعَةُ بِمَا تَحْتَ اَقْالِكُهَا عَلٰى اَنْ اَعْصٰى اِهْلِلْ فِى ثَمَلَةٍ اُسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيْرَةٍ»ما فعلتُ» به‌خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌هاست به من دهند تا به اندازه گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای به‌خدا معصیت کنم، چنین نخواهم کرد. دوم، تربیت‌شدگان این مکتب هستند. چرا مذاهب دیگر نمی‌توانند افرادی چون امام‌امت(ره) و رهبر معظم انقلاب تربیت کنند؟ این مکتب، انسان‌هایی می‌پرورد که از من و انانیت رها شده‌اند. تمام مصیبت کره زمین از این منم‌هاست. من شخصی، من خانوادگی، من جغرافیایی انقلاب اسلامی، مقدمه ظهور حضرت حجت(عج) است، به‌شرط آنکه تشنگی برای حضور او فراگیر شود. اسلام ناب محمدی و عاشورایی، اسلامی است که نه تهدید در آن اثر می‌کند و نه تطمیع.

باید دید آیا راهی که می‌رویم راه خداست یا نه؟ اگر خود را در این راه دیدیم، پیروزم، در هر حال و حالتی؛ پیامبراکرم(ص) می‌فرماید: «ارزش اعمال فقط بستگی دارد به نیت و هر کس آنچه را نیت نموده نصیبش می‌گردد...» عمل جهادگر باید با نیت الهی باشد که تلاش و جهادش در هر حالتی مورد قبول و مرضی خدا قرار بگیرد. این گونه است که جهادگران واقعی، خود را به خدا می‌سپارند. در سخت‌ترین لحظات، به خدا توکل می‌کنند و به آنچه خدا خواسته راضی‌اند. آنان نمی‌خواهند پیروزی با ظلم و فریب حاصل شود، بلکه حتی شکست ظاهری با پاکدامنی و راستی را بر آن پیروزی پر از خیانت ترجیح می‌دهند و بر اطاعت خداوند صبر می‌کنند. چنان‌که امام صادق(ع) می‌فرماید: «چون روز قیامت شود گروهی از مردم برخیزند و به‌سوی بهشت آیند و در آن را بگویند، به آنها گفته می‌شود: شما کیستید؟ می‌گویند: ما اهل صبریم، به آنها گفته می‌شود: بر چه چیز صبر کردید؟ می‌گویند: بر اطاعت خدا و دوری از نافرمانی او صبر کردیم؛ خدای عز‌وجل می‌فرماید: راست می‌گویند، آنها را داخل بهشت کنید و همان است قول خدای عزوجل؛ همانا صابران اجر خود را بدون حساب به‌دست آورند.» (مشکاة الانوار، ج ۱، ص ۲۱۵) اگر انسان از بندگی جدا شود، نه پیروزی‌اش ارزش و نه شکستش معنا دارد.

تاریخ نگار

حفاظت از امام سجاده(ع)

«ابن زیاد» پس از ورود اهل بیت(ع) به کوفه، جشن پیروزی برپا کرد و رأس امام حسین(ع) را به نمایش گذاشت. زینب کبری(س) ناشناس وارد مجلس شد و وقتی هویت او فاش شد، ابن زیاد با بی‌حیایی گفت که خدا حسین(ع) را رسوا کرده است. حضرت زینب(س) پاسخ داد که فاسق‌ها رسوا می‌شوند. ابن زیاد از او پرسید که کار خدا را چگونه دیده است و ایشان فرمود: «ما رأيتُ إلا جميلاً»؛ پس از آن حضرت زینب(س) به دفاع از برادر و امام سجاده(ع) پرداخت؛ این دفاع سبب شد ابن زیاد از کشتن امام سجاده(ع) بترسد و این کار را انجام ندهد.



دین

شماره ۱۱۹۶ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴

صداقت

آیه

مؤمنان اعضای یک پیکرند

سید مرتضی رضایی

کارشناس علوم اسلامی

یکی از والاترین نعمت‌هایی که دین اسلام برای بشریت به ارمان آورده، ایجاد روح برادری و انسجام در دل‌های انسان‌هاست. دینی که نه‌تنها برای عبادت و ارتباط فردی با خدا نازل شده، بلکه برای ساختن جامعه‌ای بر پایه محبت، همدلی، تعاون و اخوت آمده است. در حقیقت، آنچه پیامبران الهی، به‌ویژه پیامبر اسلام(ص) به‌دنبال آن بودند، نه‌تنها هدایت فردی انسان‌ها بلکه برقراری پیوندی درونی میان دل‌ها بود. پیوندی که قرآن از آن با عنوان «تألیف قلوب» یاد می‌کند و آن را نعمتی بزرگ و الهی می‌داند. در آیه‌ای زیبا خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و دل‌های‌شان را به هم الفت داد. اگر همه آنچه را در زمین است خرج می‌کردی، نمی‌توانستی دل‌های‌شان را به‌هم نزدیک کنی ولی خدا بود که دل‌های‌شان را پیوند داد. بی‌تردید او توانا و حکیم است. (انفال/۶۲) این آیه نه‌تنها حقیقت اخوت اسلامی را بیان می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که این پیوند قلوب، پدیده‌ای صرفاً اجتماعی یا انسانی نیست، بلکه از عالم بالا نازل می‌شود و منشایی ربانی دارد. حتی پیامبر خدا(ص) با آن همه عظمت و مهربانی‌اش، به اراده خداوند این کار را انجام می‌دهد. این حقیقت، مسئولیت مسلمانان را دوچندان می‌کند، چراکه اگر این نعمت، حاصل عنایت خداست، حفظ و تقویت آن نیز وظیفه‌ای الهی و سنگین بر دوش مؤمنان است. در زمان بحران، جنگ، فقر، بیماری، سیل و زلزله یا هر مصیبتی که اجتماع انسانی را تهدید می‌کند، همین الفت قلوب است که بشر را از سقوط به ورطه خودخواهی و فروپاشی نجات می‌دهد. اینکه انسان‌ها در چنین زمان‌هایی، بی‌هیچ چشم‌داشتی به کمک یکدیگر می‌شتابند، گاهی از خانه و مال خود می‌گذرند، گاه شب و روز آرام نمی‌گیرند تا مشکلی از دیگری حل کنند، ریشه در همان نهادینه شدن محبت، برادری و احساس تکلیف در برابر هم‌نوع دارد که دین آن را در جان‌ها زنده کرده است. اسلام، جامعه‌را همچون پیکری واحد می‌بیند. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «مؤمنان در دوستی، عطفوت و مهرورزی نسبت به هم چونان یک پیکرند؛ که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرامی‌گیرد. این حدیث، نه‌تنها وضعت مطلوب بلکه وضعت ضروری جامعه ایمانی را ترسیم می‌کند. جامعه‌ای که در روزهای سخت، خود را نشان می‌دهد. روزهایی که شاید دیگر انگیزه‌های مادی کارگر نباشند. اما محبت و برادری دینی، انسان‌ها را به حرکت در می‌آورد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» مؤمنان تنها برادر یکدیگرند، پس میان برادران‌تان صلح برقرار کنید. (حجرات/۱۰) برادری مؤمنانه، فراتر از هم‌خونی یا ملیت و زبان است. هر کس که دل در گرو توحید دارد و در مسیر حق گام برمی‌دارد، برادر ایمانی ماست. از همین‌روست که هرگاه جایی مظلومان دردمندند، مسلمانان واقعی بی‌تفاوت نمی‌مانند. هرگاه فاجعه‌ای روی می‌دهد، کسانی که تربیت شده دین و انسانیت هستند، پیش‌تاز میدان کمک‌رسانی می‌شوند. این همدلی، نه از سر هیجان زودگذر، بلکه از درک عمیق برادری دینی و فهم بالای جامعه است.

مقاومت انتخاب نیست ضرورت است

سیدپویا هاشمی

روزنامه‌نگار

در جهانی که قدرت‌های بزرگ، زبان دیپلماسی را به ابزاری برای تحمیل اراده خود بدل کرده‌اند، ایستادن، نه انتخابی احساسی، بلکه ضرورتی عقلانی و ملی است.

سازکار «اسنپ‌یک» آن‌گونه که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تعریف شد، ظاهراً برای تضمین پایدنی همه طرف‌ها به توافق هسته‌ای طراحی شده بود. اما امروز، این سازکار به حربه‌ای تبدیل شده که بر فراز سر ملت ایران، همانند شمشیری بی‌محاکمه آویزان مانده است. ابزار بازگشت تحریم‌ها، نه از مسیر حقوق بین‌الملل که از مسیر فشار سیاسی و یک‌جانبه‌گرایی، تبدیل به مکانیسمی برای تهدید، گروگان‌گیری اقتصادی و جنگ نرم علیه ملت ایران شده است.

کشوری که از توافق خارج شده، اکنون با زُستی حقوقی و با توسل به همین بندهای پرابهام، تلاش می‌کند دیگران را نیز به خروج یا سکوت وادار کند. آمریکا با سوءاستفاده از سکوت اروپا و خلأ در ساختار حقوق بین‌الملل، نشان داده است که چگونه یک سازکار را می‌توان وارونه به‌کار گرفت؛ نه برای صلح، که برای فشار.

غرب، سکوت در برابر بی‌عدالتی را به دیپلماسی ترجیح داد رفتار اروپا در برابر بازگشت تحریم‌ها و تهدید به اسنپ‌یک، مملو از تناقض است. از یک‌سو، مقام‌های اروپایی بارها از حفظ برجام حمایت لفظی کرده‌اند. اما از سوی دیگر، با سکوت یا انفعال در برابر تلاش آمریکا برای بازگرداندن تحریم‌ها، عملاً در زمین همان کشور بازی کرده‌اند که خود، نخستین ناقض توافق بوده است.

این سکوت، نه فقط بی‌تفاوتی، بلکه مشارکت در بی‌عدالتی است. وقتی کشوری بدون هیچ روند حقوقی شفاف، یک‌طرفه ادعایی را مطرح می‌کند و تحریم‌هایی را بازمی‌گرداند که مستقیم بر مردم و معیشت آنان اثر می‌گذارد، و جامعه بین‌الملل فقط نظاره‌گر است، نمی‌توان دیگر نام این نظم را «بین‌المللی» گذاشت.

مقاومت در برابر تحریم؛

دفاع از مردم، نه سیاست

برخی تلاش می‌کنند مقاومت ایران را نوعی سیاست‌ورزی پرهزینه و ماجراجویانه جلوه دهند. این ادعا، از اساس نادرست است. آنچه ایران در برابر آن ایستاده، تنها یک اختلاف سیاسی یا اقتصادی با غرب نیست؛ بلکه دفاع از حق حیات اقتصادی، حق دارو، حق تجارت مشروع، و حق زندگی شرافتمندانه برای یک ملت است.

تحریم‌ها، هر چند در ظاهر با زبان دیپلماسی و بندهای قطعنامه‌ای بیان می‌شوند. اما در عمل به خانه‌های مردم راه پیدا می‌کنند. وقتی داروی کودک سرطانی

به‌دلیل تحریم‌های بانکی وارد نمی‌شود، یا مواد اولیه یک کارخانه دارویی از زنجیره تأمین حذف می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک ابزار سیاسی دانست. این، جنگی نرم ولی کشنده است که قربانیان آن، مردم عادی‌اند؛ نه دولت‌ها.

از این منظر، ایستادگی ایران در برابر مکانیسم‌هایی مانند اسنپ‌یک، دفاع از سیاست نیست؛ دفاع از زندگی است.

تحریف واژه‌ها،

ترفند قدیمی سلطه

غرب سال‌هاست که واژه‌ها را تحریف می‌کند. آنها تحریم را «هوشمند» می‌نامند، فشار را «ابزار دیپلماسی» می‌دانند و مقاومت را «افراط‌گرایی» توصیف می‌کنند. اما در دنیای واقعی، تحریم هوشمند، یعنی محرومیت هوشیارانه مردم از دارو، مواد غذایی و حقوق اقتصادی. ابزار دیپلماسی‌شان، همان سازکار اسنپ‌یکی است که هر زمان اراده کنند، می‌توانند تمام ساختار اقتصادی کشوری را مختل کنند. و افراط‌گرایی؟ در کدام قاموس اخلاقی، دفاع یک ملت از حق خود، مصداق افراط است، اما تهدید و تحریم بدون محاکمه، عین عدالت؟

این تحریف‌های زبانی، نباید ما را از واقعیت دور کند. اسنپ‌یک نه یک ابزار برای حفظ تعهد، بلکه یک سازکار برای نقض عدالت است. و ایران، در برابر آن، با همه فشارها، همچنان ایستاده است.

جهان، نظاره‌گر تاریخ است

امروز، ایران تنها بازیگر این میدان نیست؛ بلکه ملت‌ها و نخبگان مستقل جهان نیز به تماشای رفتاری نشسته‌اند که ممکن است فردا دامن خود آنها را نیز بگیرد. سکوت در برابر مکانیسم‌های ناعادلانه، فردا در جای دیگری تکرار می‌شود. اینجا فقط مسئله ایران نیست، مسئله اعتبار نظام حقوق بین‌الملل است. اگر سازکاری مانند اسنپ‌یک بتواند بدون رأی، بدون محاکمه، بدون امکان دفاع، تحریم‌هایی را بر کشوری تحمیل کند، پس چه تفاوتی میان دنیای امروز و نظم استعماری سده‌های گذشته باقی می‌ماند؟

حق ما، ایستادن است

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدرت، گاه بر قانون غلبه دارد، و منافع بر اخلاق. اما حتی در این جهان، می‌توان ایستاد، فریاد زد و عدالت را طلب کرد. جمهوری اسلامی ایران، با همه فشارها، تحریم‌ها، و تهدیدها، حق دارد که در برابر مکانیسم‌هایی مانند اسنپ‌یک مقاومت کند؛ نه برای لجبازی، بلکه برای بقا.

غرب باید بداند که دیگر نمی‌توان با ابزارهای حقوقی رنگ‌شده با سیاست، ملت‌ها را در انزوای ننگ داشت. اگر اسنپ‌یک ابزار تهدید است، مقاومت، ابزار دفاع ماست و تا زمانی‌که این تهدید پابرجاست، مقاومت نه انتخاب ما، که وظیفه ماست.

در جهانی که ساختارهای حقوق بین‌الملل بیش از هر زمان دیگری در معرض تفسیرهای یک‌جانبه و ابزارهای سلطه‌جویانه قرار گرفته‌اند، مفهوم «عدالت جهانی» با چالشی عمیق روبروست. یکی از نمونه‌های بارز این چالش، مکانیسم به ظاهر حقوقی اما در عمل سیاسی و تبعیض‌آمیز «اسنپ‌یک» است؛ ابزاری که در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل طراحی شد. اما در فرآیند اجرا، به ابزاری برای تهدید و فشار یک‌جانبه علیه ایران تبدیل شده است. این سازکار به کشورها اجازه می‌دهد تنها با ادعای نقض تعهدات، تمام تحریم‌های بین‌المللی را علیه یک کشور بازگردانند؛ بدون رأی‌گیری، بدون امکان اعتراض، و بدون طی فرآیند قضایی.

سؤال اساسی این است که چگونه یک سازکار که باید ضامن تعهدات و اجرای متقابل توافقات بین‌المللی باشد، خود به عامل بحران، بی‌اعتمادی و فشار اقتصادی و سیاسی بدل شده است؟ این گزارش تلاشی است برای تحلیل ابعاد گوناگون اثرگذاری مکانیسم اسنپ‌یک بر ساختار اقتصادی، معیشت مردم، مناسبات سیاسی و موقعیت ایران در نظام بین‌الملل. همچنین نشان می‌دهد که مقاومت ایران در برابر این فشارها، نه واکنشی احساسی، بلکه ضرورتی مبتنی بر واقعیت‌های میدانی، منافع ملی و اصول عدالت جهانی است.

بازگشت تحریم‌ها

اسنپ‌یک که در بطن توافق برجام طراحی شد، قرار بود ضامن اجرای تعهدات طرفین باشد. اما در عمل، این مکانیسم به ابزاری برای بازگرداندن تحریم‌ها بدون اجماع و تنها با ادعای یک طرف تبدیل شد. گرچه در تمام روزهای پس از خروج آمریکا از برجام، تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران شاید بیشتر از تحریم‌های پیش از برجام اقتصاد را تحت فشار قرار داد، اما نمی‌توان از این واقعیت گذشت که بازگشت تحریم‌های بین‌المللی پیامدهای سیاسی و اقتصادی دیگری را متوجه کشور خواهد کرد.

سرمایه‌گریزی؟

دشمنان به دنبال القای این گزاره هستند که با فعال‌سازی اسنپ‌یک، اعتماد سرمایه‌گذاران از بین خواهد رفت. آنها بر این باور هستند که تجربه سال‌های پس از خروج آمریکا از برجام نشان داد که حتی زم‌مه‌هایی از بازگشت تحریم، موجب خروج سرمایه، توقف پروژه‌های خارجی، و فرار سرمایه‌گذاران داخلی می‌شود. اما واقعیت این است که حتی در دوران برجام نیز عملاً تحریم‌های مالی و بانکی ایران برداشته نشد و اکنون نیز اگر بر قدرت درون‌زای کشور تکیه کنیم و بخش خصوصی و مردم به میدان بیایند حتی با وجود افزایش فشارها اقتصاد ایران می‌تواند مسیر خود را ادامه داده و بر مشکلات غلبه کند.

حقوق بشر کَشک است!

تحریم‌های ناشی از اسنپ‌یک، برخلاف ادعای طراحانش که آن را «هوشمند» می‌خوانند، در واقع تمام بخش‌های زندگی مردم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. دسترسی به داروهای خاص، تجهیزات پزشکی و حتی اقلام ضروری زندگی در سال‌های اخیر با افزایش هزینه یا کاهش عرضه روبرو شده است. طبقات متوسط و ضعیف جامعه بیشترین آسیب را از این فشارها می‌بینند. در

پایان اعتبار غرب!

نگاهی به پیامدهای فعال شدن اسنپ‌یک

حالی‌که ساختارهای حقوقی غرب بر حمایت از حقوق بشر تأکید دارند، مردم ایران قربانی ابزارهایی هستند که با عنوان «دیپلماتیک» تحمیل می‌شوند، اما نتیجه‌ای جز رنج انسانی در پی ندارند.

بحران اعتماد در روابط بین‌الملل

سازکاری مانند اسنپ‌یک، در کنار اثرات اقتصادی، به‌سرعت فضای دیپلماسی را نیز دچار اختلال می‌کند. تهدید مکرر به بازگرداندن تحریم‌ها، مذاکرات سیاسی را به میدان بی‌اعتمادی و رفتارهای محافظه‌کارانه بدل کرده است. شرکای بالقوه ایران، به‌ویژه در اروپا، به‌دلیل ترس از واکنش آمریکا یا فعال شدن اسنپ‌یک، از تعامل اقتصادی و سیاسی پرهیز می‌کنند.

این وضعیت، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده و امکان ایفای نقش فعال در برخی نهادها یا پروژه‌های بین‌المللی را محدود کرده است.

چالش‌های حقوقی

مهم‌ترین نقد حقوقی به مکانیسم اسنپ‌یک، عدم امکان اعتراض رسمی ایران به آن است. طبق تفسیر فعلی، حتی یک کشور می‌تواند تنها با ارسال نامه‌ای، فرآیند بازگشت تحریم‌ها را فعال کند؛ بدون رأی‌گیری، بدون داوری بی‌طرف، و بدون زمان‌بندی منطقی برای بررسی صحت ادعا.

این در حالی است که حتی در ابتدایی‌ترین محاکم حقوقی، اصل «شنیده شدن دفاعیه» و «بی‌طرفی روند دادرسی» رعایت می‌شود. چگونه ممکن است در یک ساختار بین‌المللی، کشوری در معرض تعرض تحریم قرار گیرد، بدون آنکه فرصت دفاع، بررسی شواهد یا ارائه پاسخ حقوقی داشته باشد؟

بازنگری در ساختارها؛ یک خواست جهانی

روشن است که ایران تنها کشوری نیست که ممکن است در آینده قربانی چنین مکانیسم‌هایی شود. اگر امروز جامعه جهانی در برابر سوءاستفاده از اسنپ‌یک سکوت کند، فردا نوبت کشور یا ملت دیگری خواهد بود.

ضرورت دارد نهادهای بین‌المللی، کشورهای مستقل، و بدنه‌های دانشگاهی و حقوقی، برای اصلاح چنین سازکارهایی اقدام کنند. سازکارهایی که در خدمت عدالت و صلح باشند، نه ابزار سلطه.

نتیجه‌گیری

در مجموع، اسنپ‌یک را نمی‌توان تنها یک بند از یک توافق یا یک سازکار اداری در نظام بین‌الملل دانست. این مکانیزم به‌شکلی طراحی شده که می‌تواند به ابزاری برای گروگان‌گیری اقتصادی، تضعیف اراده سیاسی دولت‌ها و نقض سیستماتیک حقوق ملت‌ها بدل شود.

در چنین وضعیتی، ضرورت دارد جامعه جهانی (به‌ویژه کشورهای مستقل، نهادهای حقوق بشری، و جریان‌های آگاه رسانه‌ای) بسرای بازنگری جدی در این‌گونه سازکارهای ناعادلانه وارد عمل شوند. نباید اجازه داد عدالت بین‌المللی به‌نام قانون، ولی به کام قدرت‌های بزرگ تحریف شود. ایران، با ایستادگی خود، نه‌تنها از حقوق خویش دفاع می‌کند، بلکه پرچم‌دار مطالبه اصلاح در نظامی است که بیش از همیشه نیازمند بازتعریف است. بازگشت به‌اصل عدالت، شرط پایداری هر سازکار بین‌المللی است و تا تحقق این اصل، مقاومت ایران ادامه خواهد داشت.



حسین احمدزاده، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق؛

اقتصاد مردمی

اسنپ بک را

بی‌اثر می‌کند!

در سال‌های اخیر، فشارهای اقتصادی و تحریمی علیه ایران به‌منزله ابزاری سیاسی برای تحمیل اراده قدرت‌های خارجی به‌کار گرفته شده است. فعال شدن مکانیزم اسنپ‌بک، نمونه‌ای آشکار از این رویکرد است که نشان می‌دهد دشمنی‌ها می‌توانند در هر مقطع با شدت تازه‌ای بروز کنند. با این حال، تجربه تحریم‌های شدید در دهه گذشته نشان داده است که هرچند اقتصاد ایران آسیب‌پذیری‌های مشخصی دارد. اما ظرفیت‌های گسترده‌ای هم در حوزه تولید ملی، تجارت منطقه‌ای و نوآوری اقتصادی در کشور وجود دارد. لازمه عبور از این دوره، اقتصاد مقاومتی واقعی است؛ نه به‌عنوان یک شعار مقطعی، بلکه به‌منزله راهبردی عملیاتی برای کاهش وابستگی، متنوع‌سازی درآمدها و افزایش تاب‌آوری معیشت مردم. در این مصاحبه، با گفت‌وگو با «حسین احمدزاده» کارشناس اقتصادی، به ابعاد گوناگون این موضوع پرداخته‌ایم.

فعال شدن مکانیزم اسنپ‌بک چه پیامدهای اقتصادی فوری و بلندمدتی برای ایران دارد؟

مهم‌ترین پیامد فوری، تشدید محدودیت‌های مالی و بانکی و افزایش هزینه مبادلات بین‌المللی است. این مسئله می‌تواند نوسانات ارزی را تشدید کند و هزینه‌های واردات کالاهای واسطه‌ای و اساسی را بالا ببرد. در بلندمدت، احتمال افت سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش سرعت توسعه زیرساخت‌های اقتصادی جدی است. با این حال، باید به این نکته توجه کنیم که بخش مهمی از این تهدیدها از قبل شناسایی شده و تجربه‌های گذشته، درس‌های ارزشمندی در اختیار سیاست‌گذاران قرار داده است. اگر در همین مقطع، تدابیر پیش‌دستانه و هماهنگ اتخاذ شود، می‌توان بخشی از آسیب‌ها را کنترل کرد و فرصت‌هایی برای تقویت تولید داخلی به‌وجود آورد.

بازگشت تحریم‌ها در سایه اسنپ‌بک چطور بر سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و معیشت مردم اثر می‌گذارد؟

بدون تردید بازگشت تحریم‌ها فشارهایی بر زنجیره تأمین و تجارت خارجی ایجاد خواهد کرد و در کوتاه‌مدت می‌تواند سبب افزایش هزینه تولید و میزان تورم شود. اما تجربه تحریم‌های پیشین نشان داد که با رویکرد فعالانه و تمرکز بر ظرفیت‌های منطقه‌ای و شرکای همسو، بخش مهمی از این فشارها قابل مدیریت است. در سطح سرمایه‌گذاری، اگر دولت و بخش خصوصی با شفاف‌سازی فضای اقتصادی و حمایت هدفمند از تولید، اعتماد را حفظ کنند، می‌توان جلوی فرار سرمایه و دامن‌زدن به رکود را گرفت. برای معیشت مردم هم سیاست‌های جبرانی، نظارت بر بازار ارز و تقویت سبد حمایتی ضروری خواهد بود.

این فشارهای اقتصادی چه تبعات امنیتی احتمالی برای ایران و منطقه خواهد داشت؟

تحریم‌های شدید همواره احتمال ایجاد نارضایتی اجتماعی را افزایش می‌دهند، به‌خصوص اگر هم‌زمان انتظارات تورمی بالا رود. اما وجه دیگر ماجرا این است که اگر مدیریت اقتصادی شفاف، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی جدی گرفته شود، این تهدید می‌تواند به همبستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی منجر شود. در سطح منطقه‌ای هم تضعیف همکاری‌های اقتصادی می‌تواند ناامنی مرزی و بی‌ثباتی را دامن بزند، امّا ایران ابزارهای قابل توجهی برای حفظ عمق راهبردی خود در همسایگی دارد. پیوندهای اقتصادی با کشورهای منطقه اگر تقویت شود، خود می‌تواند سپری در برابر بخشی از این تبعات امنیتی باشد.

تجربه سال ۲۰۲۰ چه درس‌هایی برای دولت و بخش خصوصی ایران داشت؟

مهم‌ترین درس، ضرورت برنامه‌ریزی برای بدترین سناریوها بود. در آن سال‌ها، ما دیدیم که فقط اتکا به وعده‌های طرف‌های غربی پاسخگوی نیازهای اقتصادی کشور نیست. دولت باید ظرفیت‌های لجستیکی و

زیرساختی صادرات غیرنفتی را تقویت می‌کرد و بخش خصوصی هم باید یاد می‌گرفت چگونه زنجیره‌های تأمین داخلی را توسعه دهد. اگر چه بخشی از این تجربه‌ها اجرایی شد، اما هنوز تا رسیدن به اقتصاد مقاومتی واقعی فاصله داریم. اکنون فرصت مغتنمی است که هم دولت و هم فعالان اقتصادی با همگرایی و سرمایه‌گذاری مشترک در زیرساخت‌های تولید و تجارت، زمینه‌های تاب‌آوری را کامل کنند.

آیا در وضعیت فعلی، راهکارهای دیپلماتیک و اقتصادی برای کاهش اثرات منفی اسنپ‌بک وجود دارد؟

قطعاً. هرچند باید هم‌زمان با مذاکره، روی مقاوم‌سازی اقتصاد داخلی هم تمرکز کرد. در سطح دیپلماتیک، استفاده از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای، ایجاد کانال‌های مالی بشردوستانه و همکاری با شرکای شرقی و همسایگان می‌تواند بخشی از فشار را کم کند. در حوزه اقتصادی، توسعه قراردادهای تهاتر، پیمان‌های پولی دوجانبه، استفاده از رمزارزها و تقویت زیرساخت‌های صادراتی اولویت دارد. اینها ابزارهای جایگزین هستند که اگر اراده اجرایی قوی پشت آن‌ها باشد، توان کاهش آسیب‌های تحریمی را دارند. نکته کلیدی این است که دیپلماسی و اقتصاد مقاومتی باید مکمل یکدیگر باشند، نه جایگزین هم.

به‌منظر شما، ایران چگونه می‌تواند ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای خود را برای خنثی‌سازی این فشارها افزایش دهد؟

سه محور اصلی وجود دارد. نخست، بازنگری در سیاست‌های حمایتی و تسهیل‌گری برای تولیدکنندگان داخلی و صادرکنندگان؛ یعنی بوروکراسی دست‌وپاگیر کمتر شود و دسترسی به منابع مالی آسان‌تر شود. دوم، بهره‌گیری از بازارهای منطقه‌ای و همسایگان؛ چون این بازارها هم نیازمند کالا و خدمات ایران هستند و هم از منظر سیاسی و فرهنگی پیوندهای مستحکمی وجود دارد. سوم، تکیه بر نوآوری اقتصادی و توسعه اقتصاد دیجیتال که می‌تواند مسیرهای جدیدی برای تجارت و تأمین مالی باز کند. این ترکیب، یعنی اقتصاد مقاومتی واقعی و فعال، ضریب تاب‌آوری را به شکل معناداری افزایش می‌دهد.

چشم‌انداز شما درباره احتمال استفاده مجدد یا توسعه چنین مکانیزم‌هایی در آینده چیست؟

با توجه به رفتارهای گذشته، این احتمال کاملاً جدی است که اسنپ‌بک یا مکانیزم‌های مشابه به ابزار فشار سیاسی تبدیل شوند. بنابراین ما چاره‌ای نداریم جز اینکه در هر توافق، علاوه بر منافع کوتاه‌مدت، به ضمانت‌های اجرایی محکم و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی توجه کنیم. اما در عین حال، تجربه تحریم‌های گذشته نشان داد که هر موج فشار خارجی، فرصت اصلاحات ساختاری و اتکا به ظرفیت‌های داخلی را هم فراهم می‌کند. اگر به‌جای رویکرد منفعلانه، سیاست فعال و برنامه‌ریزی‌شده اتخاذ شود، اقتصاد ایران می‌تواند نه‌تنها از این دوره عبور کند، بلکه زمینه‌های پیشرفت بومی را هم تقویت کند.

سازوکاری که کار نخواهد کرد



محسوب می‌شود. اما این تفسیر، به‌شدت مورد مخالفت جامعه جهانی قرار گرفت. کشورهای اروپایی، روسیه و چین، همگی این اقدام را فاقد مشروعیت حقوقی دانستند. با این حال، همین تلاش ناکام، سایه سنگینی بر مناسبات اقتصادی و سیاسی ایران انداخت.

نتیجه عملی چه بود؟ حتی بدون فعال‌سازی موفق مکانیسم، فضای بین‌المللی پر از تردید شد، شرکت‌ها و بانک‌ها عقب‌نشینی کردند، و ایران بار دیگر هزینه اقداماتی را پرداخت که نه از سوی خودش، بلکه از سوی دیگران نقض شده بود.

نابرابری آشکار

یکی از مهم‌ترین ایرادات حقوقی به اسنپ‌بک، نبود امکان دفاع، اعتراض یا تجدیدنظر برای ایران است. در این سازکار، کشوری که ادعای تخلف دارد، می‌تواند بدون نیاز به اثبات نقض و بدون بررسی بی‌طرفانه، محرک بازگشت تحریم‌ها باشد. ایران، به‌عنوان کشوری که متهم شده، هیچ جایگاهی برای دفاع رسمی، هیچ مجرای حقوقی برای تبیین مواضع خود، و هیچ ابزار بازدارنده‌ای برای جلوگیری از اجرای این تصمیم ندارد.

این وضعیت، در تعارض مستقیم با اصول بنیادین عدالت رویه‌ای در حقوق بین‌الملل است. یعنی یک کشور نه‌تنها متهم، بلکه محکوم و مجازات‌شده خواهد بود؛ بدون دادگاه، بدون محاکمه و بدون دفاع.

ایران چه می‌خواهد؟

جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده که خواهان خروج از برجام نیست و همچنان به توافق متعهد است؛ به شرط آنکه همه طرف‌ها به تعهدات خود پایبند بمانند. ایران نه‌تنها نسبت به سازکار اسنپ‌بک موضع سلبی نگرفته، بلکه خواستار اجرای عادلانه و بی‌طرفانه آن بوده است.

مطالبه اصلی ایران این است: اگر قرار است سازکاری مانند اسنپ‌بک وجود داشته باشد، باید برای همه طرف‌ها اجرا شود؛ نه اینکه یک کشور (مانند آمریکا) از توافق خارج شود، اما همچنان از ابزارهای آن برای فشار استفاده کند.

بازنگری در سازکارهای قدرت‌محور

مکانیسم اسنپ‌بک در ظاهر، بخشی از چارچوب نظارت بر توافق هسته‌ای است؛ اما در عمل، به الگویی خطرناک از بهره‌برداری سیاسی از حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. وقتی یک کشور می‌تواند با ادعای یک‌جانبه، بدون اثبات و بدون پاسخگویی، فرآیند تحریم چندجانبه را دوباره به جریان بیندازد، دیگر نمی‌توان آن را ابزار الزام‌آور دانست؛ بلکه باید آن را ابزار سلطه و ارباب سیاسی نامید. جامعه جهانی، به‌ویژه نهادهای تنظیم‌گر و حافظ صلح، باید نسبت به چنین مکانیسم‌هایی تجدیدنظر کنند

اگر قرار است توافقی بین‌المللی پابرجا بمانند، سازکارهای اجرایی آن‌ها نیز باید متوازن، پاسخ‌گو و عادلانه باشند. ایران حق دارد که از خود در برابر مکانیسم‌های یک‌طرفه، ناعادلانه و سیاسی دفاع کند و جهان نیز موظف است در مسیر تحقق این حق، تجدیدنظرهای جدی در سازکارهای موجود انجام دهد.

اسنپ‌بک نباید الگویی برای آینده باشد؛ بلکه باید به زنگ خطری برای اصلاح ساختارهای قدرت در حقوق بین‌الملل تبدیل شود.

در میان واژگان حقوقی و فنی توافق هسته‌ای ایران، شاید هیچ اصطلاحی به‌اندازه «اسنپ‌بک» (Snapback) بار سیاسی، امنیتی و اقتصادی نداشته باشد. این سازکار که در ظاهر به‌منظور اطمینان از اجرای تعهدات طرفین در برجام طراحی شد، در عمل به ابزاری برای فشار یک‌جانبه علیه ایران و سوءاستفاده سیاسی برخی کشورها تبدیل شد.

ایران که خود یکی از پایبندترین اعضای برجام در سال‌های پس از امضای توافق بود، عملاً در معرض مکانیسمی قرار گرفت که بدون حق دفاع، بدون رأی‌گیری، و حتی بدون امکان وتوی دیگر کشورها، می‌توانست تمامی تحریم‌های سازمان ملل را برگرداند. همین ویژگی سبب شده اسنپ‌بک نه‌تنها یک ابتکار فنی، بلکه یک اهرم قدرت برای اعمال اراده سیاسی تلقی شود؛ اهرمی که در تضاد آشکار با عدالت بین‌المللی و اصل توازن در توافقات چندجانبه قرار دارد.

اسنپ‌بک چیست؟

مکانیسم اسنپ‌بک، در دل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل گنجانده شد. بر اساس این مکانیسم، اگر یکی از طرف‌های توافق ادعا کند که ایران تعهداتش را زیر پا گذاشته است، می‌تواند خواستار بازگشت تحریم‌های بین‌المللی شود. در این حالت، شورای امنیت ۳۰ روز فرصت دارد که رأی بدهد تحریم‌ها همچنان تعلیق بمانند. اگر چنین رأیی صادر نشود (که بسیار بعید است)، به‌صورت خودکار، تمامی تحریم‌های سابق سازمان ملل علیه ایران بازمی‌گردد.

برخلاف بسیاری از مکانیسم‌های تصمیم‌گیری در شورای امنیت، در اسنپ‌بک هیچ کشوری نمی‌تواند با وتو مانع اجرای آن شود؛ حتی رأی‌گیری مثبت هم لازم نیست. همین ویژگی، این سازکار را از منظر حقوقی و سیاسی به یکی از غیرمنصفانه‌ترین ابزارهای تحریم‌زا در روابط بین‌الملل بدل کرده است.

ابزار تعادل یا حربه تهدید؟

در حالی که حامیان اولیه برجام، از جمله طراحان غربی آن، اسنپ‌بک را ابزاری برای حفظ تعادل در اجرای تعهدات می‌دانستند، تجربه عملی ایران از این مکانیسم، کاملاً متفاوت بوده است. این سازکار بیش از آنکه ضامن اجرای توافقی باشد، به حربه‌ای برای تهدید، باج‌خواهی و فشار یک‌جانبه تبدیل شد. حتی در وضعیتی که ایران تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تعهدات خود پایبند بود، طرف‌های غربی نه‌تنها از اجرای کامل تعهدات خود امتناع کردند، بلکه تهدید به استفاده از اسنپ‌بک را به‌عنوان ابزار فشار سیاسی در فضای دیپلماتیک مطرح کردند.

پرونده‌ای نمادین از سوءاستفاده

نمونه بارز و نمادین سوءاستفاده از این مکانیسم، در سال ۲۰۲۰ رخ داد. آمریکا که دو سال پیش از آن به‌طور رسمی از برجام خارج شده بود، در اقدامی بحث‌برانگیز، به شورای امنیت مراجعه کرد و خواستار بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران از طریق اسنپ‌بک شد.

استدلال آمریکا این بود که بر اساس متن قطعنامه ۲۲۳۱، هنوز «طرف مشارکت‌کننده» در توافق

تقویم انقلاب

رهنمود امام(ره)
پرهیز از اختلاف



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

یکی از مهم‌ترین رهنمودهای امام راحل در این رابطه، در دهه سوم تیر ماه سال ۱۳۶۲ بود. ایشان به‌مناسبت افتتاح مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲۲ تیرماه پیام دادند که توسط «سیداحمد خمینی» قرائت شد و در روز ۲۸ تیرماه که جمع نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با امام راحل دیدار داشتند، در این ملاقات که رئیس‌جمهور وقت و رئیس مجلس خبرگان وقت و نمایندگان حضور داشتند، حضرت امام(ره) یک بحث اساسی را با این جمع در میان گذاشتند که در طول تاریخ همواره مسئله مورد نیاز روز مالست که در یک دسته‌بندی و فشرده آن در چند محور ذیلا ارائه می‌شود:

۱- منشاء اختلاف- امام راحل در این رابطه می‌فرماید: «اختلاف، ریشه‌اش از حب نفس است. هر کس خیال می‌کند که من برای خدا با این آقا اختلاف دارم. یک وقت درست بنشیند در نفس خودش فکر کند، ببیند ریشه‌اش کجاست. حسن ظن به خودش نداشته باشد، سوءظن داشته باشد. ریشه همان ریشه شیطانی است که آن حب نفس انسان است.»

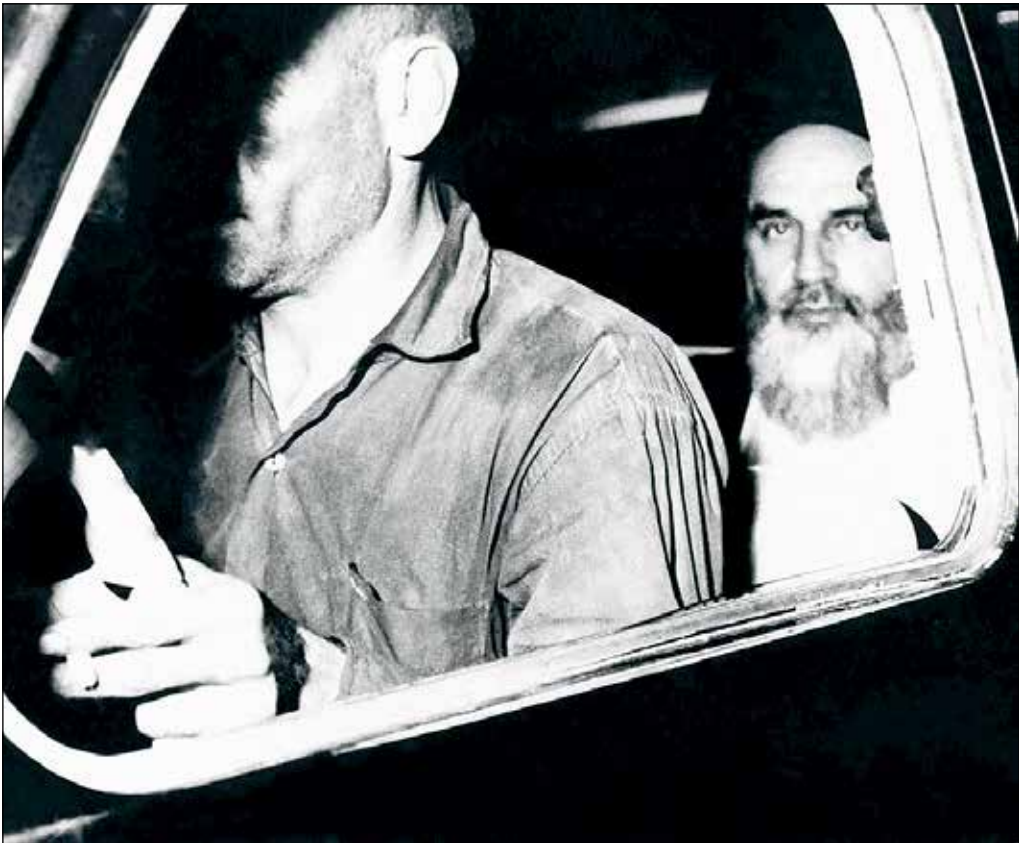
۲- اختلاف گناه نابخشودنی- امام(ره) در ادامه رهنمود دادند: «اختلافی که بر سر دنیاست نه برای خدا اگر این اختلاف موجب اختلاف بین مردم بشود که شکست بخورد جمهوری اسلامی و تا قرن‌ها نتواند سرش را بلند کند، این جرمی است که خدا نمی‌بخشد.»

۳- اختلاف عامل شکست- در طول تاریخ معاصر ایران آنچه تاکنون فهمیده شد، اختلاف و دامن زدن به آن عامل شکست نهضت و قیام‌ها بوده است و به‌عبارتی اختلاف فرصتی را برای دشمن فراهم می‌کند تا بتواند ضربه سنگین و غافلگیرانه بزند. در جریان انقلاب مشروطه پس از فضای اختلاف بین رهبران بود که «شیخ فضل الله» اعدام شد و چندی بعد انگلیسی‌ها از این فرصت استفاده کردند و کودتای ۱۲۹۹ را انجام دادند و علاوه بر آن در نهضت ملی نفت هم مشابه آن را داشتیم. در اوایل انقلاب در سال ۱۳۵۹ هم مشابه آن را داشتیم.

۴- پیشگیری از اختلاف- یکی از مهم‌ترین راهکارها همین فرمایش کوتاه امام راحل است که می‌فرماید: « باید به دیگران ما حسن‌ظن داشته باشیم و اعمال‌شان را حمل به صحت بکنیم و نسبت به خودمان سوءظن داشته باشیم و اعمال‌مان را تفتیش بکنیم که برای چی است، چرا من اشکال می‌کنم». این بهترین معیار و ملاک است که می‌فرماید: «طبقه‌ای که می‌خواهند مردم را ارشاد کنند این‌ها باید اقوال‌شان با اعمال‌شان موافق باشد.»

۵- برادری عامل پایدار- رهنمودهای امام(ره) برای جلوگیری از اختلاف می‌فرماید: «این اصل قرآنی را که مؤمنین با هم برادر هستند، بپذیرید و با هم دوست و به یکدیگر محبت داشته باشید.»

امام راحل در فرازی دیگر در این رابطه می‌فرماید: «با اخلاق مردم را خاضع کنید و خضوع قلبی میزان است و اگر بتوانید قلب مردم را همراه خود کنید، این چیزی است که پیش خداوند دوام و ثبات دارد.» باید این رهنمودهای امام(ره) همواره مدنظر باشد. به‌خصوص در حالی که دشمنان انقلاب اسلامی تا جایی برنامه‌ریزی کرده‌اند که ایران را تجزیه کنند و به‌زعم خودشان نابود کنند. راه نجات از این توطئه رهنمودهای امام(ره) و رهبر معظم انقلاب است.



دوران حصر در داودیه

مروری بر حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

محمد گنجی

روزنامه نگار

پس از ماجرای کشتار مردم در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و دستگیری و حبس حضرت امام خمینی (ره)، شاهد تهدید رژیم مردم و روحانیت بودیم که در عمل نتیجه عکس داد و استقامت آنان را بیشتر کرد و حمایت از حضرت امام(ره) روزافزون شد و مرجعیت ایشان را فراگیر ساخت.

در سال ۱۳۴۲ رژیم، برگزاری انتخابات مجلس بیست‌ویکم را تدارک می‌دید و مطبوعات و رادیو را در خدمت کنگره آزاد زنان و

دهلیز

آن مقاله موهن

نگاهی به تقلای دیکتاتور پهلوی علیه روحانیت

واکنش تندی به‌دنبال داشت. روز نهم ژانویه اغتشاشات شدیدی در شهر مقدس مذهبی قم پایگاه روحانی آیت‌الله خمینی روی داد، کنترل اوضاع از دست پلیس خارج شد و برای نخستین‌بار پس از سال ۱۹۶۳ نیروهای مسلح ارتش برای سرکوبی اغتشاش به میدان آمدند. نظامیان طبق نقشه و دستور قبلی یا برای ایجاد وحشت و متفرق کردن جمعیت به‌سوی مردم آتش گشودند. تعدادی کشته شدند، که منابع دولتی شماره آنها را کمتر از ده نفر و مخالفان قریب یکصد نفر اعلام کردند. این واقعه همه را تکان داد و بین دولت و مقامات روحانی کشور بحران شدیدی به‌وجود آورد. بعضی از مساجد تهران بسته شد و رهبران مذهبی مردم را به برگزاری مراسم سنتی یادبود و سوگواری و چهلمین روز شهادت قربانیان واقعه فراخواندند.»



اولین دریانورد پرتغالی که توانست مسیر دستیابی دریایی به آسیا و شبه قاره هند را کشف کند، «واسکو دو گاما» نام داشت. وی در رأس ناوگانی مرکب از چهار کشتی، بندر لیسبون را به مقصد هند ترک کرد. در ماه نوامبر «دماغه امیدنیک» را در جنوب آفریقا درنوردید و وارد آب‌های قاره آسیا شد. در ۲۲ مه سال ۱۴۹۸ میلادی، به بندر «کالیکوت» در سواحل هند رسید و سرانجام در اوایل سپتامبر ۱۴۹۹ میلادی پیروزمندانه به لیسبون بازگشت و به تعبیر «الرد کرزن» برای پرتغال، قرنِ سرشار از شهرت و ثروت فراهم ساخت.

در اولین ورودش به سرزمین هند، به منطقه کالیکوت رسید که حکمران هندوی آن منطقه، با نورسیدگان پرتغالی گشاده‌رویی کرد

و آمادگی خود را برای ایجاد رابطه تجاری با پرتغالی‌ها اعلام داشت.

پرتغالی‌ها هدایایی را تقدیم حکمران هندی کردند، «هر چند هدایای او به سلطان چنان حقیر بود که درباریان در زمان اهدای آن می‌خندیدند؛ اقا بندر کالیکوت در این زمان، به‌نوشته «جرج امرسون» شهری «بزرگ و باشکوه» مشرف بر دریای عربی و مرکز دولتی کوچک و مستقل به‌هین نام‌بود. این سرزمین، که حکمرانان محلی هند، موسوم به «سامری»

جمعه ۱۱ مرداد سال ۱۳۴۲ (۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۸۳) می‌رسیم. رئیس سازمان امنیت وقت «پاکسروان» مأمور این تغییر وضع می‌شود، در پادگان عشرت‌آباد با امام(ره) ملاقات و آزادی ایشان را اعلام می‌دارد. و در ضمن می‌افزاید: «اکنون که آزاد می‌شوید لازم است به عرض برسانم که سیاست، یعنی کلک و نیرنگ سیاست، یعنی دروغ و تزویر، سیاست یعنی حقه‌بازی و خلاصه سیاست، یعنی پدر سوختگی و این کارها مربوط به ما است و مرجع روحانیت نباید خود را به این امور آلوده سازد و در سیاست دخالت کند.» و پاسخ می‌شنود «ما در سیاستی که شما معنا می‌کنید از اول هم دخالت‌نداشته‌ایم!»

به هر حال در همان روز امام(ره) را به خانه‌ای مربوط به ساواک در داودیه منتقل می‌کنند. راه داودیه تحت کنترل قوای انتظامی بود، اما هنوز ساعتی از این انتقال نگذشته بود که سیل جمعیت به‌سوی داودیه سرازیر شد و ترافیک سنگین، راهنمایی را با مشکل مواجه ساخت.

علمای مهاجر که در تهران اجتماع کرده بودند به‌همراه روحانیون تهران وقایع ۱۵ خرداد را برای امام(ره) تشریح کردند و اطلاع از آن قیام امام(ره) را به‌سختی تکان داد و در مقابل انبوه جمعیت فریاد کشید: «آخر من با این احساسات چه کنم» و آنگاه گریست تا آن روز کسی ایشان را در این حد منقلب ندیده بود. اطلاع از کشتار ۱۵ خرداد برای امام(ره) ضربه سختی بود.

هجوم توأم با احساسات گرم مردم به اقامتگاه امام(ره) قابل تحمل برای حکومت نبود. ساواک بلافاصله تصمیم گرفت منزل را در محاصره مأمورین قرار دهد و از ملاقات‌ها ممانعت به‌عمل آورد و اطلاعیه‌ای به این شرح در جراید درج کند: «طبق اطلاع رسمی که از سازمان اطلاعات و امنیت کشور واصل گردیده است، چون بین مقامات انتظامی و حضرات آقایان خمینی و قمی و محلاتی تفاهمی حاصل شده که در امور سیاسی مداخله نخواهند کرد و از این تفاهم اطمینان کامل حاصل گردیده است که آقایان بر خلاف مصالح و انتظامات کشور عملی انجام نخواهند داد، علیهذا آقایان به منازل خصوصی منتقل شدند!»

دولت با این اعلامیه می‌خواست به مردم بگوید که اقامت امام(ره) در داودیه به این معنی نیست که اجتماعات سیاسی تشکیل شود، بلکه ارفاقی است که به‌دنبال تفاهم و تعهد انجام گرفته و اساس آن عدم دخالت در امور سیاسی است، اما بلافاصله عکس‌العمل شدیدی در برابر صدور این اطلاعیه در جامعه روحانیت ملاحظه می‌شود. بازتاب ادامه حصر امام(ره) آن‌طور نیست. آن‌طور نیست که دولت در بن‌بست قرار گیرد، چراکه توده مردم پس از اعلام آزادی امام(ره) آرامش یافتند و تصور کردند امام(ره) مصلحت را در سکوت تشخیص داده و فعلاً انزوا اختیار کرده است و بر نامه حکومت برای حدودده ماه به‌خوبی به‌موقع اجرا درآمد. رژیم حاکم امام(ره) را تحت‌نظر و دور از مردم نگهداشت، اما چنین وانمود کرد که آزادی از ایشان سلب نشده است و با اینکه پاره‌ای از اعلامیه‌ها واقعیت موضوع را بازگو کردند، این افشاجاری در حدی نبود که بتواند توطئه حکومت را از اثر ببندازد و مبارزه را همچنان گرم و در اوج نگهدارد، خصوصاً بعد از آنکه رژیم علمای مهاجر را مجبور ساخت که به محل اقامت‌شان بازگردند. والبته به قولی هم که به آنها در مورد آزادی مطلق امام(ره) داده بود، عمل نکرد.

حافظه

اولین مقصد: بندر کالیکوت

نقش نیروی دریایی پرتغال در گسترش استعمار

آن را اداره می‌کردند، اقتصاد و صنعتی شکوفا داشت. شکوفایی کالیکوت مدیون تجار مسلمان بود که از نخستین سده‌های هجری در آن مستقر شدند و تا زمان ورود پرتغالی‌ها، در یک دوران طولانی، آن را به یکی از مراکز مهم تجاری جهان آن روز، بدل ساختند.

کالیکوت در آن دوران یکی از اصلی‌ترین بازارهای فلفل، زنجبیل، دارچین و هل بود و تاجران عربی، چینی، مالایی و بعدها اروپایی به آن رفت‌وآمد داشتند. این

شهر بخشی از مسیرهای تجاری اقیانوس هند بود که هند را به خاورمیانه، آفریقا و جنوب شرق آسیا متصل می‌کرد.

واسکو داگاما، تصادفی کالیکوت را به‌عنوان مقصد سفر دورودر از خویش برگزید. این

منطقه، نقطه‌ای بود که پرتغالی‌ها از پیش آن را شناسایی کرده بودند. قریب به دوازده سال پیش، به سال ۱۴۸۶ میلادی، یک مسافریا جاسوس پرتغالی به‌نام «پدرو دا کواهام» به کالیکوت سفر کرده و در بازگشت آوازه ثروت و شوکت آن را به گوش کانون‌های سیاسی و مالی پرتغال رسانیده بود. این نخستین سفریک اروپایی به هند است و از این‌رو، کالیکوت را اولین نقطه از هند می‌دانند که یک اروپایی به آن گام نهاده است.



بازخوانی منطق حرکت انقلاب اسلامی در آموزه‌های امامین انقلاب اسلامی-۳

آورده‌های کاربست عقلانیت و مصلحت



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

در بازخوانی منطق حرکت انقلاب اسلامی در آموزه‌های امامین انقلاب اسلامی به نقش تعیین‌کننده دو مؤلفه عقلانیت و مصلحت در ساحت تصمیم‌گیری در شمارگان گذشته اشاره شد. تصمیم‌گیری در مدار عقلانیت و توجه به مصلحت و میانه‌روی در اقدام و حرکت، آورده‌هایی دارد که در حکمرانی و فعالیت سیاسی می‌توان محصول آن را چید. در این مطلب به چهار دستاورد حرکت عقلانی و مبتنی بر مصلحت‌سنجی درست می‌پردازیم.

۱

باور به تحقق گام به گام و تدریجی آرمان‌ها

تحقق آرمان‌ها اقدامی دفعی نیست که به یکباره حاصل آید، بلکه فرآیندی تدریجی و گام‌به‌گام است که تحقق آن نیازمند برنامه‌ریزی طولانی مدتی است که باید با صبر و حوصله انقلابی و تدبیر و برنامه‌ریزی همراه باشد. تعجیل و شتابزدگی در تحقق آرمان‌ها نه تنها کمکی به باز یگران سیاسی نمی‌کند، بلکه معمولاً نتیجه عکس داده و زمینه‌های سرخوردگی و واگرایی از سیاست را فراهم خواهد کرد. برنامه‌ریزی در این عرصه نیز نیازمند تدبیر نخبگان ذی صلاح است. باید در این مسیر معضلات و مشکلات با نگاه دقیق و کارشناسی شناخته شود و با توجه به ظرفیت‌ها و سرمایه‌های موجود، گام‌به‌گام دستیابی به اهداف طرح‌ریزی شود! تعیین اولویت‌ها و لحاظ مصالح کشور و ملت نیز ضرورتی است که در برنامه‌ریزی باید به آن توجه کرد. ضمن آنکه نباید فراموش کرد که در رأس نظام سیاسی و مدیریت حرکت انقلاب در مسیر دستیابی به آرمان‌ها، حکیم فرزانه‌ای قرار دارد که باید سخنان آن را به گوش جان سپرد و فصل‌خطایی او را پذیرفت.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۳۹

ورق برگشت!

چیز، به رهبری حکیمانه و قاطع امام المسلمین حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)باز می‌گردد؛ رهبری که در همان ساعات نخست، پیام مقتدرانه‌ای صادر کرد که نه‌تنها خبری از مرثیه و اندوه در آن نبود، بلکه لبریز از اراده و وعده پاسخ سخت بودو پاسخ موشکی ظرف کمتر از ۲۴ ساعت عملیاتی شد.

مقایسه این حادثه با نمونه‌های مشابه در منطقه، اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند. در عراق زمان صدام و سال گذشته در سوریه در آستانه فروپاشی، نیروهای امنیتی و نظامی با چند پیامک تهدید و تطمیع، با فرار کردند یا زمینه سقوط شهرها را فراهم آوردند. در عراق، ارتش صدام ظرف سه هفته فروپاشید و در سوریه، شهری مانند حلب بدون شلیک حتی یک گلوله به‌دست مخالفان افتاد. اما در ایران هیچ‌یک از این سناریوها موفق نشد. اگر هم دشمن موفق به ترور شد، اما به‌وضوح ناکام در نفوذ و انشقاق بود. رهبری مقتدرانه امام خامنه‌ای، شناخت دقیق ایشان از جامعه ایران و دشمن، و همچنین ریشه‌دار بودن فرهنگ مقاومت در تاریخ ملت ایران، سه‌ضلعی قدرتمندی را تشکیل داده که در برابر بزرگ‌ترین طوفان‌ها هم تاب آورده است: «ایران باعظمت، ایران با این تاریخ، ایران با این فرهنگ، ایران با این عزم پولادین ملی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه استهزاء کسانی است که ملت ایران را می‌شناسند.» (۱۴۰۴/۴/۵)

کرده، آخرش هم به نتیجه نرسید، خب احساس خسارت نمی‌کند؛ او کار خودش را انجام داده. بنابراین، اینکه تصور کنیم تکلیف‌گرایی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه‌درستی نیست.»

این سخنان آن‌قدر دقیق و صریح است که دیگر جای هیچ توضیحی را برای فهم‌نمی‌گذارد و اذهان مشتاقی که خواهان فهم و درک مسئله‌اند را به حقیقت راهنمایی می‌کندو منطق و استدلال مدعیان تکلیف‌گرایی بی‌توجه به نتیجه و اهداف را نفی می‌کند. جالب آن است که مدعیان چنین قرآنی از تکلیف‌گرایی، معمولاً آن‌چنان خود را در هاله‌ای از تقدسات می‌بینند که مخالفان را به سادگی متهم به وادادگی و منفعت‌گرایی کرده و خود را مصداق حقیقی آرمان‌گرایی و انقلابی‌گری معرفی می‌کنند.

۳

پرهیز از تنگ‌نظری و انحصارگرایی

یکی دیگر از تهدیدات پیش روی فعالان سیاسی آن است که تنها خود را انقلابی ببینند و لاغیر! این خطا برآمده از نگاهی مطلق‌انگارانه است که همه چیز را صفر و یکی دیده و حد میانه‌ای برای آن قائل نیست. تنگ‌نظری از نگاه‌های قطعیت‌گرا و حق به جانب برمی‌خیزد و آنهایی که خود را «همه‌چیزدان» می‌دانند! این خصوصیت را می‌توان در کلید واژه «جهالت» خلاصه کرد و گر نه آنچه با علم همراه و همسفر است، تواضع و فروتنی است. انقلابی‌گری اگر در معرض آفت جهالت قرار گیرد و به سبب آن تنگ‌نظری و انحصارگرایی در خلق خوئی آن نمایان شود، در جهل مرکبی قرار گرفته‌که نجاتی برای آن نمی‌توان تصور کرد.

حاصل این نگاه انحصارگرا تنگ دیدن دایره انقلابیون و خارج کردن بسیاری از افراد از این دایره است. و این خطری است که امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) نسبت به آن چنین انداز می‌دهند: «هرکسی را به صیرف اینکه با فکر شما به‌طور کامل انطباق ندارد متهم به انقلابی نبودن نکنید. ممکن است کسی صددرصد با

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۴

رعایت شرع مقدس اسلام

هدف باشد. نمی‌توان با استفاده از ابزارهای حرام، به اهداف اسلامی رسید.

یکی از نشانه‌های تفکر غیرانقلابی، آن است که حاضر می‌شود از خطوط قرمز دین عبور کند تا به ظاهر مقبولیت اجتماعی یا توسعه اقتصادی یا قدرت سیاسی برسد. در چنین تفکری، التزام به دین به امری ثانویه و ابزارگونه تبدیل می‌شود. این در حالی است که در تفکر انقلابی، دین نه ابزار، بلکه هدف و مسیر است. یعنی حتی اگر دستیابی به برخی منافع مادی و دنیوی، از مسیر التزام کامل به شرع سخت‌تر و پرهزینه‌تر باشد، انسان انقلابی این راه دشوار را برمی‌گزیند؛ چراکه به وعده الهی برای پیروزی انقلابیون مؤمن ایمان دارد.

در نظام اسلامی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و دیگر عرصه‌ها باید در خدمت دین قرار گیرند، نه برعکس. اگر روزی مشاهده‌شود که دستگاهی برای دستیابی به برخی اهداف خود، به‌جای تکیه بر شرع، بر عرف‌های سکولار، محاسبات فقط مادی یا بازی‌های سیاسی متعارف در نظام‌های غیردینی تکیه کند، این دستگاه، گرچه ممکن است خود را انقلابی بنامد، در حقیقت از روح انقلاب اسلامی فاصله گرفته است. بنابراین، رعایت شرع یکی از ارکان هویت‌بخش آن است. انقلابی‌گری اگر از شریعت فاصله بگیرد، در واقع پوسته‌ای از حرکت و جوشش خواهد بود که از درون تهی و بی‌هویت است. تنها با التزام به شریعت است که حرکت انقلابی، تضمین دوام، قوام و مشروعیت خود را می‌یابد و می‌تواند الگوی تحول‌خواهی مؤمنانه را در دنیای امروز به نمایش بگذارد.

فکر شما منطبق نباشد، یک اختلافاتی داشته باشد، پنجاه درصد مثلاً منطبق باشد اما انقلابی باشد؛ انقلابی بودن بالاخره معیارهایی دارد، این معیارها در او ممکن است وجود داشته باشد؛ فوراً آدم‌ها را متهم به ضدانقلاب یا غیرانقلابی نباید کرد... انقلابی‌گری هم مثل ایمان است و مراتبی دارد؛ مرتبه‌ای اول، مرتبه دوم، مرتبه سوم؛ بله، بعضی از مراتبش بالاتر است و بهتر است، بعضی مراتبش پایین‌تر است. اما همه مؤمنند.»

۴

پرهیز از سطحی‌نگری و شعارزدگی

روحیه انقلابی‌گری اگر با علم و بصیرت همراه نباشد، به ابزار خطرناکی تبدیل خواهد شد که روح و گوهر انقلابی‌گری را مسخ و استحاله خواهد کرد. جریان‌های سیاسی باید آگاه به زمان بوده و با دانایی و تدبیر به مواجهه با مسائل رفته و اهداف انقلابی را دنبال کنند. بدون عقلانیت و بصیرت، توان و شور و انسرژی انقلابی‌گری نه در مسیر اصلاح که در مسیر تخریب جامعه قرار خواهد گرفته و حاصل آن سطحی‌نگری و شعارزدگی خواهد بود. به همین خاطر است که رهبری به جوانان انقلابی هشدار می‌دهند که «این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابی باارزش در جای خود مصرف شود (نابجا مصرف نشود) این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد.»

البته شعارها عناصری کلیدی در هویت‌بخشی و گفتمان‌سازی هستند و مکاتب و اندیشه‌ها در عرصه بسط و گسترش خود بدان نیازمندند. بازیگران سیاسی نیز برای فراگیر کردن اهداف و آرمان‌های خود نیازمند خلق و تولید شعار هستند، اما این بدان معنا نیست که تنها در سطح شعارها بمانند و از تحقق عملی آن و از فهم لایه‌های پیدا و پنهان امور غافل شوند. آنها همچنان نباید تنها ظواهر را در خود پیروانند و در باطن از خودسازی انقلابی برخوردار نباشند! چنین مدعیانی در بزنگاه‌های ابتلائات و امتحانات واداده و صحنه را خالی خواهند کرد.

۱۱

خرد

شماره ۱۱۹۶ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴

مسابقات

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۴۸

ماندن در نجف

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه اسلامی

«شهید صدر» برای ایجاد هماهنگی بین خود و امام خمینی(ره)، محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین شاگردش، یعنی مرحوم «آیت‌الله هاشمی شاهرودی» را تعیین کرد و به ایران فرستاد. اگر چه شهید صدر تأکید داشت که این کار به شکل سری انجام شود. اما این مخفی‌کاری مدت زیادی دوام نیاورد. در این میان، صدور تلگراف امام(ره) مبنی بر خارج نشدن شهید صدر از نجف و عراق، عامل سلسله تحولاتی شد و بازتاب‌هایی در میان مردم عراق داشت که زمینه‌های نگرانی شهید صدر از شناسایی طرفداران انقلاب و دست‌دارانش را فراهم کرد.

البته برخی از مطلعین و شاگردان شهید صدر معتقدند، اساس خبر ترک عراق از سوی شهید صدر را شایعه‌ای می‌دانند که آخرالامر هم معلوم نشد که منشأ آن چه کسی و از کجا بوده است! و ظاهراً همین شایعات امام(ره) را نگران کرده و تلگرافی فرستاده بودند مبنی بر اینکه آقای صدر از عراق خارج نشود. تلگراف پیش از آنکه به‌دست شهید صدر برسد، به‌دست رژیم بعث افتاد. خود شهید صدر از طریق رادیوی عربی تهران از متن این تلگراف مطلع شده بود.

آقای صدر بعد از این جریان به‌منظور فهم و سوال از نظر امام(ره) پیرامون عدم ترک نجف تلاش‌هایی را هم انجام می‌دهند که موفق نمی‌شوند و در مجموع سید تازمان شهادت‌شان از علل و انگیزه‌های ارسال این تلگراف آگاه نشد. اما انعکاس پخش خبر تلگراف امام(ره) به این شکل بود که مردم، به‌خصوص جوان‌ها و روشنفکران، پی‌درپی از اکثر شهرهای عراق، راهی نجف می‌شدند و ضمن دیدار با شهید صدر، از ایشان می‌خواستند که عراق را ترک نکند. آقای صدر از صبح تا شب، به‌رغم خستگی با هیئت‌های مختلفی از مردم و مقامات ملاقات می‌کرد و آنها را با نهایت خوشرویی به حضور می‌پذیرفت.

این هیئت‌ها چند ویژگی مهم داشتند که همین‌ها رژیم بعث را به‌شدت به هراس انداخت. یکی اینکه اولاً ترکیب جمعیتی اینها بسیار فراگیر بود و از تمام طبقات جامعه اعم از پیر، جوان، زن، مرد، پزشک، مهندس، دانشجو، بازاری و امثالهم در صفوف واحدی برای بیعت با شهید صدر می‌آمدند. مسئله دوم کثرت جمعیت این هیئت‌ها بود. به‌طوری‌که به‌بازار العماره و کوچه‌های نزدیک به بیت شهید صدر گنجایش این همه جمعیت را نداشت؛ به‌گونه‌ای که برخی از شاهدان و شاگردان شهید صدر به جرئت ادعا کرده‌اند که شهر نجف پس از تشییع پیکر آیت‌الله حکیم، هرگز جمعیتی این چنینی به‌خود ندیده بسود. نکته دیگر این‌که تعدادی از برادران اهل سنت در این هیئت‌ها دیده می‌شدند و این پدیده بی‌نظیری بود. علاوه بر اینها زنان عراقی هم در این هیئت‌ها به شکلی فعال حضورداشتند.

چند روز بعد از این رویداد، شهید صدر به این نتیجه رسید که این مقدار تحرکات مردمی برای تحقق هدف مورد نظر، در این مقطع کفایت می‌کند و لذا از برخی از نمایندگان و دوستداران خود خواست به مردم اطلاع بدهند که عزیمت هیئت‌ها و گروه‌های بیعت‌کننده کافی است و دیگر ضرورتی برای این کار نیست، زیرا رژیم بعث، اعضای هیئت‌ها را شناسایی و از آنها عکسبرداری و اسامی آنها را در پست‌های بازرسی ثبت و ضبط می‌کرد و همه اینها مقدمه‌ای برای بازداشت آنها در آینده بود.

نکته گرام

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران اسلامی؛

مردم و سرزمین ما در مواجهه با جنگ تحمیلی «تتائهاو»، به وحدت و انسجام بیشتری دست یافتند. ایران یک تمدن است و مردم ایران ممکن است در برخی مسائل اختلاف نظرهایی داشته باشند، اما هر ایرانی در هر نقطه‌ای از جهان، قدر تمامیت ارضی کشورش را می داند و از آن دفاع می کند.

علی اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری؛

تناقض های آشکار در رفتار و گفتار «ترامپ» به حدی رسیده که بسیاری از مردم آمریکا اعتماد خود را به رئیس جمهورشان از دست داده اند.

مهدی فضائلی، عضو دفتر رهبر معظم

انقلاب: تضعیف سیاست های کلی نظام و سهم خواهی گروهی از یکسو، و توهین به رئیس جمهور محترم از سوی دیگر، تهدید یکی از مهم ترین عوامل پیروزی، یعنی انسجام ملی است.

عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری

تهران: رئیس جمهور اسلامی ایران در پاسخ به مجری آمریکایی درباره کمک دیگر کشورها به ایران در صورت ادامه جنگ: «ما فقط به خدا توکل و تکیه می کنیم» توحید عملی در ابعاد یک ملت بزرگ، یعنی این.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری

اسلامی ایران: تتائهاو که آغازگر جنگ علیه ایران بود، خیلی زود مجبور شد از ترامپ برای نجات خود در خواست کمک کند. آمریکا نشان داد که می تواند به جنگ پایان دهد. اما آیا می تواند صلح هم برقرار کند؟

رحیم پورازغدی، عضو شورای عالی انقلاب

فرهنگی: پس از شکست پروژه ۷ تریلیون دلاری آمریکا در دهه گذشته و ترور فرمانده عزیز سپاه قدس در عراق، اولویت دشمن فتح مجدد عراق چسبیده به ایران بوده است. پروژه چهارضلعی آمریکا، صهیونیزم، تکفیری ها و بعضی رژیم های منطقه، قبلا در عراق شکست سنگینی از ما و عراقی ها خورد اما پس از سوریه، شاید دوباره آزمایش کنند و خدای را چه دیدی؟ بسا که زمینه و زمانه برای حرکت زمینی به سوی قدس مهیا شود.

مهدی محمدی، مشاور رئیس قوه مقننه؛ در

زمانه ای که معلوم نیست جنگ بعدی چه زمانی آغاز می شود، مادام که مسئولی در خط رهبری قرار دارد، حفظ وحدت و انسجام، بر هر مناقشه سیاسی مقدم است. این مهم ترین درس جنگ برای ماست.

ضرغامی، وزیر سابق میراث فرهنگی،

گردشگری؛ توصیه های ملی و میهن دوستانه رهبر انقلاب امر جدیدی نیست. در دهه ی ۸۰ از ایشان پرسیدم که آیا می توانیم از سرود ملی «ایران سرز پرگهر» ویدیو کلیپ های حماسی بسازیم؟ فرمودند: خیلی هم خوب است.

محمد صرغی، فعال رسانه؛ دنیا پر از اتفاقات ریز و درشت مضحک است اما آنچه رخ داد چیزی فراتر از مضحک است؛ «تتائهاو نامه ای را به رییس جمهور آمریکا داد که در آن از کمیته صلح نوبل خواسته تا ترامپ را نامزد جایزه کند.» می توان گفت دنیا در حال گذراندن یکی از شرم آورترین دوران خود است.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه؛

تاریخ نگاران خواهند نوشت: «معمر ۱۴۰۴ تبلور توسلی زیبا به حمله ای ۱۴۰۰ ساله برای پاسداری از حرم ایران شد»؛ و آیندگان خواهند خواند: «شب عاشورای ۱۴۰۴ نقطه جوش یگانگی ایران و اسلام علوی شد، وقتی فرزند علی (ع) از مداح خواست: ای ایران بخوان»

محمد مهدی زاهدی

رئیس انجمن هوش مصنوعی ایران

بررسی تحولات اخیر منطقه و جنگ ۱۲ روزه اخیر نشان داده است که رقابت آینده کشورها نه بر پایه نیروی انسانی یا سلاح های سنتی، بلکه بر محور فناوری های هوشمند خواهد بود. کشورهایی مانند ترکیه، امارات و عربستان سعودی با سرمایه گذاری های کلان در این حوزه ها و بهره گیری از همکاری های بین المللی، مسیر خود را به سوی قدرت فناوریانه منطقه ای هموار کرده اند. در این وضعیت، ایران نیز باید با تکیه بر ظرفیت علمی داخلی و برنامه ریزی راهبردی، مانع از ایجاد شکاف فناوریانه در سطح منطقه ای و جهانی شود.

در این میان، تعامل هدفمند با کشور های همسو برای انتقال فناوری های حساس و راهبردی نیز یک ضرورت استراتژیک محسوب می شود. چنین همکاری هایی، علاوه بر سرعت بخشی به فرآیند بومی سازی، می تواند موجب ارتقای زیرساخت های فناوریانه کشور شود.

ایران با در اختیار داشتن نیروی انسانی متخصص، زیرساخت های علمی مناسب و اراده ملی، این توان را دارد که در افق چند ساله، به یکی از قدرت های فناوریانه در سطح منطقه و حتی جهان تبدیل شود. اما تحقق این هدف نیازمند نهادسازی، تخصیص بودجه، سیاست گذاری هوشمندانه و تقویت پیوند میان دانشگاه و صنعت دفاعی است.

با رشد روزافزون فناوری های نوین و هوشمند در حوزه دفاعی، نیاز به باز طراحی ساختار های علمی، تحقیقاتی و صنعتی کشور بیش از پیش احساس می شود. در همین راستا، متخصصان و پژوهشگران حوزه دفاعی بر ضرورت اتخاذ رویکردهای فناوریانه برای ارتقای قدرت ملی تأکید دارند.

دانشگاه به میدان می آید

مروری بر اهمیت هوش مصنوعی و فناوری های راهبردی؛ محور آینده دفاعی کشور



دفاعی کشور خواهد داشت.

در عرصه جنگ الکترونیک نیز تأکید بر تقویت اخلاکگر های الکترونیکی به منظور مقابله با تجهیزات و تسلیحات دشمن، از جمله راهبردهای مهم تلقی می شود. هم زمان با توسعه ابزار های تهاجمی، طراحی و پیاده سازی شبکه های ارتباطی امن مبتنی بر رمزنگاری کوانتومی، گامی حیاتی برای حفاظت از زیرساخت های ارتباطی محسوب می شود. این فناوری می تواند در برابر تهدیدات پیچیده و حملات سایبری دشمنان، مقاومت و پایداری سیستم های ارتباطی کشور را افزایش دهد.

در حوزه جنگ نرم و شناختی نیز ضرورت هایی مطرح است. راه اندازی مراکز رصد هوشمند برای شناسایی و مقابله با کمپین های جعلی، بخشی از

یکی از نیاز های فوری کشور، طراحی فناوری های پیشرفته برای فرماندهی دفاعی و ایجاد صندوق سرمایه گذاری ملی ویژه فناوری های راهبردی است؛ صندوقی که بتواند از ایده ها، طرح ها و محصولات دانش بنیان در حوزه امنیت و دفاع حمایت مالی و زیرساختی به عمل آورد.

در کنار این موضوع، استفاده گسترده از هوش مصنوعی در کلیه تجهیزات نظامی، به ویژه در تولید انبوه پهپادهای خودمختار، سامانه های پدافندی هوشمند و ربات های زمینی، از اولویت های اصلی حوزه دفاعی محسوب می شود. همچنین ارتقای فناوری های به کار رفته در پهپادها، شهپادها (شناورهای هدايت پذير از راه دور) و ديگر تجهيزات بدون سرنشين، تأثير مستقيم بر کارآمدی عملیاتی نیروهای

گزارش

توهم امنیت اطلاعات!

نگاهی بر ضرورت بومی سازی سیستم عامل های تلفن همراه

داده ها یک توهم است

بیشتر کاربران تلفن های همراه در ایران از سیستم عامل های خارجی مانند اندروید و iOS استفاده می کنند. این پلنفرم ها که به طور عمده تحت مالکیت شرکت های غربی هستند، با دسترسی گسترده ای که به اطلاعات کاربران دارند، و همان طور که در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی به کشورمان دیدیم می توانند به منزله ابزارهایی برای جمع آوری داده های حیاتی مورد سوء استفاده قرار گیرند.

حتی در فرضی غیرواقع گراییه که هیچ گونه فیلترشکنی در کشور فعال نباشد و تمامی کاربران تنها از پلنفرم های مجاز داخلی استفاده کنند، باز هم داده های آنان از طریق زیرساخت سیستم عامل خارجی قابل استخراج و تجزیه و تحلیل است. بسیاری از کارشناسان داخلی و حتی متخصصان غربی بارها نسبت به ماهیت جمع آوری اطلاعات توسط پیام رسان هایی همچون واتساپ هشدار

پژواک

بیت چت

پیام رسان بدون اینترنت



بنیان گذار توییتر به تازگی یک اپ پیام رسان به نام «بیت چت» ارائه کرده که به طور کامل در شبکه های بلوتوث فعالیت می کند. بیت چت نیازی به وای فای یا اینترنت موبایل ندارد. این ابزار طوری طراحی شده تا حتی وقتی که شبکه اینترنت وجود ندارد، کار کند. پیام ها فقط روی دستگاه ذخیره می شوند و بدون اتصال به زیرساخت متمرکز به طور پیش فرض ناپدید می شوند. «جک دورسی» این پروژه را یک تجربه شخصی در زمینه شبکه های مش بلوتوث (Bluetooth mesh networks) و مدل های رمزنگاری دانست.

کرد، بلکه به الگویی برای دیگر کشورهایی تبدیل شد که خواهان استقلال دیجیتال اند. ایران نیز با بهره گیری از ظرفیت های علمی و فنی موجود، می تواند گام های مشابهی بردارد.

بومی سازی سیستم عامل های تلفن همراه تنها یک راهکار فنی نیست؛ بلکه گامی راهبردی برای تقویت امنیت ملی، حفظ داده های کاربران و کاهش وابستگی به قدرت های خارجی است. دولت، نهادهای سیاست گذار و بخش خصوصی باید با ایجاد قوانین حمایتی، تأمین بودجه های تحقیقاتی و فراهم سازی زیرساخت های لازم، از پروژه های بومی در این حوزه پشتیبانی کنند. وجود سیستم عامل های خارجی نباید بهانه ای برای تسلیم باشد، بلکه باید انگیزه ای برای توسعه سیستم عامل بومی و تقویت زیرساخت های ملی شود. آینده فناوری کشور در گرو تصمیمات امروز ماست؛ تصمیماتی که می توانند ایران را به استقلال واقعی در حوزه دیجیتال برسانند.

خبر خوب

پیشرفت دانش بنیان ها

۲۰ همت برای اوراق توسعه فناوری



در چارچوب بسته حمایتی تدوین شده برای شرکت های دانش بنیان، رقمی در حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان (۲۰ همت) برای انتشار اوراق توسعه فناوری در نظر گرفته شده است. این بسته با هدف کاهش فشارهای ناشی از وضعیت اقتصادی و اختلال در زنجیره تأمین، هم اکنون در حال اجراست.

«حامد رفیعی»، رئیس مرکز تأمین مالی و توسعه سرمایه گذاری در این باره گفت: «بر اساس همین الگو، طرحی تحت عنوان «اوراق توسعه فناوری» طراحی و با همکاری بانک های منتخب در حال اجراست.

یادداشت

سینمای ایران بیدار می‌شود؟

مهدی امیدی

خبرنگار

مقاومت ملت‌ها همیشه نقاط عطف تاریخ بوده است؛ نه فقط برای میدان نبرد و سرنوشت سیاسی، که برای فرهنگ و هنرشان نیز. رخدادهای اخیر و سایه جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی، بار دیگر این واقعیت را به ما گوشزد می‌کند که سینمای ایران، این هنر اثرگذار و پر مخاطب، نیازمند بیداری از خواب غفلت و روی آوردن به واقعیت‌های ملموس زندگی مردم و تحولات ملی است.

سینمای ما، در سال‌های اخیر، هرچند دستاوردهایی داشته و موفقیت‌هایی را تجربه کرده است و فیلم‌های خوب و قابل توجه هم دیده‌ایم، اما بیشتر درگیر موضوعات کلیشه‌ای، کم‌دلی‌های فقط گیشه‌ای، درام‌های خانوادگی و اجتماعی تکراری با آثاری شده که فاصله زیادی با نبض جامعه و دغدغه‌های کلان ملی دارند. در روزگاری که مردم ما از پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی گرفته تا مسائل اقتصادی و امنیتی، هر روز با چالش‌های جدیدی روبه‌رو هستند، سینما نمی‌تواند و نباید همچون جزیره‌ای جدا افتاده، به حیات خود ادامه دهد.

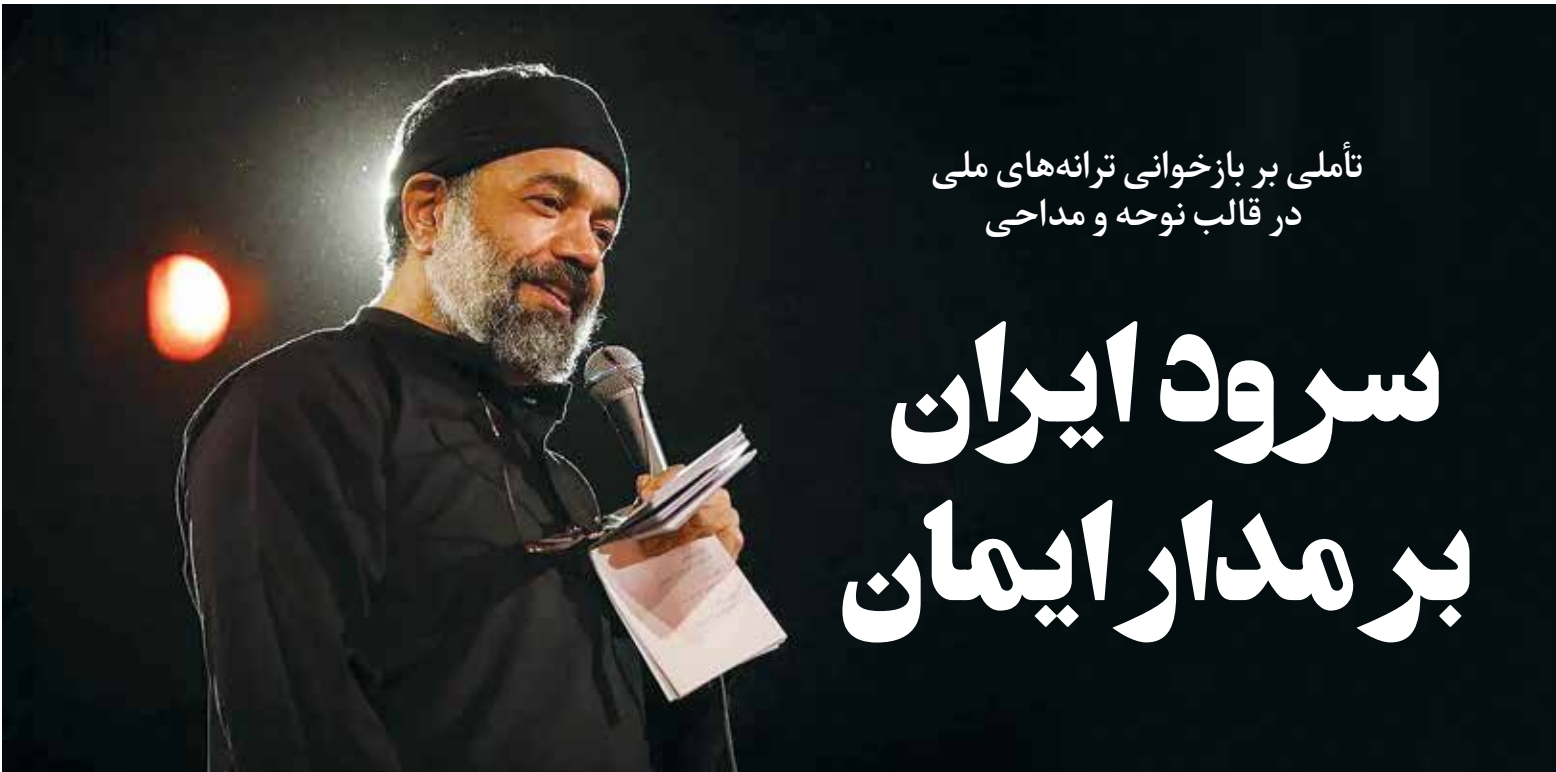
مگر نه اینکه سینما، این‌ه تمام‌نمای جامعه است؟ مگر نه اینکه رسالت هنر، بازتاب واقعیت‌ها، آگاهی‌بخشی و گاهی اوقات پیش‌بینی آینده است؟ جنگ اخیر و مقاومت و همبستگی کم‌نظیر مردم در آن، تنها یکی از بزنگاه‌های تاریخی است که سینمای ما باید به آن بپردازد. این اتفاقات، سرشار از لحظات دراماتیک، قهرمانی‌ها، فداکاری‌ها، ترس‌ها، امیدها و تجربه‌های انسانی عینی هستند که هر کدام می‌توانند دستمایه ساخت ده‌ها اثر فاخر سینمایی شوند.

فقط کافی است نگاهی به سینمای کشورهای دیگر بیندازیم؛ سینمایی که در بحبوحه بحران‌ها و جنگ‌ها، چگونه به خلق آثاری می‌پردازد که نه‌تنها تاریخ را ثبت می‌کنند، بلکه به هویت ملی جان می‌بخشند و روحیه مقاومت را در مردم زنده نگه می‌دارند. آیا سینمای ما نباید از این تجربیات درس بگیرد؟

باید اعتراف کرد که خلاء حضور پررنگ موضوعات ملی و مردمی در سینمای امروز ما احساس می‌شود. سینمای ما به‌شدت نیازمند فیلمنامه‌هایی قوی و فیلمسازانی است که از پرداختن به این موضوعات هراس نداشته باشند. نیاز است که تهیه‌کنندگان و متولیان فرهنگی نیز با حمایت قاطع از چنین پروژه‌هایی، راه را برای این تحول باز کنند. این به‌معنای حرکت به‌سمت سینمای شعاری نیست، بلکه خلق آثاری عمیق، هنرمندانه و در عین حال متعهد به ارزش‌های ملی و مردمی است.

سینما می‌تواند روایتگر داستان‌های سربازانی باشد که از مرزها دفاع می‌کنند، داستان خانواده‌هایی که دل‌پایس عزیزانشان هستند، داستان کودکانی که در سایه این تحولات رشد می‌کنند و روایت مردمی که با تمام وجود، پای آرمان‌هایشان ایستاده‌اند. اینها فقط وقایع نیستند، بلکه تکه‌هایی از هویت جمعی ما هستند که باید در قاب سینما جاودانه شوند.

بیداری سینما به‌معنای بازگشت به سینمای متعهد و مسئولیت‌پذیر است؛ سینمایی که نه‌تنها سرگرم‌کننده باشد، بلکه اندیشه‌برانگیز، الهام‌بخش و وحدت‌آفرین نیز عمل کند. این وظیفه خطیر بر دوش اهالی سینماست که با نگاهی عمیق‌تر به تحولات اطراف خود، از این فرصت تاریخی برای ارتقاء سطح کیفی و محتوایی سینمای ایران بهره ببرند و آثاری خلق کنند که برای نسل‌های آینده نیز یادآور هویت، مقاومت و شکوه این مرزوبوم باشد. سینمای ملی، از امروز باید آغاز شود.



تأملی بر بازخوانی ترانه‌های ملی در قالب نوحه و مداحی

سرود ایران بر مدار ایمان

آر ش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



ایران، در جنگ ۱۲ روزه مقابل رژیم صهیونیستی، علاوه بر فتوحات نظامی و دفاعی، به پیروزی‌های فرهنگی و اجتماعی هم رسید. یکی از این فرازا، دمیده شدن خون تازه در رگ تولیدات موسیقایی و نواهای آئینی است. بعد از خوانندگانی چون «محسن چاوشی» که در گرماگرم حملات رژیم صهیونیستی پای کارآمدند و همچون یک سرباز، توان و هنر خود را تقدیم وطن کردند، شاهد یک تحول هم در عرصه مداحی هستیم؛ برخی مداحان، به‌ویژه «محمود کریمی»، به بازخوانی و اجرای سرودها و آهنگ‌های ملی در قالب نوحه و مداحی پرداختند. نمونه‌های شاخص، بازخوانی ترانه «ای ایران» و سرود «ایران‌ای سرای امید» است.

حب وطن نشانه ایمان

یکی از اتفاقات مهم در شب عاشورای ۱۴۰۴، اجرای ترانه «ای ایران» توسط محمود کریمی و در حضور رهبر معظم انقلاب بود. این ترانه، که پیش‌تر با صدای «محمد نوری» خوانده شده بود به یکی از نمادهای میهن‌دوستی در عرصه موسیقی تبدیل شده بود و این بار با لحنی مذهبی و در قالب نوحه بازخوانی شد. همچنین، در محرم امسال خواندن سرود «ایران‌ای سرای امید» در قالب نوحه است؛ سرودی که از آثار ماندگار «محمدرضا لطفی» در ایام پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ است و خوانندگانی مانند «محمدرضا شجریان» و «محمد معتمدی» آن را خوانده بودند. این اقدام، در نگاه اول ممکن است برای برخی غیر معمول یا حتی ناهمگون به‌نظر برسد؛ چراکه مداحی عمدتاً به بیان مصائب اهل بیت(ع) و مضامین دینی اختصاص دارد، در حالی که سرودهای ملی ماهیتی میهنی و فارغ از بُعد مذهبی دارند. اما با دقت بیشتر، می‌توان

دریافت که این پیوند نه‌تنها تصادفی نیست، بلکه اولاً در فرهنگ ما عشق و علاقه به وطن، بخشی از مرام دینی و مذهبی محسوب می‌شود و دوم، این اتفاق از ظرفیت‌های عمیقی برای ایجاد همگرایی و تقویت هویت جمعی برخوردار است.

ریشه‌های تاریخی

تاریخ ایران همواره شاهد پیوندی ناگسستنی میان باورهای دینی و میهن‌دوستی بوده است. از دوران باستان تا دوره اسلامی، هویت ایرانیان بیشتر در بستری از ارزش‌های دینی و معنوی تعریف شده است. شیعه‌گری، به‌ویژه در دوران صفویه، نقش محوری در شکل‌گیری هویت ملی ایرانی ایفا کرد و به‌تدریج مرزهای جغرافیایی و مذهبی با یکدیگر درآمیختند. در طول تاریخ معاصر نیز، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی متعددی با الهام از باورهای دینی و با هدف پاسداری از تمامیت ارضی و استقلال کشور شکل گرفته‌اند. دفاع مقدس نمونه بارزی است که در آن، ایمان مذهبی و وطن‌دوستی به‌طور عمیقی در هم تنیده و به عامل اصلی مقاومت و پیروزی تبدیل شدند. دفاع مقدس ۱۲ روزه سال ۱۴۰۴ هم هنگامه اوج‌گیری دوباره وطن‌دوستی بین قاطبه ایرانیان بود که در ایام محرم و عاشورای حسینی هم استمرار یافت. در این بستر تاریخی، مداحی نیز از یک سنت صرفاً مذهبی فراتر رفته و در مواقعی به ابزاری برای بیان عواطف ملی و حماسی تبدیل شده است. بسیاری از اشعار مداحی، علاوه بر مضامین عاشورایی، به مفاهیم ایثار، شهادت، و دفاع از میهن نیز می‌پردازند. بنابراین، بازخوانی سرودهای ملی در قالب مداحی، نه یک بدعت، بلکه ادامه مسیری است که ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و تاریخ ایران دارد.

تقویت روحیه ملی و همبستگی اجتماعی

در وضعیت کنونی، که کشور با چالش‌ها و تهدیدهای خارجی مواجه است، تقویت روحیه ملی و ایجاد همبستگی اجتماعی بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. هنر، به‌منزله ابزاری قدرتمند برای انتقال پیام و ایجاد همدلی، می‌تواند

نقش محوری در این زمینه ایفا کند. بازخوانی سرودهای میهنی در قالب مداحی، به چند دلیل می‌تواند به تقویت این روحیه کمک کند؛ دسترسی به مخاطب گسترده‌تر؛ مداحی، به‌دلیل گستردگی و نفوذ خود در میان اقشار گوناگون جامعه، به‌ویژه در مجالس مذهبی، می‌تواند پیام‌های میهنی را به طیف وسیع‌تری از مخاطبان منتقل کند. بسیاری از افرادی که شاید به کنسرت‌های موسیقی ملی نروند، در مراسم مذهبی حضور پیدا می‌کنند و از این طریق با این مفاهیم درگیر می‌شوند.

ایجاد حس مشترک و خاطره‌انگیز؛ سرودهایی مانند «ای ایران» و «ایران‌ای سرای امید» برای بسیاری از ایرانیان، با خاطرات و احساسات عمیق ملی گره خورده‌اند. شنیدن این سرودها در فضایی مذهبی، می‌تواند حس نوستالژی و تعلق خاطر به میهن را در شنوندگان تقویت کند و احساسات مشترکی از هویت ملی را برانگیزد.

پیوند عمیق‌تر عاطفی؛ اجرای این سرودها با لحن و شیوه مداحی، که معمولاً با احساسات عمیق و تأثر همراه است، می‌تواند پیوند عاطفی شنوندگان را با مفاهیم میهنی عمیق‌تر کند. ترکیب حماسه و شور مذهبی، قدرتی مضاعف به این آثار می‌بخشد.

یک مقاومت فرهنگی

این رویکرد، گامی درست در جهت پیوند هویت ملی و وطن‌دوستی با اعتقادات و مراسم مذهبی است. به‌جای تلاش برای تفکیک این دو حوزه، که در فرهنگ ایرانی اغلب به‌هم تنیده‌اند، این اقدام به رسمیت شناختن و تقویت این پیوند طبیعی است.

بخش قابل توجهی از جامعه ایران، خود را هم‌زمان هم ایرانی و هم مسلمان می‌داند. برای این افراد، تفکیک هویت ملی از هویت مذهبی، تفکیکی غیرواقعی و آزاددهنده است. این رویکرد، به این واقعیت‌های جامعه پاسخ می‌دهد و به هم‌زیستی و هم‌افزایی این دو بُعد هویتی کمک می‌کند.

برخی جریان‌ها تلاش می‌کنند تا میان هویت

و جامعه عمیق و گسترده است. در سطح فردی، افزایش اضطراب، افسردگی و حس بی‌اعتمادی نسبت به آینده، از جمله آثار مخرب این هجمه است. در بعد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، تضعیف همبستگی ملی و دل‌سردی عمومی نسبت به آینده کشور، از دیگر نتایج ناگوار این عملیات روانی به‌شمار می‌رود. زمانی که اعتماد عمومی خدشه‌دار و روحیه مقاومت تضعیف شود، جامعه در برابر چالش‌ها آسیب‌پذیرتر خواهد شد. این شبیخون، نه‌تنها سلامت روان شهروندان را تهدید می‌کند، بلکه ستون‌های استحکام اجتماعی را نیز هدف قرار می‌دهد. در برابر این هجمه بی‌امان، شناخت ماهیت این رسانه‌ها و آگاهی از شیوه‌های

روانشناختی و بهره‌گیری از تکنیک‌های پیشرفته عملیات روانی، به ابزاری برای بی‌ثبات‌سازی فضای ذهنی مردم تبدیل شده‌اند. پخش اخبار دروغ، تحریف واقعیت‌ها، القای ناامیدی و سیاه‌نمایی مداوم، تنها بخشی از زرادخانه رسانه‌ای آنهاست. با برجسته‌سازی گزینشی نقاط ضعف، نادیده گرفتن دستاوردها و ترویج یأس و پدبینی، این شبکه‌ها به‌نوعی جنگ روانی علیه سلامت روان جامعه عمل می‌کنند. هدف نهایی، ایجاد شکاف‌های اجتماعی، تضعیف روحیه مقاومت و سلب قدرت تشخیص و تحلیل از مخاطب است. آنها می‌کوشند با تهی کردن مردم از امید و انگیزه، آنها را به انقیاد فکری و روانی بکشانند.

پيامدهای این تجاوز خاموش، بر فرد

شبیخون خاموش!

سعید رضایی

خبرنگار

فعالیت رسانه‌های فارسی‌زبان معاند، دیگر فقط در چارچوب اطلاع‌رسانی یا حتی جهت‌دهی خبری نمی‌گنجد. این شبکه‌ها با بمباران اطلاعاتی و تولید محتوای هدفمند، در حال تجاوزی آشکار به حریم روانی ملت ایران هستند؛ پدیده‌ای که می‌توان از آن با عنوان «شبیخون خاموش» یاد کرد. این رویکرد، نه‌تنها نقض فاحش حقوق معنوی و اخلاقی جامعه ایرانی به‌شمار می‌رود، بلکه به‌طور سیستماتیک در پی تخریب آرامش روحی، اعتماد عمومی و همبستگی ملی است. این رسانه‌ها، با درک پیچیدگی‌های

قبیله عشق | می‌خواهم گمنام باشم!



«مجتبی» ۱۶ سال بیشتر نداشت. اما تخریبچی لشکر سیدالشهداء بود. کار که دست مجتبی می‌افتاد تا به بهترین شکل ممکن جمع نمی‌شد، دست از کار نمی‌شست! همین پیگیری‌ها و سمج بودن‌ها در کار سبب شد که در همان ابتدایی جوانی در کربلای ۸ جلودار «گردان زهیر» شود تا نیروها را از معبر عبور دهد. جریان عملیات هم از این قرار بود که ۱۸ فروردین سال ۱۳۶۶ در غرب کانال ماهی شلمچه فشار دشمن روی معبر فاطمه‌زهر(ا‌س) زیاد شد. دستور رسید که گردان زهیر(ع) وارد عملیات شود و این‌بار چون همه نیروهای تخریب درگیر عملیات بودند، مجتبی دقیقی جلو دويد و گفت، من مسیر را بلدم و گردان را از معبر عبور می‌دهم و فرمانده هم قبول کرد. مجتبی دیگر سر از پا نمی‌شناخت. تا گردان آماده رزم بشود، وقت بود. مجتبی خودش را به برادرش حاج‌حسین که فرمانده ستاد لشکر بود و در قرارگاه تاکتیکی عملیات را هدایت می‌کرد، رساند حاج حسین درباره آن شب می‌گوید: «آن شب مجتبی پیش من آمد و گفت: داداش، دارم می‌روم جلو. لباس تو تمیز است، لباس‌ت را به من بده، من بروم عملیات و برگردم. من هم لباسم را به مجتبی دادم. گفتم: مجتبی پلاک جنگی گرفتی؟ گفت: پلاک نمی‌خواهم. گفتم: داداش اگر طوری شدی ما از کجا پیدایت کنیم؟ گفت: می‌خواهم گمنام باشم. هر چه اصرار کردم حرف خودش را می‌زد. گفتم: داداش لاقل پلاک من را با خودش ببر.

دیدم اصلا در این دنیا نیست. تا من لباس را درآوردم و مجتبی پوشید، فرصتی بود که خوب نگاهش کنم. مجتبی خیلی بزرگ شده بود. آفتدر که آماده پیریدن بود. مجتبی ۱۶ ساله حالا شده بود جلودار گردان. خیلی کیف کردم. جای پدرم خالی بود که وقت رفتن، پهلوانش را ببیند. گردان از راه رسید و مجتبی بسا عجله خودش را در بغل من انداخت و گفت: داداش من را حلال کن. به پدر و مادر سلام من را برسان و از آنها بخواه من را حلال کنند. من هم روی مثل ماه مجتبی را بوسیدم و از هم جداشدیم. مجتبی رفت و من ماندم.

مجتبی که رفت من به قرارگاه رفتم و مشغول هدایت عملیات بودم. روی بی‌سیم می‌شنیدم که درگیری سختی در معبر حضرت زهر(ا‌س) در جریان است. تا اینکه خبردار شلدم مجتبی مجروح شده و در خط بین ما و دشمن افتاده. فاصله ما با جایی که مجتبی افتاده بود ۲۰۰ متر بیشتر نبود. می‌توانستم بروم دنبالش. اما مگر فقط مجتبی ما بودا مجروحان دیگر هم بودند و از طرفی هم نمی‌توانستم قرارگاه را رها کنم. مجتبی بین ما و دشمن ماند و دشمن منطقه غرب کانال ماهی را زیر آتش «کاتیوشا» شخم زد و مجتبی را ملانکه به آسمان بردند.»

چه کسی ایده شهر موشکی را محقق کرد؟



در هم کوید. این پاسخ کوبنده، بار دیگر توجه جهانیان را به توان دفاعی ایران و به‌ویژه شهرهای موشکی زیرزمینی آن جلب کرد؛ دژهای نفوذناپذیر که به نمدای از اقتدار و بازدارندگی جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

ریشه‌های یک ایده انقلابی

داستان شهرهای موشکی ایران، داستانی است از خلافت، شجاعت و خودباوری است. این شهرها امروز به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاعی

جهان شناخته می‌شوند، ریشه در ذهن خلاق یک مهندس برجسته «شهید امیرعلی حاجی‌زاده» فرمانده سابق نیروی هوافضای سپاه دارند. «ناصر کاوه» هم‌رزم شهید حاجی‌زاده، در کتابی که پس از شهادت او شروع به نگارش کرده است، از نقش بی‌بدیل این فرمانده در بنیان‌گذاری شهرهای موشکی سخن می‌گوید. به‌گفته کاوه، حاجی‌زاده با تیمی از جوانان بالنگیزه و با بودجه‌ای محدود، ایده‌ای را به واقعیت تبدیل کرد که در کمتر کشوری وجود دارد.

ایده اولیه، ساخت تونل‌ها و زائغه‌های زیرزمینی بود که به‌تدریج به شهرهای موشکی پیشرفته‌ای تبدیل شدند. این شهرها که برخی از آنها در عمق ۵۰۰ متری زمین ساخته شده‌اند، در تمامی استان‌های ایران پراکنده‌اند و به‌گفته «سردار علی فضل‌ی» جانشین معاون هماهنگ‌کننده سپاه، هنوز برخی از آنها رونمایی نشده‌اند. این پایگاه‌های زیرزمینی، نه‌تنها موشک‌های بالستیک دوربرد و نقطه‌زن ایران را در خود جای داده‌اند، بلکه به‌دلیل طراحی منحصر‌بفردشان، در برابر حملات هوایی و موشکی دشمنان کاملاً ایمن هستند.

نمایش اقتدار موشکی

عملیات «وعده صادق۳» نمونه‌ای بارز از کارآمدی این شهرهای موشکی بود. در این عملیات، موشک‌های بالستیک و پهپادهای پیشرفته ایران، با دقتی خیره‌کننده، مراکز نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی را هدف قرار دادند. تصاویر منتشر شده از اصابت موشک‌های ایرانی به اهداف، آن هم از سوی رسانه‌هایی که سانسور شدیدی در بازتاب این تصاویر داشتند گواهی بر توانمندی بی‌نظیر نیروی هوافضای سپاه بود. این عملیات نشان داد که ایران نه‌تنها توانایی دفاع از خود را دارد، بلکه می‌تواند پاسخ‌هایی قاطع و غافلگیرکننده به هرگونه تجاوز بدهد. موشک‌های بالستیک دوربرد و نقطه‌زن ایران، که از این شهرهای زیرزمینی شلیک شدند، با دقت بالا و قدرت تخریب عظیم، اهدافی را در فاصله‌های دور منهدم کردند. این توانمندی، دشمنان را وادار کرد تا به قدرت نظامی ایران اعتراف کنند.

عملیات‌هایی سردار شادمانی در آن حضور داشت، می‌گوید: «بعد از عملیات‌های پی‌درپی در کربلای ۵ در منطقه شلمچه، برادر حاج مهدی کیانی، لشکر ۳۲ انصارالحسین(ع) را تحویل سردار حاج علی شادمانی داد و با شروع کار فرمانده جدید، مأموریت جدیدی به لشکر محول شد. در تاریخ ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۶۶ به لشکر ۳۲ انصارالحسین(ع) ابلاغ شد که از منطقه جنوب به غرب کشور برود و پس از ابلاغ، نقل‌وانتقالات شروع شد. به اردوگاه شهید شهبازی چهارزیر رفتیم و مفرمان را در آنجا برقرار کردیم. بعد از اینکه همه واحدها و گردان‌ها مستقر شدند به لشکر انصارالحسین ابلاغ شد نیروهای اطلاعات، عملیات و ستاد را برای آماده‌سازی عملیات به منطقه مساوت عراق اعزام کنند که این کار هم انجام شد. بعد از اینکه منطقه شناسایی شد عملیات نصر ۴ در تاریخ ۳۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۶ در منطقه ماووت عراق به اجرا گذاشته شد. در واقع این عملیات ادامه عملیات کربلای ۱۰ بود که با طراحی و فرماندهی سپاه در ۴ محور به اجرا گذاشته شد و در این عملیات رزمندگان اسلام موفق شدند به اهداف خود برسند.»

فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها

سردار سپهبد شهید علی شادمانی در سال ۱۳۵۸

به‌ویژه، رژیم صهیونیستی که همواره خود را در حوزه فناوری نظامی برتر می‌دانست، در برابر این حملات غافلگیر شد و نتوانست پاسخ مؤثری به آن بدهد.

شجاعت و نوآوری در آزمایش‌های اولیه

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های داستان شهرهای موشکی، روایت آزمایش‌های اولیه این پروژه است. ناصر کاوه می‌گوید: «ساخت سیلوهای پرتاب موشک، ایده‌ای بود که پیش از ایران، تنها در چند کشور مانند روسیه، آمریکا، چین و کره شمالی اجرا شده بود. اما این کشورها دانش خود را با ایران به اشتراک نگذاشتند و حاجی‌زاده و تیمش مجبور بودند از صفر شروع کنند. آزمایش این سیلوها، که برای اولین‌بار در ایران انجام می‌شد، با چالش‌های فراوانی همراه بود. صدای عظیم موشک‌ها هنگام پرتاب، شبیه به غرش هواپیمای بوئینگ ۷۴۷، و خطر انفجار ناشی از عدم کنترل دود و صدا، نگرانی‌هایی را در میان فرماندهان ایجاد کرده بود. اما شجاعت حاجی‌زاده در این لحظه حساس، برگ برنده‌ای بود که پروژه را به موفقیت رساند. او با اعلام اینکه همراه خانواده‌اش پشت اتاق کنترل خواهد ایستاد و آزمایش را انجام خواهد داد، تردیدها را کنار زد. این آزمایش با حضور فرماندهانی چون «حاج حسن طهرانی‌مقدم» و «محمدباقر قالیباف» با موفقیت کامل انجام شد و ایران را به جمع معدود کشورهای دارای سیلوهای موشکی وارد کرد.»

شهرهای موشکی دریایی؛ گامی فراتر

علاوه بر شهرهای موشکی زمینی، نیروی دریایی سپاه نیز با ایجاد پایگاه‌های موشکی و پهپادی در سواحل خلیج‌فارس، توان عملیاتی ایران را در حوزه دریایی تقویت کرده است. این پایگاه‌ها، مجهز به پهپادهای پیشرفته و موشک‌های ساحل‌پایه، نقش مهمی در حفظ حاکمیت دریایی و مقابله با تهدیدات در منطقه خلیج‌فارس ایفا می‌کنند. این زیرساخت‌ها، با افزایش دقت هدف‌گیری و توان نظارتی، به ایران امکان می‌دهند تا هرگونه تحرک دشمن در آب‌های منطقه را رصد و خنثی کند.

فرماندهی که با امکانات کم کارهای زیادی کرد

به سپاه پاسداران پیوست و در خلال دفاع مقدس فرماندهی محور سرپل ذهاب، فرماندهی سپاه پاوه و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ فرماندهی لشکر ۳۲ انصارالحسین را برعهده داشت. او از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵ معاون عملیات نیروی زمینی سپاه پاسداران بود و در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ به‌عنوان فرمانده لشکر ۳ نیروی مخصوص حمزه انتخاب شد. این فرمانده شهید از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ فرماندهی قرارگاه نجف اشرف و لشکر ۴ بعثت را برعهده داشت و بعد از آن به فرماندهی دانشگاه پیاده نرسا انتخاب شد. سردار سپهبد شهید علی سادمانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ به‌عنوان رئیس اداره عملیات ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کرد و از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ هم‌زمان معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم را برعهده داشت. سردار سپهبد شهید شادمانی از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا خرداد سال ۱۴۰۴ با حکم فرمانده معظم کل قوا به‌عنوان معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء خدمت کرد و پس از ترور ناجوانمر دانه «سردار سپهبد شهید غلامعلی رشید» توسطرژیم صهیونیستی به فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء منصوب و در خلال جنگ به فیض رفیع شهادت نائل آمد.

پای کار بازسازی

مستولان بسیج سازندگی استان البرز با حضور میدانی، رصد مشکلات و برآورد خسارات وارد شده به منازل مسکونی استان البرز در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی، در جهت بازسازی ویرانی‌ها و آسیب‌های ناشی از جنگ برنامه‌ریزی کردند. «سرهنگ پاسدار محمد فلاحتکار» مسئول سازمان بسیج سازندگی استان البرز ضمن بازدید از منازل آسیب دیده در جنگ تحمیلی دوم، از اهتمام گروه‌های جهادی در جهت بازسازی ویرانی‌ها خبر داد و اظهار داشت: «گروه‌های جهادی از روز نخست جنگ پای کار خدمت به مردم بودند و با قدرت تمام نسبت به بازسازی ویرانی‌ها اقدام خواهند کرد.»



هنرمندان اقتدار

هنرمندان بسیجی با حضور بر مزار «شهید امیرعلی حاجی‌زاده» و «محمود باقری» در بهشت زهر(ا‌س) یاد شهادی مقاومت را گرامی داشتند. در این مراسم شاعرانی همچون: رضا اسماعیلی، حسین اسرافیلی، مصطفی محدثی خراسانی، فاطمه نائی‌زاد، عاطفه جوشقانیان و... به شعر خوانی پرداختند. «حبیب‌الله بهمنی» کارگردان، «مهران رجبی» بازیگر، «کمال‌الدین شاه‌رخ» عکاس با بیان خاطراتی از سرداران شهید یاد این عزیزان را گرامی داشتند. «آرش زینال خیری» ریاست سازمان بسیج هنرمندان کشور به بیان خاطراتی از «شهید حاجی‌زاده» بر این نکته تأکید کرد که راه شهاده‌ا پر قدرت ادامه می‌دهیم و کار هنرمندان در این عرصه تازه شروع شده است.



جهاد ۴۵۰۰ نفره

«سرهنگ سیدجعفر سبزه» مسئول بسیج سازندگی سپاه حضرت جوادالانمه خراسان شمالی گفت: «گروه‌های جهادی استان در پنج قرارگاه جهادی بهنهی، ۱۲ قرارگاه جهادی منطقه‌ای و ۴۴ قرارگاه جهادی محلی به مناطق هدف اعزام شدند.» وی افزود: «چهار هزار و ۵۰۰ نفر خدمات عمرانی، فرهنگی، پزشکی، مشاوره، آموزش، بهداشت و درمان، امدادگری و کمک مؤمنانه به جامعه هدف ارایه می‌دهند.» به‌گفته سرهنگ سبزه گروه‌های جهادی استان در تابستان امسال در روستاهای؛ قوشخانه، ال‌داغ، شوقان و سنخواست، نیکانلو به مردم خدمت ارائه می‌دهند. وی در ادامه اضافه کرد: «۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای این اقدام جهادی در نظر گرفته شده است.»





نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه محرم امسال به‌معنای واقعی در کنار ذکر «حسین» تجلی «با حسین بودن» و «فرهنگ حسینی» هم بود، اظهار داشت: «امام حسین(ع) نهضتی را آغاز کرد که تا یوم‌الله ظهور حضرت حجت(عج) ادامه می‌یابد.»

به گزارش صبح صادق حجت‌الاسلام والمسلمین «عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه ، در مراسم بزرگداشت شهدای اقتدار سازمان بسیج مستضعفین (شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی) که در مسجد امام حسن مجتبی(ع) شهرک فجر سپاه برگزار شد گفت: «بیاران امام حسین(ع) با اینکه می‌دانستند انتهای مسیرشان شهادت و جان دادن است، بر ادامه ای مسیر پافشاری کردند. اینکه ما تن به شهادت می‌دهیم، اما تن به ذلت بردگی و تسلیم نمی‌دهیم، اساس این حرکت است که عامل شکل‌گیری انقلاب ما و فرهنگ بسیج شده است.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی ادامه داد: «همه حرف امام حسین(ع) این بود که حاکمیت خدا

مستقر و حاکمیت غیر الهی سرنگون شود. اصل بر این است که غیر خدا نباید بر انسان‌ها حکومت کند. این حاکمیت ولی الهی به همین معناست. هیچ‌کس غیر خدا حق حکمرانی را ندارد؛ این ابرهدف و ابر چشم‌انداز تاریخ انبیا و ائمه(ع) است؛ بنابر این برای نفی طاغوت و برپایی حاکمیت الهی هر چه خون بدهیم، قیمتی می‌شود و ثارالله است.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی افزود: «برای اولین بار رژیم صهیونیستی واقعا «لّه» شد و جهانیان دیدند که این رژیم واقعا آسیب‌پذیر است؛ البته زوایای این آسیب سنگین هنوز خوب عیان نشده است و یک نشانه مهم آن، ورود مستقیم آمریکا به جنگ بود و وقتی با پاسخ قاطع ما مواجه شد، از نیمه‌شب به‌شدت التماس می‌کرد که آتش‌بس برقرار شود. ما همان‌طور که در ماجرای شهادت حاج قاسم به آمریکا اثبات کردیم که سیلی می‌زنیم و زدیم، برای دومین بار قبlish تهدید کردیم که اگر وارد شوی، می‌زنیم. گفتیم جواب خواهیم داد و جواب هم دادیم.»

حجت‌الاسلام والمسلمین «حسین طائب»

پاسخ‌ها متناسب با تهدیدات تعیین‌می‌شود



حجت‌الاسلام والمسلمین «حسین طائب» ، درباره پاسخ جمهوری اسلامی ایران به هرگونه شرارت مجدد دشمنان اظهار داشت: «رژیم صهیونیستی و «تانیاهو» بقای خود را در تهدید و جنگ می‌بینند و سیاست آنها بر جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی استوار است.»

مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به عملکرد تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی در جنگ با ایران و اینکه این رژیم از همه ظرفیت‌های خود در جنگ با ایران استفاده کرد، افزود: «وضعیت کنونی رژیم صهیونیستی کاملاً به پشتیبانی حامیان این رژیم بستگی دارد؛ اما ایران همواره آماده است و به موضوع‌گیری دشمنان کاری ندارد.»

مشاور فرمانده کل سپاه با تأکید بر آمادگی ملت و نیروهای مسلح ایران گفت: «ملت ما همواره آماده دفاع بوده و فرهنگ مقاومت ما بر اساس شهادت‌طلبی شکل گرفته است؛ نه تسلیم در برابر تهدیدها.» حجت‌الاسلام والمسلمین «حسین طائب» اضافه کرد: «نیروهای مسلح نیز با هوشیاری کامل، تاکتیک‌های دفاعی متناسب با شرایط را اجرا خواهند کرد؛ البته امیدواریم که اتفاقی نیفتد، اما اگر چنین شود، تغییر در تاکتیک‌ها و شیوه‌های جنگ را خواهیم داشت.»

طائب درباره احتمال بسته‌شدن تنگه راهبردی هرمز از سوی ایران، در صورت انجام هرگونه خطا از سوی دشمن هم عنوان کرد: «روش‌های جنگی ایران به‌روز و متناسب با تهدیدات روز تعیین می‌شود.»

نماینده ولی فقیه در سپاه

خشم مقدس ملت همه را زیر یک خیمه جمع کرد

وی اظهار داشت: «خشم مقدس ملت مقابل استکبار بشکند. تصور دشمن این بود که شکستن اراده مردم برای پیروزشدن خیلی مهم است و اینکه در طی سه دهه گذشته، فرهنگ بسیجی از بین رفته و ذائقه مردم تغییر کرده است. بر اساس محاسبات دشمن، فرهنگ بسیجی کم‌رنگ شده بود، مردم گرفتار زندگی دنیا و مسائل معیشت و روزمرگی شده بودند و این موضوع، آنها را از سنگر نشینی انقلاب بازخواهد داشت؛ اما عملاً به این نظر، خط بطلان کشیده شد.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی گفت: «دشمن روحیه حسینی و عاشورایی مردم را محاسبه نکرده بود. این مردم سختی‌ها را متحمل شده و گلایه‌هایی هم دارند، اما آموخته‌اند آنچه‌ای که دشمنان بخواهند مقابل دین‌شان و حسین(ع) بایستند، باید همچون حسین(ع) مقابل همه دنیای آنها ایستادگی کنند. شکستی که این روزها به جبهه استکبار تحمیل کردیم در طول ۴۶ سال گذشته بی‌سابقه بوده است.»

امیر سر لشکر «سیدعبدالرحیم موسوی»

برابر زورگویی و تجاوز می‌ایستیم



امیر سرلشکر «سیدعبدالرحیم موسوی» در گفت‌وگوی تلفنی با «خالد بن محمد العطیه» معاون نخست‌وزیر و مشاور وزیر در امور دفاعی قطر اظهار داشت: «لازم است از مواضع ارزشمند دولت قطر در محکومیت متجاوزین به حریم ایران تشکر کنیم.»

سرلشکر موسوی ادامه داد: «قطر از جمله کشورهایی است که از مبارزات مردم مظلوم فلسطین حمایت قاطعی داشته است.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح افزود: «حقانیت ایران در این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی بر جهانیان ثابت شد؛ همچنین به دنیا ثابت شد که آمریکا و رژیم صهیونیستی به هیچ اصل و هنجار بین‌المللی پایبند نیستند.»

وی گفت: «آمریکا در این جنگ ۱۲ روزه از هیچ کمکی به رژیم صهیونیستی دریغ نکرد و در پشتیبانی کامل اطلاعاتی و لجستیکی از عملیات رژیم، در دفاع در مقابل حملات موشکی و پهپادی ایران با تمام امکانات وارد عمل شد.»

سرلشکر موسوی تأکید کرد: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تمام توان در برابر زورگویی ایستادگی کرد و با تمام قدرت به متجاوزین پاسخ داد.»

خالد بن محمد العطیه هم در این گفت‌وگوی تلفنی عنوان کرد: «قطر از همان ابتدا تجاوز رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد و همواره خواستار حل مسئله از طریق تعاملات و دیپلماسی است.»

انهدام ۸۰ پهپاد

«سرلشکر محسن رضایی» دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «ما حدود ۸۰ پهپاد را زدیم که جنازه ۳۲ پهپاد اکنون در دست ماست. از جمله پهپادهای «هرمس» و «هرومن» که بسیار پیشرفته بودند. رادارهای ما ۸۰ اصابت راثبت کرده‌اند. بنا بر گزارش وزارت دارایی اسرائیل، در این ۱۲ روز حدود ۲۰ میلیارد دلار هزینه جنگ بوده است. به‌اندازه تولید دو سال موشک‌های تاد آمریکایی در این ۱۲ روز مصرف شده است. هر موشک هم قیمت بسیار بالایی دارد. یعنی دو سال تولید را ظرف ۱۲ روز به آسمان شلیک کردند. موجودیت اسرائیل نابودشدنی است.»

۱۵

پاسدار

شماره ۱۱۹۶ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴

صداقی

روی خط

ما

مردمیدانیم

۰۹۳۷۰۰۰۶۵۱۲/ سگ زرد برادر شغال است؛ تمام حرف‌ها و گفته‌های «ترامپ» نشان می‌دهد که هم‌پایاله «تانیاهو» است و هیچ‌گاه او را به کسی نمی‌فروشد؛ دولتمردان لطفاً این اصل ابتدایی را همیشه مدنظر داشته باشید.

۰۹۰۱۰۰۰۱۳۳۶/ الحمدلله توان موشکی هوا فضایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در انهدام رادار آمریکایی در پایگاه «العدید» بار دیگر نشان داد که خدا با ماست و آن باطلی که رفتنی و نابودشدنی است، آمریکا و صهیونیست است.

۰۹۱۷۰۰۰۳۳۸۷/ از آقایان «محسن رضایی»، «قالیباف» و «لاریجانی» واقعا تشکر ویژه می‌کنم که تبیین‌گری سنجیده و عقلانی را برای مردم ایران ارائه کردند. عزت‌تان زیاد.

۰۹۱۹۰۰۰۲۲۱۹/ آیات عظام و مردم نشان دادند که در مسیر امام حسین(ع) پشت ولایت‌فقیه ایستاده‌اند. این همبستگی و اتحاد، همان چیزی است خواب و خوراک را از دشمنان سلب کرده و توان دیدنش را ندارند. دشمنان تاریخ همبستگی و اتحاد ایرانیان را در تاریخ بخوانند بعد خواب تفرقه‌افکنی برای ایران ببینند.

۰۹۱۸۰۰۰۳۶۲۲/ «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» شعاری نیست که از دل احساسات برآمده باشد حقیقت شرعی و سیاسی و اخلاقی ماست. این شعارها تلنگر و زنگ خطری تا مردم جهان را از خواب اعتماد به افرادی مانند؛ «ترامپ»، «تانیاهو»، «کارت‌ر»، «شمارون»، «بایدن» و... بیدار کند. اینکه برخی‌ها تعریف جداگانه‌ای از «مرگ بر آمریکا و اسرائیل» بازتاب می‌دهند، لازم است دوباره اندیشه امام خامنه‌ای و امام خمینی(ره) را مطالعه کنند.

۰۹۳۵۰۰۰۱۴۱۴/ دوستان و مسئولان پای‌کار در فضای مجازی، مواظب باشید در این وضعیت حساس در زمین دشمن بازی نکنید؛ بحث و جدل کردن و انگ‌زن به مسئولان کشور و حمله به این مسئول و آن مسئول در این شرایط چیزی جز در زمین دشمن بازی کردن، نیست. بیشتر از همه با آقای «کواکبیان» هستم.

۰۹۱۵۰۰۰۳۳۶۷/ جولانی بلندی‌های جولان را به رژیم صهیونیستی هدیه کرد او وطن‌فروشان همیشه‌بالباس‌های وزین و شیک و جب‌به‌وجوب خاک کشور را به حراج می‌دهند، آن از پهلوی که بحرین‌س را مفت و مجانی به‌خاطر منافع انگلیس شوهر دادرفت. این از جولانی!

۰۹۱۶۰۰۰۲۳۸۸/ مگر می‌شود کسی شیرینی و حقیقت مقاومت را درک کند و در برابر زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونی و آمریکا ایستادگی نکند. دست‌مریزاد به نیروهای حزب‌الله لبنان که با یک جمله «ما مردان میدانیم و شعله‌های مقاومت با تمام شرایط دشوار روشن خواهد ماند.» در جواب به خلع سلاح هم برای صهیونیست‌ها خط‌ونشان کشیدند و هم موضع خود فریاد زدند.

۰۹۱۲۰۰۰۶۷۳۳/ این جمله «آیت‌الله جوادی آملی» را باید بر سر در وزارت خارجه با خط خوش نوشت که «وقتی به آمریکایی‌ها دست می‌دهید، انگشتان‌تان را بشمارید!» این روزها که دارید دوباره بر طبل مذاکره می‌کوبید، یادتان نرود که این کشور، همان کشوری است که دست در دست صهیونیست‌ها ۱۱۰۰ هموطن ما را به شهادت رساندند. یاعلی

۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق

۰۹۲۷۷۴۰۰۰۱۰۰

هفته‌نامه صبح صادق

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله‌جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
سیامک باقری،سعدالله‌زارعی،
عزیز غضنفری،فرهادمهروی، مه‌دی‌سعیدی،
فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر
دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی
مدیرفنی: محمد‌صالح‌نادری
نگارش‌و‌ویرایش:محبوبه‌حاجی‌آقایی
صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی
عکاس: حامد‌گودرزی
ناظرچاپ:سعید‌قاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰و ۷۷۴۶۰۲۱)
basirat.ir
@ssweekly
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
شماره ۱۱۹۶ | دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴

کتابیه



یار آمد!

نوحه‌خوان! سرمست از دیدار با جانان بخوان!
یار آمد! در سلامش زیر لب قرآن بخوان!
خیمه‌گاه سوگ ما شد خیمه‌گاه شور ما
این زمان ایران حریم اوست «ای ایران» بخوان!

علی محمد مودب

قامت حیدری

مردی که دلش پُر از تب عاشوراست
دل‌بسته روضه شب عاشوراست
مردی که نداده تن به ذلت هرگز
او پیرو شاه مکتب عاشوراست
با قد رشید خود رشادت‌ها کرد
او آمد و بی عصا کرامت‌ها کرد
با قامت حیدری و خبیر شکنش
آمد به حسینه قیامت‌ها کرد
از راه رسید وزیر لب قرآن خواند
چشمش دم روضه سوره باران خواند
از راه رسید و روضه خوان مجلس
با امر ولی امر "ای ایران..." خواند

ناصر دوستی

حضرت ماه آمده

آسمان ابری ولی خورشید از راه آمده
در شب مهتاب غیرت حضرت ماه آمده
عاشقان، دریادلان، چشم انتظاران باصفا
موجی از شوق آمده در گاه و بیگاه آمده
این دل ما در قدومش جانفشان و شوقمند
تا به سر حد عطش با شوق گل راه آمده
تا دوباره بشنود فریاد سرخ عشق را
عاشقانه در پناه لطف الله آمده
بر طریق آشنایی آمده دل‌های ما
ای حماسی سیرتان اعجاز دلخواه آمده
در شب غیرت شب مردان عاشورای خون
در شب مهتاب غیرت حضرت ماه آمده

مهدی طهماسبی

صبحانه

فرمول موفقیت

فرمول موفقیت خیلی ساده است؛ تعداد شکست‌ها رو دو برابر کنید. می‌توانید بعد از شکست به جای ناامید شدن، از آن درس بگیرید. پس به راهتان ادامه بدید. تمام تلاش‌تان را بکنید و شکست بخورید. در این صورت است که راه موفقیت رو پیدا می‌کنید.

داستان

سایه خرچنگ

تاب می‌خورد. «بگم مارال، به خرچنگ توی سرت ته که داره لحظه‌به‌لحظه بزرگ‌تر می‌شه؟ بگم شش ماه دیگه تمومه؟ بگم خونه‌مون رو بفروشیم، شاید یه ماه دیگه به عمرت اضافه کنیم؟»

دکتر استکان را به سمتش هل داد. «جهان من و تو فرق داره، یحیی. من با علم کار می‌کنم. دودوتام همیشه چهارتاست. اما تو... تو با خیال زندگی می‌کنی. یه وقتیای دودوتات می‌شه چهارونیم، یه وقتیای سه. ولی حالا وقتشه که با واقعیت رویه‌رو شی.»

یحیی استکان را گرفت، اما انگار چای توی دستش سنگ شده بود. «واقعیت؟ واقعیت اینه که مارال داره می‌ره، دکتر. من چی کار کنم؟ برم بگم عشقم، بیا بریم سفر، رستوران، فیلم ببینیم، خاطره بسازیم که بعدش تنهایی دیوونه‌م کنه؟» دکتر بلند شد، به سمت پنجره رفت. پرده کرکره را آرام بالا کشید. نور طلایی غروب ریخت توی مطب، و گنبد حرم از پشت پنجره مثل یک تابلوی نقاشی پیدا شد. «یه خونه‌هایی تو دنیا هست، یحیی. زنگشون اون‌قدر بالاست

تلخند



سلامت

زنگ خطر!

درد ناگهانی و شدید در پهلوی کمر، که گاهی به کتاله‌ران تیر می‌کشد، می‌تواند زنگ خطری برای سنگ کلیه باشد. این عارضه که ممکن است با تهوع، استفراغ، خون در ادرار یا سوزش ادرار همراه شود، یکی از شایع‌ترین مشکلات کلیوی است. به گفته متخصصان، علائم سنگ کلیه بسته به محل و اندازه سنگ متفاوت است. گاهی سنگ‌های کوچک درد شدیدی ایجاد می‌کنند، در حالی که سنگ‌های بزرگ ممکن است بدون علامت، به‌تدریج کلیه را تخریب کنند. این موضوع اهمیت چکاپ‌های دوره‌ای را دوچندان می‌کند، زیرا سنگ‌ها گاهی به‌صورت اتفاقی در سونوگرافی کشف می‌شوند. عوامل متعددی خطر ابتلا به سنگ کلیه را افزایش می‌دهند. کم‌آبی بدن، مصرف زیاد نمک، نوشابه‌های گازدار تیره، پروتئین حیوانی و حتی اسفناج در برخی افراد می‌تواند زمینه‌ساز این مشکل باشد. افرادی که سابقه خانوادگی سنگ کلیه دارند، در مناطق گرمسیر زندگی می‌کنند، کم‌تحرک‌اند یا رژیم‌های لاغری سخت می‌گیرند، بیشتر در معرض خطر هستند. همچنین بیماری‌هایی مانند پرکاری پاراتیروئید می‌تواند احتمال تشکیل سنگ را بالا ببرد. برای پیشگیری، نوشیدن روزانه ۲ تا ۲٫۵ لیتر آب ضروری است. کاهش مصرف گوشت قرمز، نمک و غذاهای فرآوری‌شده نیز نقش مهمی در سلامت کلیه‌ها دارد. کارشناسان توصیه می‌کنند افراد پرخطر، مانند کسانی که سبک زندگی کم‌تحرک دارند یا مایعات کافی مصرف نمی‌کنند، با اصلاح رژیم غذایی و افزایش تحرک، از بروز این مشکل جلوگیری کنند.

چکاپ‌های منظم و توجه به علائم اولیه می‌تواند از آسیب‌های جدی به کلیه‌ها پیشگیری کند. اگر سابقه خانوادگی یا عوامل خطر دارید، با پزشک مشورت کنید و سبک زندگی سالم را در پیش بگیرید. سلامت کلیه‌ها، کلید حفظ کیفیت زندگی است.

صادقانه

امر به معروف ونهی از منکر

امام حسین علیه‌السلام فرمود: «امر به معروف ونهی از منکر، آن است که کافران را به اسلام دعوت کنی؛ حقوق ستم‌دیدگان را بازستانی؛ با ستمگر به مخالفت برخیزی؛ غنیمت‌ها و بیت‌المال را عادلانه بین اهل‌اش قسمت کنی؛ زکات را از آنجا که باید بگیری و در آنجا که باید، مصرف کنی.»

تحف‌العقول، ص ۲۷۰

غیر رسمی

وحدت اسلامی



این اصل را باید پذیرفت که تمام افراد آرزومند بازگشت مسلمانان به عظمت گذشته‌شان، طرفدار وحدت نیز بوده و هستند، زیرا مهم‌ترین خطر و آفت برای مسلمانان، اختلاف بوده و هست. آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای از مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در اندیشه‌ی وحدت اسلامی، بیداری اسلامی و بازگشت مسلمانان به عظمت گذشته بودند. ایشان با طیف وسیعی از علما و روشنفکرانی که از طرفداران بیداری اسلامی بودند ارتباط و دوستی و همکاری داشتند؛ شخصیت‌هایی همچون مرحوم «شهید دکتر محمد بهشتی»، مرحوم «شهید آیت‌الله مرتضی مطهری»، مرحوم «آیت‌الله محمود طالقانی» و مانند ایشان.

امام خمینی رحمه‌الله هم قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دأتما بر وحدت مسلمین و وحدت شیعه و سنی تأکید داشتند. حتی خاطرم هست که یک بار فرمودند: کسانی که امروز از اختلاف شیعه و سنی دم می‌زنند، نه شیعه هستند و نه سنی. آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای هم از همان آغاز، طرفدار عزت و عظمت اسلامی و نظریه وحدت بودند. ایشان از زمانی که توسط نظام سابق به تبعیدهای مکرر در شهرهای مختلف و از جمله شهرهای اهل سنت در اطراف زاهدان فرستاده شدند، با علمای اهل سنت رفیق بودند و تا امروز هم رفاقت‌شان باقی است.

آیت‌الله علامه محمد واعظ‌زاده خراسانی

حسن ختام

به وقت دل‌تنگی

مولاجان، ای بهار گمشده‌ی قلب‌ها!
ثانیه‌ها در حسرت دیدار تو شمع‌وار آب می‌شوند و دل‌مان، چون کویری تشنه، نامت را فریاد می‌زند. بی‌تسو، دنیا جز تاریکی و سردی چه دارد؟ دشمنان، مظلومان را به خاک و خون می‌کشند و افتخار می‌جویند؛ این تشنگی‌ست یا جنایتی که قلب‌عالم را می‌فشرد؟

هر صبح، با امید رویت از خواب برمی‌خیزیم و هر غروب، چشم به راهت، آسمان را می‌کاویم. تو معنای زیستن مایی، ای سرچشمه‌ی شجاعت و مهر!

بی‌تسو، جوانه‌های امیدمان خشکیده و شاخه‌های انتظارمان شکسته. کی می‌آیی که قطره‌های پراکنده‌ی وجودمان به دریای بی‌کران محبت پیوند؟

جمعه‌ها، دل به ندبه می‌سپاریم و با اشک می‌پرسیم: «هَلْ لَیْلٌ یَّاتُنِیْ اَحْمَدَ سَبِیْلَ قَتْلُقی؟» ای کاش راهی بود تا به زیارت نائل شویم! ای کاش دستان به دامن کرامت می‌رسید! مولا، تو وعده‌ی عدل و نور خدایی؛ بیا و این شب ظلمانی را به صبح ظهور روشن کن. قلبمان برای تو می‌تپد، ای یوسف زهر!! بیا که بی‌تو، عالم بی‌معناست.

